



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

بافت نظریه دانشونما در ۱۳۸۵م ظهور

میهن بیان حکیم

ناوود علاءحسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهربان ترین حاکم: نقد نظریه خشونت در عصر ظهور

نویسنده:

داود ملاحسنی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	مهربان ترین حاکم: نقد نظریه خشونت در عصر ظهور
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	تقدیم به:
۱۳	تشکر و قدردانی
۱۴	فهرست مطالب
۱۷	مقدمه
۲۱	فصل اول: روایات بیانگر کشتار و خونریزی در عصر ظهور (دیدگاه افراطی)
۲۱	اشاره
۲۳	۱. روایات مربوط به خونریزی ها و کشتارهای پیش از ظهور
۲۳	اشاره
۲۳	۱-۱. روایات صریح
۲۹	۱-۲. روایات غیر صریح
۳۱	۲. روایات مربوط به کشتار و خونریزی پس از ظهور
۳۲	۳. روایات مربوط به کشتار و خونریزی هنگام ظهور
۳۲	اشاره
۳۳	۳-۱. روایات ابو بصیر
۴۰	۳-۲. روایات ابو هریره
۴۳	۳-۳. روایات مفضل بن عمر
۴۶	۳-۴. روایات ابو جارد
۴۹	۳-۵. روایات مرفوعه، مرسل و غیر مسند
۶۶	۳-۶. روایات متفرقه
۶۶	اشاره

۸۴	پاسخی دیگر در نقد دیدگاه افراطی
۸۴	اشاره
۸۴	الف) جنگ ذات العیون (سال دوازده ه.ق، زمان خلیفه اول ابوبکر)
۸۸	ب) کشتار هفتاد هزار نفر برای یک قسم (سال دوازده ه.ق، زمان خلیفه اول ابوبکر)
۸۹	پ) کشتار سی هزار نفر در یک روز (سال ۱۲ هجری قمری، زمان خلیفه اول ابوبکر)
۹۰	ت) کشتار یک صد هزار نفر را در یک روز (سال سیزده ه.ق، زمان خلیفه دوم عمر)
۹۰	د) کشتار چهل هزار نفر، در یک روز (سال ۱۴، زمان خلیفه دوم عمر)
۹۲	ذ) جنگ برای آب و غذا و غنیمت (سال چهارده ه.ق، زمان خلیفه دوم عمر)
۹۳	و) فتح همدان و کشته های بی شمار (سال ۲۷ ه.ق، زمان خلیفه سوم عثمان)
۹۴	ه) پول بدهید، از شهرتان خارج می شویم (سال ۲۷ ه.ق، زمان خلیفه سوم عثمان)
۹۵	ی) جنگ گرگان، همه را کشتند، جز یک نفر (سال سی ه.ق، زمان خلیفه سوم عثمان)
۹۶	۴. یک شبهه و پاسخ به آن
۱۰۴	نتیجه گیری
۱۰۷	فصل دوم: انقیاد تام خلائق بدون هیچگونه خونریزی و کشتار (دیدگاه تفریطی)
۱۰۷	اشاره
۱۰۸	۱. بیان و نقد روایاتی که این دیدگاه را بازگو و تقویت می کند
۱۱۰	۲. روایات متعارض و بیان دیدگاه صحیح
۱۱۳	نتیجه گیری
۱۱۵	فصل سوم: همسانی سیره حکومتی مهدی موعود (عج) با سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (دیدگاه میانه)
۱۱۵	اشاره
۱۱۶	۱. وحدت رویه حضرت مهدی (عج) با رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام
۱۱۹	۲. چگونگی رفتار امیر المومنین علی علیه السلام با دشمنان
۱۲۳	۳. چگونگی مقابله حضرت مهدی (عج) با دشمنان حقیقی
۱۲۶	نتیجه گیری نهایی
۱۲۹	ملحقات و ضمائ
۱۳۰	فهرست روایات

۱۵۶-----اسامی و شرح حال تفصیلی راویان

۱۶۲-----حال رجال در یک نگاه

۱۷۲-----فهرست منابع

۱۸۰-----درباره مرکز

مهربان ترین حاکم: نقد نظریه خشونت در عصر ظهور

مشخصات کتاب

سرشناسه: ملاحسنی، داود، ۱۳۶۷ -

عنوان و نام پدیدآور: مهربان ترین حاکم ((نقد نظریه خشونت در عصر ظهور)) / نویسنده داود ملاحسنی.

مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.؛ ۵/۲۱×۱۴/۵ س. م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۶۳-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: مهدویت

موضوع: مهدویت -- احادیث

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ م۹ ۷۳/م ۲۲۴ BP

رده بندی دیویی: ۴۶۲/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۲۵۴۹۳

ص: ۱

اشاره

مهربان ترین حاکم

«نقد نظریه خشونت در عصر ظهور»

نویسنده: داود ملاحسنی

ص: ۲

مهربان ترین حاکم

مؤلف: داوود ملاحسنی

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

ویراستار: فاطمه اکبری

طراح جلد و صفحه آرا: مسعود سلیمانی

نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۶۳-۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

* قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) / خیابان شهدا / کوچه آمار(۲۲) / بن بست شهید علیان / پ: ۲۶ /
همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶) / ۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش) / ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت) /
فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

* تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۳۵۵۱۵۶۵۵

m www.mahdi۳۱۳.com

m www.mahdaviat.ir

m info@mahdaviat.ir

m Entesharatbonyad@chmail.ir

تقدیم به:

بسم الله الرحمن الرحيم

یگانه منجی بشریت حضرت صاحب الزمان (عج) همو که؛

اگر چه سینه ها لبریز فریاد است و روح و جان ما آلوده از ظلم و بیداد ولی به امید وی دست دعایمان به سمت آسمان رفته و روز جمعه دلها مان به سمت کعبه می چرخد... به این امید که پیش از رفتن خورشید از دروازه های شب طلوع دیگری جان جهان را آذین سازد.

تشکر و قدردانی

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. و سلام و دورد بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است؛ و نفرین پیوسته بر دشمنان ایشان تا روز رستاخیز...

براساس وظیفه شایسته است که:

از پدر و مادر عزیزم، این دو معلم بزرگوارم که همواره بر کوتاهی و درستی من، قلم عفو کشیده؛ کریمانه از کنار غفلت هایم گذشته اند و در تمام عرصه های زندگی یار و یآوری بی چشم داشت برای من بوده اند؛

و از استاد با کمالات و شایسته؛ جناب آقای دکتر دیاری که در کمال سعه صدر، با خوش خلقی و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نکردند و زحمت راهنمایی این پایان نامه را برعهده گرفتند؛

و

همچنین از جناب حجت الاسلام والمسلمین نصرت الله آیتی (عضو هیئت علمی پژوهشکده آینده روشن) و حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی برای هدایت های علمی ایشان تشکر می کنم.

باشد که این کم ترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

فهرست مطالب

مقدمه..... ۹

فصل اول: روایات بیانگر کشتار و خونریزی در عصر ظهور (دیدگاه افراطی)

۱. روایات مربوط به خونریزی ها و کشتارهای پیش از ظهور ۱۵

۱-۱. روایات صریح..... ۱۵

۱-۲. روایات غیر صریح..... ۲۱

۲. روایات مربوط به کشتار و خونریزی پس از ظهور..... ۲۳

۳. روایات مربوط به کشتار و خونریزی هنگام ظهور..... ۲۴

۳-۱. روایات ابو بصیر..... ۲۵

۳-۲. روایات ابو هریره..... ۳۲

۳-۳. روایات مفضل بن عمر..... ۳۵

۳-۴. روایات ابو جارود..... ۳۸

۳-۵. روایات مرفوعه، مرسل و غیر مسند..... ۴۱

۳-۶. روایات متفرقه..... ۵۸

پاسخی دیگر در نقد دیدگاه افراطی..... ۷۶

الف) جنگ ذات العیون (سال دوازده ه.ق، زمان خلیفه اول ابوبکر)..... ۷۶

ب) کشتار هفتاد هزار نفر برای یک قسم (سال دوازده ه.ق، زمان خلیفه اول ابوبکر).... ۸۰

ج) کشتار سی هزار نفر در یک روز (سال ۱۲ هجری قمری، زمان خلیفه اول ابوبکر).... ۸۱

- د) کشتار یک صد هزار نفر را در یک روز (سال سیزده ه.ق، زمان خلیفه دوم عمر).... ۸۲
- ه) کشتار چهل هزار نفر، در یک روز (سال ۱۴، زمان خلیفه دوم عمر)..... ۸۲
- و) جنگ برای آب و غذا و غنیمت (سال چهارده ه.ق، زمان خلیفه دوم عمر)..... ۸۴
- ز) فتح همدان و کشته های بی شمار (سال ۲۷ه.ق، زمان خلیفه سوم عثمان)..... ۸۵
- ح) پول بدهید، از شهرتان خارج می شویم (سال ۲۷ه.ق، زمان خلیفه سوم عثمان)..... ۸۶
- ۸۷ ط) جنگ گرگان، همه را کشتند، جز یک نفر (سال سی ه.ق، قمری، زمان خلیفه سوم عثمان)
۴. یک شبهه و پاسخ به آن..... ۸۸
- نتیجه گیری..... ۹۶

فصل دوم : انقیاد تام خلاق بدون هیچگونه خونریزی و کشتار(دیدگاه تفریطی)

۱. بیان و نقد روایاتی که این دیدگاه را بازگو و تقویت می کند ۱۰۰
۲. روایات متعارض و بیان دیدگاه صحیح..... ۱۰۲
- نتیجه گیری..... ۱۰۵

فصل سوم: همسانی سیره حکومتی مهدی موعود(عج)

با سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله(دیدگاه میانه)

۱. وحدت رویه حضرت مهدی(عج) با رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام ۱۰۸
۲. چگونگی رفتار امیرالمومنین علی علیه السلام با دشمنان ۱۱۱
۳. چگونگی مقابله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با دشمنان حقیقی.... ۱۱۵
- نتیجه گیری نهایی..... ۱۱۸
- ملحقات و ضمائم..... ۱۲۱

۱۲۲	فهرست روایات
۱۲۸	اسامی و شرح حال تفصیلی راویان
۱۳۴	حال رجال در یک نگاه
۱۳۷	فهرست منابع

مبحث مهدویت، بحثی مشترک میان تمامی ادیان و مذاهب است و همگی منتظر یک منجی هستند که با آمدن وی تمامی جهان پر از عدل و داد شود. باید گفت در این میان دشمنان و فرصت طلبان نیز وارد این بحث مهم شده، هر کدام به فراخور حال خویش به این بحث بسیار مهم آسیب زده، آن را منحرف کرده و چهره قیام و عدالت فراگیر او را مخدوش ساخته اند.

از جمله مباحثی که در این میان بسیار مهم و قابل توجه است، اندیشه و ذهنیت رایج مسلمانان است. آنان بر این باورند که حضرت مهدی(عج) با چهره ای خشن ظهور می کند و با تکیه بر شمشیر و کشتار مخالفان خود به تشکیل حکومت و کسب قدرت موفق می شود. این ذهنیت و تصور از چهره امام زمان(عج) در روایاتی ریشه دارد که در این باره در برخی کتابها نوشته می شود و گاه بر روی منبرها برای مردم بازگو می گردد. به موجب پاره ای از این روایات، که از نظر سندی و متنی مشکل جدی دارند، حضرت مهدی(عج) به هنگام ظهور چنان با خشونت و درشتی با مردم رفتار می کند و کشتار و خونریزی به راه می اندازد که بیشتر آنان آرزو می کنند ای کاش هرگز او را نبینند و عده ای دیگر نیز نسبت به ایشان دچار تردید می شوند و او را از آل محمد صلی الله علیه و آله نمی دانند.

در مقابل این دیدگاه برخی دیگر بر این باورند که امام زمان(عج) به هنگام ظهور از راه ولایت و تصرف تکوینی همه خلایق را مطیع و مسخر خود می کند و کارها را با اعجاز و به صورت غیر عادی انجام می دهد؛ بنابراین اصلاً از کشتار و جنگ با مخالفان هیچ خبری نیست آن چنان که حتی به اندازه خونریزی حجامت هم خونی ریخته نمی شود و تمامی امور به آسانی و بدون هیچ زحمتی پیش می رود.

ما در این نوشتار برآنیم که به نقد و بررسی این دو دیدگاه افراطی و تفریطی پردازیم و یک دیدگاه میانه و درست از چهره امام زمان(عج) به هنگام ظهور و قیام به نمایش بگذاریم و به این نتیجه برسیم که روایاتی که این دو اندیشه نادرست را بیان می کنند، دچار مشکل سندی و محتوایی هستند؛ همچنین نشان دهیم که ظهور حضرت نه آن قدر با خونریزی و کشتار انجام می شود که از دیدگاه عقل و شرع بعید به نظر می رسد و نه آن چنان از جنگ با دشمنان به دور است که بتوان گفت همه کارها به آسانی و راحتی انجام می پذیرد بلکه از آن جا که امام زمان(عج) مظهر رحمه للعالمین است و خواستار هدایت همه مردم می باشند، آنان را به سوی حق دعوت می کند اما به ناچار با دشمنان حقیقی خداوند که به هیچ وجه حق را نمی پذیرند و همواره خواستار سلطه جویی، قدرت طلبی و ظلم و ستم بر مردم هستند، وارد جنگ می شود تا آنها را از بین ببرد و زمین را از آلودگی وجود آنان پاک کند و عدل و عدالت را در همه زمین برقرار نماید.

با توجه به اینکه در برخی روایات مربوط به ویژگی ها و شرایط ظهور حکومت جهانی امام زمان(عج) مطالبی غیر واقعی و بر ساخته از دروغ به پیشوایان

معصوم دین نسبت داده شده است، زدودن غبار دروغ و افتراء از چهره احادیث مربوط به قیام مصلح کل و موعود آخرالزمان (عج) و پاسخگویی به شبهات و نیز بیان واقعیت های قیام براساس عدالت و معنویت آن حضرت، امری بایسته و ضروری می نماید.

هدف از انجام این تحقیق پاکسازی افکار درباره چهره قیام امام مهدی (عج) از خشونت و کشتار به چهره ای از عدل و داد و رأفت و ایجاد انگیزه و گرایش در مردم برای هرچه نزدیک تر شدن قیام و ظهور امام مهدی (عج) است.

حال با توجه به این توصیفات این پرسش اصلی پیش می آید که:

- چگونه و با چه مبنا و معیاری می توان درستی روایاتی را که بیانگر قیام امام همراه با خشونت و کشتار است را شناسایی کرد؟

- مصادر و سندهای روایاتی که بر قیام امام مهدی (عج) و همراهی آن با شمشیر و خشونت دلالت می کند تا چه حد دارای اعتبار و قابل پذیرش هستند؟

- آیا دیدگاهی که قیام امام مهدی (عج) را بدون هیچگونه درگیری توصیف می کند، پذیرفتنی و قابل اثبات است؟

- امام مهدی (عج) پیش از رویارویی و درگیری چه اقدامات اولیه ای برای هدایت و اصلاح مخالفان انجام می دهد؟

در مقام پاسخ به این پرسش ها می توان چنین فرضیاتی را ارائه و به بررسی آنها پرداخت:

- با معیار بررسی سند روایاتی که بیانگر قیام همراه با درگیری و کشتار افراطی است، مشخص می شود که این روایات دارای مشکل سندی و غیر قابل اعتماد هستند.

- اسناد و بعضی از منابع این روایات که بر قیام امام مهدی (عج) و همراهی آن با شمشیر و خشونت دلالت می کنند، دچار تردید و ضعف است.

- روایاتی که بیانگر دیدگاه تفریطی هستند و قیام حضرت را بدون کوچکترین درگیری و کشتار معرفی می کنند، مشکل جدی سندی و دلالتی دارند و بی اعتبار می باشند.

- سیره حضرت مهدی (عج) همان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام است؛ بنابراین رفتار حضرت مهدی (عج) به هنگام رویارویی با مخالفان نیز پیرو سیره جد بزرگوارشان خواهد بود. قیام امام مهدی (عج) همراه با جنگ و درگیری هایی است که پیش از آن هدایت و روشننگری انجام شده باشد؛ اما این جنگ ها به صورت افراطی و تفریطی که برخی روایات بیانگر آن است، انجام نمی گیرد.

و همچنین امام زمان (عج) به هنگام قیام با دشمنان حقیقی خدا، با آنان به طور قاطع برخورد می کند و با دوستان خدا رؤوف و مهربان است.

فصل اول: روایات بیانگر کشتار و خونریزی در عصر ظهور (دیدگاه افراطی)

اشاره

اخبار و روایاتی که در آنها کشتار و خونریزی در حجم گسترده ای مطرح شده اند، به سه دسته تقسیم می شوند. دسته ای از آنها به ملاحم، فتن و خونریزی های پیش از ظهور مربوط می شود و به دوران ظهور و قیام حضرت مهدی (عج) هیچ ارتباطی ندارد و تنها به اوضاع نابسامان جهان پیش از ظهور اشاره می کند که ممکن است برخی آن را به اشتباه به حضرت مهدی (عج) نسبت داده باشند.

دسته ای دیگر از این روایات به دوران پس از حکومت حضرت مهدی (عج)؛ یعنی دوران رجعت مربوط می باشد که باید گفت این مقوله هم با دوران ظهور و حکومت امام ارتباطی ندارد. در این جا توضیح یک نکته ضروری می نماید و آن این که ما در بیان روایات کشتار به هنگام رجعت در پی بررسی سندی و متنی آنها نیستیم و فقط این حقیقت روشن را بیان می کنیم که برخی از کشتارهایی که ممکن است به حضرت نسبت داده شود، مربوط به دوره رجعت است و هیچ ارتباطی به ایشان ندارد.

دسته آخر این روایات که در آنها کشتار در حجم وسیع مطرح شده است و مهم ترین و گسترده ترین بخش تحقیق ما را دربر می گیرد کشتارها و خونریزی های وسیع مربوط به هنگام ظهور و حکومت امام زمان (عج) است که باید گفت این روایات از نظر سندی و متنی مشکل جدی دارند و برخی از آنها

با اغراض گوناگونی به کتاب های روایی وارد شده اند. این روایات نیز در ادامه خواهد آمد و به دقت نقد و بررسی خواهد شد.

پس از مروری کلی بر این سه دسته از روایات، هر یک از این دسته ها را به طور جداگانه بررسی می نمایم.

۱. روایات مربوط به خونریزی ها و کشتارهای پیش از ظهور

اشاره

روایات مربوط به خونریزی ها و کشتارهای پیش از ظهور به دو شکل است: گروهی از آنها به روشنی می گوید که پیش از روی دادن ظهور امام در جهان مرگ و کشتار زیاد است و گروهی دیگر از روایات بیانگر جنگ ها و قتل و غارت ها بین صنوف گوناگون همچون سفیانی و مخالفان وی می باشد که نشانگر کشتار و خونریزی گسترده پیش از ظهور است.

۱-۱. روایات صریح

ابتدا به بیان روایاتی می پردازیم که به طور صریح به کشتار ها و خونریزی های وسیع پیش از ظهور اشاره می کند:

۱-۱-۱. وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْخُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: قُدَّامَ الْقَائِمِ مَوْتَتَانِ مَوْتُ أَحْمَرَ وَ مَوْتُ أبيضُ حَتَّى يَذْهَبَ مِنْ كُلِّ سَبْعَةٍ خُمْسُهُ الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ الطَّاعُونَ. (۱)

سلیمان بن خالد گوید:

۱- محمد بن علی، ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۵۵.

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: پیش از قیام قائم (عج) دو مرگ و میر عمومی رخ می دهد، یکی مرگ سرخ و دیگر مرگ سپید، تا به جایی که از هر هفت تن پنج تن برود. مرگ سرخ با شمشیر و مرگ سپید با طاعون است.

۲-۱-۱. وَ قَالَ عَلِيٌّ بْنُ مُوسَى الرضا عليه السلام: « قَدْ أَمَّ هَذَا الْأَمْرَ قَتْلُ بِيُوحٍ ». قُلْتُ: وَ مَا الْبِيُوحُ؟ قَالَ: « دَائِمٌ لَا يَفْتُرُ ». (۱)

امام رضا علیه السلام فرموده:

پیش روی این امر (قیام حضرت) کشتاری بیوح می باشد. پرسیدم: بیوح چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: کشتاری وسیع و دائم که قطع نمی شود.

۳-۱-۱. وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَا: سَمِعْنَا أبا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثَلَاثُ [ثَلَاثًا] النَّاسِ. فَقِيلَ لَهُ: إِذَا ذَهَبَ ثَلَاثُ [ثَلَاثًا] النَّاسِ فَمَا يَبْقَى؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا الثُّلُثَ الْبَاقِي. (۲)

ابو بصیر و محمد بن مسلم گویند از امام صادق علیه السلام شنیدیم که می فرمود:

این امیر واقع نشود تا آنکه دوسوم مردم از بین بروند، گفته شد: چون دوسوم مردم از بین بروند پس چه کسی باقی می ماند؟ فرمود: آیا دوست نمی دارید که شما آن ثلث باقی باشید؟!

۴-۱-۱. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: النَّدَاءُ حَقٌّ؟ قَالَ: إِي وَاللَّهِ حَتَّى يَسْمَعَهُ كُلُّ قَوْمٍ بِلِسَانِهِمْ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى

۱- عبدالله بن جعفر، حمیری، قرب الاسناد، تحقیق موسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷۰.

۲- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۵-۶۵۶.

يَذْهَبُ تِسْعَةُ أَغْشَارِ النَّاسِ. (۱)

زراره گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم که آن آواز (آسمانی) حقیقت دارد؟ فرمود: آری به خدا قسم؛ چندان که هر قومی به زبان خودشان آن را می شنوند و فرمود: این امر نخواهد شد تا زمانی که نه دهم مردم از بین بروند.

۵-۱-۱. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانَ الرَّازِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَبَلَةَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ مَتَى خُرُوجَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ ... ثُمَّ قَالَ: يَا أبا مُحَمَّدٍ إِنَّهُ لَمَا بِيَدٍ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ ذَلِكَ الطَّاعُونَ؛ الطَّاعُونَ الْأَبْيَضُ وَالطَّاعُونَ الْأَحْمَرُ. قُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ وَ أَى شَيْءٍ هُمَا؟ فَقَالَ: أَمَا الطَّاعُونَ الْأَبْيَضُ فَالْمَوْتُ الْجَارِفُ وَ أَمَا الطَّاعُونَ الْأَحْمَرُ فَالسَّيْفُ. (۲)

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده؛ گوید:

به آن حضرت عرض کردم: فدایت کردم خروج قائم (عج) چه زمانی خواهد بود؟... سپس فرمود: ای ابا محمد ناگزیر پیش از وقوع آن، دو طاعون روی خواهد داد: طاعون سفید و طاعون سرخ، عرض کردم: فدایت کردم آن دو چه هستند؟ فرمود: [اما] طاعون سفید مرگ همه گیر و عمومی است و اما طاعون سرخ

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، تحقیق فارس حسون، چاپ اول، قم، انوارالهدی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۸۲-۲۸۳، ب ۱۴، ح ۵۴.

۲- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، تحقیق فارس حسون، چاپ اول، قم، انوارالهدی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۰۱، ب ۱۶، ح ۶.

همان شمشیر است.

۱-۱-۶. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ ابْنِ الْحَسَنِ الْجُعْفِيِّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصْتِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سِنَّهُ يَجُوعُ فِيهَا النَّاسُ وَيُصَعِّبُهُمْ خَوْفٌ شَدِيدٌ مِنَ الْقَتْلِ وَنَقْصٌ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ فَإِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَمَبِينٌ ثُمَّ تَلَمَّا هَذِهِ آيَاتِهِ: وَكَلْبَلُونَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصِ مَنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (۱).

ابو عبدالله علیه السلام فرمود:

ناچار باید پیش از قیام قائم (عج) سالی باشد که مردم در آن سال گرسنه بمانند و از دو ناحیه ترس و سختی آنان را فرا گیرد از کشتار و از کم بود ثروتها و جانها و میوه ها و این مطلب در کتاب خدا به طور روشن بیان شده است؛ سپس این آیه را تلاوت فرمود: (وَكَلْبَلُونَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصِ مَنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ) (۲)

۱-۱-۷. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ الرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمَاعِلِ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَيْدَةَ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَيْنَ يَدَيْ الْقَائِمِ مَوْتُ أَحْمَرَ وَ مَوْتُ أَيْضُ وَ جَرَادٌ فِي حِينِهِ وَ جَرَادٌ فِي غَيْرِ حِينِهِ أَحْمَرٌ كَالدَّمِ فَأَمَّا الْمَوْتُ

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، تحقیق فارس حسون، چاپ اول، قم، انوار الهدی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۵۹، ب ۱۴، ح ۶.

۲- بقره (۲)، ۱۵۵.

الْأَحْمَرُ فَبِالسَّيْفِ وَ أَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاعُونَ. (۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

پیشاپیش قائم (عج) مرگ سرخ و مرگ سفید و ملخی فصلی و ملخی غیر فصلی که همچون خون سرخ رنگ است، خواهد بود اما مرگ سرخ به وسیله شمشیر است و اما مرگ سفید یعنی طاعون.

۸-۱-۱. حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ الْيَمَانِ، عَنْ كَيْسَانَ الرَّوَاسِيِّ الْقَصَّارِ، وَكَانَ ثِقَةً قَالَ: حَدَّثَنِي مَوْلَايَ، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ: لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يُقْتَلَ ثَلَاثًا، وَيَمُوتَ ثَلَاثًا، وَيَبْقَى ثَلَاثًا. (۲)

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

حضرت مهدی (عج) قیام نمی کند مگر اینکه یک سوم مردم کشته شوند و یک سوم دیگر آن بمیرند و یک سوم آخر باقی بمانند.

۹-۱-۱. وَ عَنْهُ عَيْنُ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْخَصِيبِ عَنْ أَبِي الْمُطَّلِبِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانِ الزَّاهِرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مَدِيحِ بْنِ هَارُونَ بْنِ سَعْدِ بْنِ سَعْدِ، قَالَ: سَمِعْتُ أبا الطُّفَيْلِ عَامِرَ بْنَ وَائِلَةَ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِعُمَرَ... عُمَرُ وَقَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا تَقُولُ، فَهَلْ لَكَ عَلَامَةٌ؟ قَالَ: نَعَمْ قَتْلُ فَطِيحٍ، وَمَوْتُ سَرِيحٍ، وَطَاعُونَ شَنِيعٍ، وَلَا يَبْقَى مِنَ النَّاسِ فِي ذَلِكَ إِلَّا ثَلَاثُهُمْ. (۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ به سوال عمر که از ایشان پرسید آیا برای آن (خروج قائم) علامتی است؟ فرمود:

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تحقیق فارس حسون، چاپ اول، قم، انوار الهدی، ص ۲۸۶، ب ۱۴، ح ۶۱.

۲- نعیم بن حماد، مروزی، الفتن، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۹۵۹.

۳- خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، چاپ اول، بیروت، موسسه البلاغ، ۱۴۰۶ق، ص ۳۱-۳۲.

بلی، کشتاری وحشتناک و موتی سریع و طاعونی نفرت انگیز؛ و در آن زمان تنها یک سوم مردم باقی می ماند.

۱۰-۱-۱. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ ابْنِ الْحَسَنِ الْجُعْفِيِّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَوَهَيْبِ بْنِ حَفْصِ بْنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: ... لَا يَقُومُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا عَلَى خَوْفِ سَدِيدٍ [شَدِيدٍ] مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَلٍ وَفِتْنَةٍ وَبَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ وَطَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَسَيْفٍ قَاطِعٍ بَيْنَ الْعَرَبِ ... (۱).

امام باقر علیه السلام فرمودند:

قائم (عج) قیام نمی کند مگر در حال ترس سخت مردم و زلزله ها و گرفتاری و بلایی که مردم را فرا می گیرد و پیش از آن طاعون و شمشیری برنده در میان عرب.

۱۱-۱-۱. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُفَضَّلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ وَ سَعْدَانُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ سَعِيدِ وَ أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَطَوَانِيُّ قَالُوا جَمِيعًا: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبِ الزَّرَّادُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: يَشْمَلُ النَّاسَ مَوْتُ وَ قَتْلٌ حَتَّى يَلْجَأَ النَّاسُ عِنْدَ ذَلِكَ إِلَى الْحَرَمِ فَيَنَادِي مُنَادٍ صَادِقٌ مِنْ شِدَّةِ الْقِتَالِ فِيْمَ الْقَتْلِ وَ الْقِتَالِ؟ صَاحِبُكُمْ فَلَان. (۲).

عبدالله بن سنان گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۶۲، ب ۱۴، ح ۱۳.

۲- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۶۲، ب ۱۴، ح ۱۳.

مردم را مرگ و کشتاری فرا گیرد تا آن جا که مردم در آن حال به حرم پناه جویند، پس ندا کننده ای صادق از شدت کشتار آواز دهد: کشت و کشتار برای چیست؟ صاحب شما، فلانی است.

۱۲-۱-۱. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُفَضَّلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ قَيْسٍ وَ سَعْدَانُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ سَعِيدِ وَ أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَطَوَانِيُّ قَالُوا جَمِيعًا: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ زِيَادِ الْخَارِقِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى فَقَالَ: نَعَمْ وَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى يَخْتَلِفَ سَيِّفُ بَنِي فُلَانٍ وَ تَضِيقَ الْحَلْقَةَ وَ يَظْهَرَ السُّفْيَانِيُّ وَ يَشْتَدَّ الْبَلَاءُ وَ يَشْمَلَ النَّاسَ مَوْتُ وَ قَتْلٌ يَلْجَأُونَ فِيهِ إِلَى حَرَمِ اللَّهِ وَ حَرَمِ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. (۱)

ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ابو جعفر علیه السلام می فرمود: قائم آل محمد (عج) را دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی تر است. فرمود: آری و این کار نخواهد شد تا آنکه بنی فلان شمشیر به روی همدیگر بکشند و حلقه جنگ تنگ تر شود و سفیانی ظاهر شود و گرفتاری به شدت برسد، مردم را مرگی و کشتاری فرا گیرد که به حرم خدا و حرم رسولش صلی الله علیه و آله پناه برند.

۲-۱. روایات غیر صریح

دسته ای دیگر از احادیث بیانگر جنگ ها و کشتار گروه های مختلف از جمله سفیانی و... می باشد که می توان گفت این روایات به گونه ای کشتار زیاد پیش از

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۷۵، ب ۱۴، ح ۳۵.

ظهور (به طور غیر صریح) را نشان می دهد.

۱-۲-۱. حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ هِشَامِ الْمُعَيْطِيِّ، عَنْ أَبَانَ بْنِ الْوَلِيدِ بْنِ عُقْبَةَ بْنِ أَبِي مُعَيْطٍ، سَمِعَ ابْنَ عَبَّاسٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ: يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ فَيَقَاتِلُ حَتَّى يَبْقُرَ بَطُونَ النِّسَاءِ، وَيَعْلَى الْأَطْفَالَ فِي الْمَرَاجِلِ. (۱)

ابن عباس گوید: سفیانی قیام می کند و چنان می جنگد تا آن جا که شکم زنان را می درد و کودکان را در دیگ ها می جوشاند.

۱-۲-۲. حَدَّثَنَا الْحَكَمُ بْنُ نَافِعٍ، عَنْ جَرَّاحٍ، عَنْ أَرْطَاةَ، قَالَ: يَدْخُلُ السُّفْيَانِيُّ الْكُوفَةَ فَيَسْبِيهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، وَيَقْتُلُ مِنْ أَهْلِهَا سِتِّينَ أَلْفًا. (۲)

ارطاه گوید: سفیانی داخل کوفه می شود و سه روز آن جا را به بند می کشد و شش هزار نفر از اهالی آن جا را می کشد.

۱-۲-۳. حَدَّثَنَا الْحَكَمُ بْنُ نَافِعٍ، عَنْ جَرَّاحٍ، عَنْ أَرْطَاةَ، قَالَ: يَقْتُلُ السُّفْيَانِيُّ كُلَّ مَنْ عَصَاهُ، وَيَنْشُرُهُمْ بِالْمَنَاشِيرِ وَيَطْبَحُهُمْ بِالْقُدُورِ سِتَّةَ أَشْهُرٍ. (۳)

نیز ارطاه گوید: سفیانی هر کس را که با او به مخالفت پردازد می کشد و آن ها را ااره کرده و در دیگ هایی می جوشاند به مدت شش ماه.

۱-۲-۴. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ التَّيْهَرِيُّ، عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ مَسْلَمَةَ، سَمِعَ ابا قَبِيلٍ، يَقُولُ: يَبْعَثُ السُّفْيَانِيُّ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَأْمُرُ بِقَتْلِ كُلِّ مَنْ كَانَ فِيهَا مِنْ بَنِي هَاشِمٍ حَتَّى الْحَبَالِيِّ. (۴)

۱- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۸۸۹.

۲- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۰۸، ح ۸۹۳.

۳- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۹۴، ح ۲۲۳.

۴- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۲۶، ح ۹۳۱.

روایت است که ابوقبیل گفته: سفیانی سپاهی را به سوی مدینه روانه می کند و به آنها دستور می دهد که هر کس در مدینه است را بکشند، حتی زنان باردار را.

۲. روایات مربوط به کشتار و خونریزی پس از ظهور

همانطور که پیش از این یاد آور شدیم، دسته ای از روایات جنگ و کشتار نیز مربوط به دوران پس از ظهور و حکومت حضرت مهدی (عج) و به اصطلاح دوران رجعت مربوط است و به دوران ظهور و حکومت امام زمان (عج) ارتباطی ندارد که عبارتند از:

۱-۲. عَنْ زُفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكْرَهُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابُهُ وَ يَزِيدُ بْنُ مَعَاوِيَةَ وَأَصْحَابُهُ فَيَقْتُلُهُمْ حَذْوُ الْقُدِّهِ بِالْقُدِّهِ (۱).

امام صادق علیه السلام فرموده اند: همانا اولین کسی که به دنیا رجعت می کند، امام حسین علیه السلام به همراه یارانشان و یزید بن معاویه نیز به همراه یارانش می باشند، سپس امام علیه السلام آنها را موبه مو می کشد.

۲-۲. وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَجُوبٍ حَدَّثَنَا ابْنُ فَضَيْلٍ حَدَّثَنَا سَعْدُ الْجَلَابُ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَصْحَابِهِ: ... إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدْفَعُ إِلَيَّ سَيْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَيَبْعَثُنِي إِلَى الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ وَ لَا آتِي عَلَيَّ عَدُوٌّ إِلَّا أَهْرَقْتُ دَمَهُ... (۲).

۱- عیاشی سلمی سمرقندی، محمد بن مسعود بن عیاش، تفسیر عیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، بی تا، تهران، المكتبة العلمیه الاسلامیه، ج ۲، ص ۲۸۲، ح ۲۳.

۲- راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، تصحیح موسسه امام مهدی، چاپ اول، قم، موسسه امام مهدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۸۴۸، ح ۶۳.

امام صادق علیه السلام فرمود که امام حسین علیه السلام به اصحابش فرمودند: همانا امیرالمومنین علیه السلام شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به من می سپرد و مرا به شرق و غرب می فرستد. و من به دشمنی بر نمی خورم تا اینکه خون او را می ریزم.

۲-۳. قَالَ جَابِرٌ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رَبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ قَالَ: هُوَ أَنَا إِذَا خَرَجْتُ أَنَا وَشِيعَتِي، وَ... وَنَقُتْلُ بَنِي أُمَّيَّةَ، فَعِنْدَهَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ. (۱)

امام علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: همانا مراد من هستم هنگامی که من و شیعیانم قیام کنیم ... و بنی امیه را می کشیم، آن هنگام کسانی که کفر ورزیده اند، آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند.

نکته

چنانکه آمد، برخی روایات جنگ و کشتار مربوط به زمان پیش و پس از دوران ظهور و حکومت حضرت مهدی (عج) است که برخی به اشتباه این کشتارها را نیز به حضرت نسبت داده، چهره ای خشن تر از ایشان نشان می دهند اما بررسی این روایات نشان می دهد که نباید این کشتارها را به اشتباه به ایشان نسبت داد.

۳. روایات مربوط به کشتار و خونریزی هنگام ظهور

اشاره

در این بخش به بیان روایاتی می پردازیم که به دوران ظهور و حکومت حضرت بقیه الله علیه السلام اشاره دارد و در آنها چهره ای خشن و خونریز از حضرت به

۱- حلی، عزالدین حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، چاپ اول، نجف، الحیدریه، ۱۳۷۰ق، ص ۱۷.

نمایش گذاشته شده است. البته خواهیم دید که این روایات از نظر سندی مشکل جدی دارد و در اسناد آنها راویان دروغگو، غالی و ناشناخته وجود دارد که در ادامه به بررسی و نقد آنها خواهیم پرداخت.

۱-۳. روایات ابو بصیر

۱-۳-۱. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ (قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانِ الرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصِيرٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدِ الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا السَّيْفُ لَا يَسْتَتِيبُ أَحَدًا وَ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ. (۱)

ابو بصیر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: آن قائم (عج)، به امری نوین و کتابی تازه و قضایی جدید قیام خواهد نمود، بر عرب سخت گران است (یا سخت خواهد گرفت) او را کاری جز با شمشیر نیست، توبه هیچ کس را نمی پذیرد، و در کار خدا از ملامت هیچ شخص خرده گیری باک ندارد.

بررسی روایت

در سند روایت محمد بن علی کوفی وجود دارد که وی فردی بسیار بدنام و دروغگوست و علمای رجال بر بی اعتباری روایات وی حکم کرده اند. این شخص در زمان امام حسن عسکری علیه السلام می زیسته و از معاصران فضل بن شاذان بوده است. فضل بن شاذان از بزرگان روات شیعه و مورد توجه امام حسن عسکری علیه السلام می باشد؛ این مرد بزرگوار در وصف محمد بن علی کوفی می گوید:

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، صفحه ۲۳۸، ب ۱۳، ح ۱۹.

«رجل كذاب: او مردی بسیار دروغگوست. همچنین فضل در مورد وی گفته است: كِدْتُ أَقْنْتُ عَلَيْهِ: نزدیک بود در قنوت نماز لعن و نفرینش کنم.»^(۱)

۳-۱-۲. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ ابْنِ الْحَسَنِ الْجُعْفِيِّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَوَهَيْبِ بْنِ حَفْصِ بْنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: ... إِذَا خَرَجَ يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَكِتَابِ جَدِيدٍ وَ سُنَّةِ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءِ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ وَ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا الْقَتْلَ لَا يَسْتَبْقَى أَحَدًا وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ...؛^(۲)

هنگامی که آن حضرت خروج کند، با امری نوین و فرمانی جدید و طریقه ای نو و حکمی تازه قیام خواهد کرد، بر عرب سخت گران است، او را کاری جز کشتار نباشد، و هیچ یک را باقی نگذارد و در راه خدا سرزنش هیچ ملامت کننده ای او را تحت تأثیر قرار نمی دهد...

بررسی روایت

در سند روایت علی بن ابی حمزه بطائنی وجود دارد، این مرد یکی از سران و بزرگان واقفیه است.^(۳)

شیخ طوسی نیز به واقفی بودن وی اشاره می کند.^(۴) ابن غضائری نیز او را مورد

۱- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش، ص ۵۴۶.

۲- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۶۲، ب ۱۴، ح ۱۳.

۳- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، چاپ ششم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، ۱۳۶۵ش، ص ۲۵۰.

۴- محمد بن حسن، الفهرست، ۱ جلد، تصحیح جواد قیومی، قم، مؤسسه نشرالفقاهه، چاپ اول، ۱۴۱۷ق، ص ۲۸۳.

لعن قرار داده است. (۱) بنا بر این ویژگی ها، این راوی نمی تواند مورد اعتماد باشد. همچنین حسن بن علی بن ابی حمزه از دیگر راویان این روایت نیز فردی دروغگو و غالی (۲) است. (۳)

۳-۱-۳. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُمْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ ابْنِ الْحَسَنِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَوَهَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصْتَمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَرَبِ وَفَرِيشٍ إِلَّا السَّيْفُ مَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفُ وَ مَا يَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَاللَّهِ مَا لِبَاسِهِ إِلَّا الْعَلِيظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الشَّعِيرُ الْجَشِبُ وَ مَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ. (۴)

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: هنگامی که قائم (عج) قیام کند میان او و عرب و قریش جز شمشیر چیزی نخواهد بود، از آنان چیزی دریافت نخواهد کرد جز شمشیر و چرا شما به فرا رسیدن زمان خروج قائم شتاب می کنید، به خدا قسم لباس او جز جامه درشت و خوراکش جز نان جوین نامطبوع نخواهد بود، و جز شمشیر چیزی در کار نیست و مرگ در سایه

۱- واسطی بغدادی، احمد بن حسین، رجال ابن غضائری، جلد، تحقیق سید محمد رضا جلالی، چاپ اول، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ق، ص ۸۳.

۲- غالی: کسانی هستند که در مقام ائمه علیه السلام غلو نموده، ایشان را تا سر حد مقام الوهیت رسانده اند (ابوالفتح محمد بن عبدالکریم بن ابی بکر احمد شهرستانی، الملل و النحل، تحقیق محمد سید کیلانی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۱۷۳)

۳- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۴۴۳.

۴- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۳۹، ب ۱۳، ح ۲۱.

شمشیر است. (جز شمشیر و مرگ در سایه آن چیزی در کار نیست)

بررسی روایت

در سند این روایت نیز علی بن ابی حمزه وجود دارد که شرح حال وی گذشت. اما دیگر راوی ضعیف این سند حسن بن علی بن ابی حمزه است که وی شخصی بسیار ضعیف، دروغگو و غالی است (۱) و علامه حلی در خلاصه الاقول، وی را واقفی می داند. (۲)

۳-۱-۴. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) (۳) فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّى أَنْ لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرِهِ لَقَالَتْ: يَا مُؤْمِنُ! فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَكَسِرْنِي وَاقْتُلَهُ. (۴)

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر این قول خدای تعالی (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى

۱- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۴۴۳.

۲- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، تصحیح سید محمد صادق بحر العلوم، چاپ دوم، قم، مکتبه الرضی، ۱۳۸۱ق، ص ۲۱۳.

۳- توبه (۹)، ۳۳.

۴- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۰، ب ۵۸، ح ۱۶.

الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) فرمود: به خدا سوگند تأویل این آیه هنوز نازل نشده است و نازل نخواهد شد تا آنکه قائم (عج) خروج کند و چون خروج کرد کافران به خدای عظیم و مشرکان به امام را ناخوش آید و اگر کافر یا مشرکی در دل صخره ای باشد، آن صخره گوید: ای مؤمن! در دل من کافری است آن را بشکن و او را بکش.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز علی بن ابی حمزه وجود دارد که ویژگیهایش پیش از این بیان شد.

۳-۱-۵. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ فِي قَوْلِهِ (... أَمْهَلُهُمْ رُؤَيْدًا) (۱) لَوْ قَتِ بَعَثَ الْفَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَنْتَقِمُ لِي مِنَ الْجَبَّارِينَ وَالطَّوَاعِيَةِ - مِنْ قُرَيْشٍ وَ بَنِي أُمَيَّةَ وَ سَائِرِ النَّاسِ. (۲)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند که این (مهلت) برای زمان قیام قائم (عج) است؛ پس انتقام مرا از زورگویان و طاغوت قریش و بنی امیه و سائر مردم دیگر می گیرد.

بررسی روایت

در سند روایت علی بن ابی حمزه و حسن بن علی بن ابی حمزه وجود دارد که شرح حال هر دو پیش از این بیان شده.

۳-۱-۶. عَنْهُ (فَضْلُ بْنُ شَاذَانَ) عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ

۱- طارِق (۸۶)، ۱۷.

۲- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تصحیح سید طیب موسوی جزائری، قم، مکتبه العلامه، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۴۱۶.

عَلِيٌّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي حَدِيثٍ لَهُ اخْتَصَرَ زَنَاةً قَالَ: ... ثُمَّ يَتَوَجَّهُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَنْزِلُهَا وَتَكُونُ دَارُهُ وَ يُبْهَرُجُ سَبْعِينَ قَبِيلَةً مِنْ قَبَائِلِ الْعَرَبِ؛ (۱)

... سپس قائم (عج) به سوی کوفه می رود و در آن جا سکنی می گزیند و آن جا منزلش میشود و هفتاد قبیله از قبائل عرب را می کشد.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز علی بن ابی حمزه وجود دارد که پیش از این درباره او گفته شد. (۲)

۷-۱-۳. وَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ عُبيدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أبا جَعْفَرَ الْبَاقِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُنَّةٌ مِنْ أَرْبَعَةِ أَنْبِيَاءَ... قُلْتُ: وَمَا سُنَّةُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله؟ قَالَ: إِذَا قَامَ سَارَ بِسَيْرِهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِلَّا أَنَّهُ يُبَيِّنُ آثَارَ مُحَمَّدٍ وَ يَضَعُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ هَرْجًا هَرْجًا حَتَّى رَضِيَ اللَّهُ قُلْتُ: فَكَيْفَ يَعْلَمُ رِضَا اللَّهِ؟ قَالَ: يُلْقَى اللَّهُ فِي قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ. (۳)

ابو بصیر گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود: «در صاحب این امر روشها و شیوه هایی از چهار پیامبر است... پس عرض کردم: سنت محمد صلی الله علیه و آله کدام است؟ فرمود: چون قیام کند، همچون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتار خواهد کرد، جز اینکه او آثار رسول خدا صلی الله علیه و آله را

۱- طوسی، محمد بن حسن، غیبت طوسی، چاپ اول، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق، ص ۴۷۵.

۲- رک: ص ۱۷.

۳- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۱۶۸، ب ۱۰، ح ۵.

روشن می سازد و شمشیر برگردن خویش حمایل ساخته، هشت ماه به شدت کشت و کشتار می کند تا اینکه خدا راضی شود، پرسیدم: چگونه از رضایت خاطر خداوند آگاه می گردد؟ فرمود: خداوند به دل او رحمت می اندازد».

بررسی روایت

در سند روایت حسن بن علی بن ابی حمزه وجود دارد که پیش از این توصیف شد. این روایت افزون بر مشکل سندی از نظر متنی نیز مشکل دارد؛ زیرا مضمون آن با روایات درستی که سیره حضرت مهدی (عج) را همان سیره پیامبر صلی الله علیه و آله نشان می دهد و ایشان را همچون پیامبر صلی الله علیه و آله مظهر رحمت معرفی می کند، مخالف است.

۸-۱-۳. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا بْنُ شَيْبَانَ عَنْ يُونُسَ بْنِ كَلَيْبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... يُجَرِّدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ يَقْتُلُ هَرْجَاءً فَأَوَّلُ مَا يَبْدَأُ بِنِي شَيْبَةَ فَيَقْطَعُ أَيْدِيَهُمْ وَيُعَلِّقُهَا فِي الْكَعْبَةِ وَيُنَادِي مُنَادِيَهُ هَؤُلَاءِ سَرَّاقُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَنَاوَلُ قُرَيْشًا فَلَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفَ وَلَا يُعْطِيهَا إِلَّا السَّيْفَ. (۱)

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ... و هشت ماه شمشیر برهنه بر دوش دارد و بی باکانه می کشد، نخستین مرحله شروعش با بنی شیبیه است (پرده داران خانه کعبه) پس دستهای ایشان را می برد و آنها را در کعبه می آویزد و منادی آن حضرت اعلام می کند: اینان دزدان خداوند، سپس به قریش می پردازد، از ایشان جز شمشیر دریافت نمی کند و به ایشان جز شمشیر ارزانی نمی دارد.

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۳۱۹-۳۲۱، ب ۱۹، ح ۲۱.

(فقط شمشیر ردّ و بدل می کند)

بررسی روایت

در سند روایت یونس کلیب وجود دارد که وی فردی ناشناخته است، همچنین حسن بن علی و پدرش دو تن از روات بسیار ضعیف و واقفی مذهب هستند که ویژگی هایشان بیان شد.

۲-۳. روایات ابوهریره

تعداد دیگری از این روایات ضعیف از فردی به نام ابوهریره نقل شده است. یکی از مسائلی که بسیاری از علمای رجال اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند، این است که ابوهریره مدلس (۱) بود و سخنی که از دیگران می شنید را به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت می داد. ذهبی از بزرگترین رجالیون اهل سنت در شرح حال ابوهریره می نویسد:

قال يزيد بن هارون: «سمعتُ شُعْبَةَ يَقُولُ: كَانَ أَبُوهُرَيْرَةَ يَدْلِسُ (۲)». ابوهریره تدلیس می کرد.

همچنین ابن ابی الحدید به نقل از استادش ابوجعفر اسکافی می نویسد: «عَنْ عَلِيٍّ أَنَّهُ قَالَ: أَلَا- إِنَّ أَكْذَبَ النَّاسِ - أَوْ قَالَ: أَكْذَبَ الْأَحْيَاءِ- عَلِيٌّ رَسُولُ اللَّهِ أَبُوهُرَيْرَةُ الدَّوْسِيُّ». از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده است که فرمود: آگاه باشید

۱- تدلیس: عملی که راوی خواسته است با دست بردن در حدیث عیبی که در سند حدیث است را مخفی کند (محمدرضا، جدیدی نژاد، معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ۱ جلد، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۲ق، ص ۳۸).

۲- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، چاپ سوم، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۰۸.

که دروغگوترین مردم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله ابو هریره می باشد. (۱)

اکنون به ذکر روایاتی که از این شخص نقل شده، می پردازیم:

۱-۲-۳. حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي النَّضْرِ، حَدَّثَنَا أَبُو النَّضْرِ قَالَ: حَدَّثَنِي الْمَرْجِيُّ بْنُ رَجَاءِ الْيَشْكُرِيُّ، حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ هِلَالٍ، عَنْ بَشِيرِ بْنِ نَهْيِكَ قَالَ: سَمِعْتُ أبا هُرَيْرَةَ، يَقُولُ: حَدَّثَنِي خَلِيلِي أبا الْقَاسِمِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَخْرُجَ عَلَيْهِمْ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَيَضْرِبُهُمْ حَتَّى يَرْجِعُوا إِلَى الْحَقِّ». قَالَ: قُلْتُ: وَكَمْ يَكُونُ؟ قَالَ: «خَمْسٌ، وَاثْنَانِ». قَالَ: قُلْتُ: مَا خَمْسٌ وَاثْنَانِ؟ قَالَ: لَا أَذْرِي. (۲)

ابوهریره می گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قیامت برپا نمی شود تا اینکه مردی از اهلیت من به سوی آنها قیام می کند، سپس آن قدر آنها را می زند تا اینکه به سوی حق بازگردند. می گوید که گفتم: که چه قدر می باشد؟ فرمود: پنج و دو. گفتم: پنج و دو چیست؟ فرمود: نمی دانم.

۲-۲-۳. عُنْدَرٌ، عَنْ شُعْبَةَ، عَنْ سَمَاكِ، عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: وَبِئْسَ لِلْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدِمِ اقْتَرَبَ: إِمَارَةُ الصَّبِيَانِ ؛ إِنْ أَطَاعُوهُمْ أَذْخَلُوهُمْ النَّارَ ، وَإِنْ عَصَوْهُمْ ضَرَبُوا أَعْنَاقَهُمْ؛ (۳)

وای بر حال عرب از بدی و شری که نزدیک شده است: زمامداری کودکان؛ اگر آنها را اطاعت کنند، ایشان آنها را به

۱- عبدالحمید بن هبهالله، ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۶۸.

۲- تمیمی، ابی یعلی موصل احمد بن علی، مسند ابی یعلی، تحقیق حسین سلیم اسد، چاپ اول، دمشق، دارالمأمون للتراث، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۱۹، ح ۶۶۶۵.

۳- ابو بکر عبدالله بن محمد، ابن ابی شیبہ، المصنف فی الأحادیث والآثار، تحقیق کمال یوسف الحوت، چاپ اول، الرياض، مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۴۶۱، ح ۳۷۲۳۶.

آتش وارد می کنند و اگر عصیان و نافرمانی کنند، گردن آنها را می زنند.

۳-۲-۳. حَدَّثَنَا ابْنُ نُمَيْرٍ عَنْ حَنْظَلَةَ قَالَ: سَمِعْتُ سَالِمًا قَالَ سَمِعْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يُقْبَضُ الْعِلْمُ وَيَظْهَرُ الْفِتْنُ وَيَكْثُرُ الْهَرْجُ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَا الْهَرْجُ؟ قَالَ: الْقَتْلُ. (۱)

ابوهریره می گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: وای بر حال عرب از بدی و شری که نزدیک شده است، علم کم میشود و هرج زیاد می شود. گفتم: ای رسول خدا هرج چیست؟ فرمود: همان قتل و کشتار است.

۳-۲-۴. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمَّا تَقَوْمُ السَّاعَةِ حَتَّى يُقَاتِلَ الْمُسْلِمُونَ الْيَهُودَ فَيَقْتُلُهُمُ الْمُسْلِمُونَ حَتَّى يَخْتَبِئَ الْيَهُودِيُّ وَرَاءَ الْحَجَرِ أَوْ الشَّجَرِ فَيَقُولُ الْحَجَرُ أَوْ الشَّجَرُ: يَا مُسْلِمُ! يَا عَبْدَ اللَّهِ! هَذَا يَهُودِيٌّ خَلَفِي فَتَعَالَ فَاقْتُلْهُ إِلَّا الْغَرْقَدَ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرِ الْيَهُودِ؛ (۲)

قیامت برپا نمی شود تا اینکه مسلمانان با یهودیان به جنگ پردازند، سپس مسلمانان به کشتار آنها می پردازند به طوریکه یهودیان پشت سنگ یا درخت پنهان می شوند، سپس آن سنگ یا درخت می گوید: ای مسلمان ای بنده خدا، همانا این یهودی است که پشت من پنهان است؛ پس بیا و او را بکش به جز غرقد (۳)، زیرا که آن درخت از یهودیان است.

۱- شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، بیروت، دارالفکر، بیتا، ج ۳، ص ۵۳۶.

۲- شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، بیروت، دارالفکر، بیتا، ج ۲، ص ۴۱۷.

۳- غرقد: درخت بزرگی است که از خانواده بوته های خاردار است. (محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، تحقیق جمال الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۳۵).

۵-۲-۳. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الصَّبَّاحِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ يَعْنِي ابْنَ زَكَرِيَّا عَنْ سُهَيْلٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمَّا تَقَوْمُ السَّاعَةَ حَتَّى تَعُودَ أَرْضَ الْعَرَبِ مُرُوجًا وَأَنْهَارًا وَحَتَّى يَسِيرَ الرَّكْبُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَمَكَّةَ لَمَّا يَخَافُ إِلَّا ضَلَالَ الطَّرِيقِ وَحَتَّى يَكْثُرَ الْهَرْجُ. قَالُوا: وَمَا الْهَرْجُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْقَتْلُ. (۱)

ابوهریره گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قیامت برپا نمی شود تا اینکه زمین عرب به مرغزارها و رودها تبدیل شود و تا اینکه سواره ای بین عراق و مکه سیر نمیکند و از چیزی نمیترسد مگر از گم شدن در راه و تا اینکه هرج زیاد شود. گفتند: ای رسول خدا هرج چیست؟ فرمود که قتل است.

یک اشکال و پاسخ:

ممکن است اشکال شود که با توجه به وجود کلمه «الساعة» در روایات پیشین، این روایات به قیامت مربوط است و به دوران ظهور امام ربطی ندارد؛ اما در پاسخ می گوئیم که در متن روایت آمده است که این قتل و کشتار پیش از برپایی قیامت است و مسلماً دوران ظهور حضرت نیز از مصداق های آشکار پیش از قیامت می باشد. همچنین عنوان این روایات در کتاب های حدیثی (بلاد العرب فی عصر ظهور الامام مهدی (عج)) آمده است.

۳-۳. روایات مفضل بن عمر

مفضل بن عمر کسی است که هم مدح او را گفته اند و هم مورد طعن و سرزنش قرار گرفته؛ شیخ مفید درباره وی می گوید: او از شیوخ اصحاب امام صادق علیه السلام و از ثقات فقهای صالح می باشد ولی نجاشی درباره او می گوید: او

۱- شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۲، ص ۳۷۰.

فردی فاسد المذهب و مضطرب الروایه است؛(۱) اما بنا بر قاعده مورد قبول رجال در تعارض بین مدح و ذم، ذم مقدم می باشد.(۲) بنابراین وی فردی غیر قابل قبول است.

۱-۳-۳. وَ بِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا عَلَامَةُ الْقَائِمِ؟ قَالَ: إِذَا اسْتَدَارَ الْفَلَكَ فَقِيلَ: مَاتَ أَوْ هَلَكَ؟ فِي أَيِّ وَادٍ سَمَلِكْ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، ثُمَّ يَكُونُ مَاذَا؟ قَالَ: لَا يَظْهَرُ إِلَّا بِالسَّيْفِ....(۳)

مفضل بن عمر گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: نشانه قائم (عج) چیست؟ فرمود: آنگاه روزگار گردش کند و گویند: او مرده یا هلاک شده؟ در کدامین سرزمین می گردد (به سر می برد)؟ عرض کردم: فدایت شوم سپس چه خواهد شد؟ فرمود: ظهور نمی کند مگر با شمشیر».

بررسی روایت

در سند این روایت افزون بر مفضل بن عمر، محمد بن علی کوفی وجود دارد که وی نیز شخصی ضعیف است و شرح حالش پیش از این بیان شده است.

۲-۳-۳. أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ رَبَاحٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ عَيْسَى قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْبُطَائِنِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ: سَمِعْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَيْتًا يُقَالُ لَهُ بَيْتُ الْحَمْدِ

۱- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۴۱۶.

۲- رک: کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص ۱۱۷-۱۱۸.

۳- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۱۵۹، ب ۱۰، ح ۱۹.

فِيهِ سِرَاحٌ يَزْهَرُ مُنْذُ يَوْمٍ وُلِدَ إِلَى يَوْمٍ يَقُومُ بِالسَّيْفِ لَا يُطْفَأُ. (۱)

مفصل گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید: «همانا صاحب این امر را خانه ای است که بدان «خانه حمد» گویند، در آن جا چراغی است که روشنی می بخشد و از آن هنگام که (صاحب امر) زاده شده تا روزی که با شمشیر قیام کند، خاموش نخواهد شد».

بررسی روایت

در سند روایت افزون بر مفصل، راویان ضعیف دیگری همچون ابن ابی حمزه و حسن بن علی بن ابی حمزه هستند که درباره آنها پیش از این سخن به میان آمد.

۳-۳-۳. حمدویه قال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَمِعْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَوْ قَامَ قَائِمُنَا بَدَأَ بِكَذَابِي الشَّيْعَةَ فَقَتَلَهُمْ؛ (۲)

چنانچه قائم (عج) قیام کند، ابتدا به دروغگویان شیعه می پردازد و آنها را به قتل می رساند.

نکته

آنچه با عقل به نظر می رسد این است که کشتن هر دروغگویی درست به نظر نمی رسد و با سیره حضرت سازگاری ندارد، زیرا امام مظهر رحمت است؛ بنابراین ابتدا روشنگری کرده، سپس وارد جنگ می شود و ناهلان را از بین می برد.

۳-۳-۴. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ، عَنِ حَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ، عَنْ حَفْصِ بْنِ عُمرِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُسَيْنِ بْنِ عَجَلَانَ، عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۴۵، ب ۱۳، ح ۳۱.

۲- محمد بن حسن، طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۲۹۹، ش ۵۳۳.

وَلَنْذِيْقَهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْاَكْبَرِ(۱) قَالَ: «الْاَدْنَى غِلَاءُ السَّعْرِ، وَالْاَكْبَرُ الْمَهْدِيُّ بِالسَّيْفِ».(۲)

امام صادق عليه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: عذاب ناچیزتر گرانی و بالارفتن قیمت هاست و اما عذاب بزرگتر (قیام) مهدی(عج) با شمشیر.

۴-۳. روایات ابوجارود

دیگر راوی ضعیفی که در اسناد این روایات ضعیف وجود دارد، فردی به نام ابوجارود است، که مذهب زیدیه دارد.(۳) امام باقر علیه السلام به این فرد نسبت سرحوب را داده است. سرحوب نام شیطانی کور است که در دریا زندگی می کند.(۴)

۱-۴-۳. وَبِهِذَا الْاِسْمِ اِدْعَى ابْنُ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ ابْنُ حُمْرَانَ الْمِدَائِنِيُّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ اَسْبَاطٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: فَيَضَعُ السَّيْفَ فِيهِمْ عَلَى ظَهْرِ النَّجْفِ عَشِيَّةَ الْاِثْنَيْنِ مِنَ الْعَصْرِ اِلَى الْعِشَاءِ، فَيَقْتُلُهُمْ اَسْرِعَ مِنْ جَزْرِ جُزُورٍ، فَلَا يَنْفُتُ مِنْهُمْ رَجُلٌ، وَ لَا يُصَابُ مِنْ اَصْحَابِهِ اَحَدٌ، دِمَاؤُهُمْ قُرْبَانٌ اِلَى اللّٰهِ. ثُمَّ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ فَيَقْتُلُ مُقَاتِلِيهَا حَتَّى يَرْضَى اللّٰهُ (عَزَّ وَ جَلَّ)... وَيَفْتَحُ اللّٰهُ عَلَيْهِ سُرْقَ الْمَارِضِ وَ غَرْبَهَا، يُقْتَلُ النَّاسُ حَتَّى لَا يُرَى اِلَّا دَيْنُ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ). (۵)

۱- سجده (۳۲)، ۲۱.

۲- ابن جحام، محمد بن عباس بزاز، تاویل ما نزل من القرآن الکریم فی النبی وآله، تحقیق فارس تبریزیان، چاپ اول، قم، الهادی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۴۲، ح ۲۲۵.

۳- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۰۴.

۴- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۲۲۹.

۵- طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، چاپ سوم، قم، مکتبه الرضی، ۱۳۶۳ش، ص ۲۴۱، ح ۴۳۵.

ابو جارود به نقل از امام صادق علیه السلام می گوید: سپس شمشیر را بر روی آنها می کشد تا پشت کوفه از عصرگاه دوشنبه تا شامگاه، سپس آنها را سریع تر از ذبح کردن حیوان قربانی می کشد، سپس هیچ یک از مردان ایشان طوری نمی شود، همانا خونهای آنها قربانی برای خداست. سپس به کوفه داخل می شود و آن قدر از سپاه آن جا را می کشد تا خدا راضی شود... و خداوند شرق و غرب زمین را برای او می گشاید و آن قدر از مردم می کشد که جز دین محمد باقی نمی ماند.

بررسی روایت

در سند روایت افزون بر ابوجارود، علی بن اسباط کوفی نیز وجود دارد که وی در آغاز فردی فطحنی بوده است. (۱) اما در اینکه آیا او از مذهب فطحنی به سوی حق بازگشته یا خیر اختلاف است.

۲-۴-۳. (مرسلاً) وَ رَوَى أَبُو الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ أَنَّهُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَخْرُجُ مِنْهَا بِضَعَةِ عَشْرٍ أَلْفِ نَفْسٍ يُدْعَوْنَ الْبُتْرِيَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَاحُ فَيَقُولُونَ لَهُ ارْجِعْ مِنْ حَيْثُ جِئْتَ فَلَا حَاجَةَ لَنَا فِي بَنِي فَاطِمَةَ فَيَضَعُ فِيهِمُ السَّيْفَ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى آخِرِهِمْ ثُمَّ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ فَيَقْتُلُ بِهَا كُلَّ مُنَافِقٍ مُرْتَابٍ وَيَهْدِمُ قُصُورَهَا وَيَقْتُلُ مُقَاتِلَتَهَا حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَ عَلَا. (۲)

ابو الجارود از امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی روایت کند که فرمود: چون قائم (عج) قیام کند بسوی کوفه رهسپار شود، پس

۱- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۶۲.

۲- محمد بن نعمان، مفید، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ص ۳۶۴.

متجاوز از ده هزار نفر از آن جا بیرون آیند که آنها را بتریه (۱) گویند و همگی سلاح جنگ بر تن دارند، و گویند: از همان جا که آمده ای بازگرد که ما نیازی به اولاد فاطمه نداریم، آن جناب شمشیر در ایشان نهد تا همه آنان را نابود سازد، سپس داخل کوفه شود و هر منافق دو دلی را بکشد، و قصرهای آن جا را ویران کند و جنگجویانش را بکشد تا خدای عزوجل خوشنود گردد.

بررسی روایت

علاوه بر وجود ابوجارود در سند، این روایت مرسل نیز می باشد.

۳-۴-۳. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ جُمُهَورٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهَورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْوَلِيدِ الْهَمْدَانِيِّ عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنِي ابْنِ خَيْرِهِ الْأَمِيَاءِ يَعْزِي الْقَائِمَ مِنْ وَلَدِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسُومُهُمْ حَسِيفاً وَ يَشْدِقِيهِمْ بِكَأْسٍ مُصَبَّرٍ هُوَ لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ هَرْجاً فَعِنْدَ ذَلِكَ تَتَمَنَّى فَجْرَهُ قُرَيْشٍ لَوْ أَنَّ لَهَا مُفَادَاةً مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا لِيُغْفَرَ لَهَا لَا نَكُفُّ عَنْهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ. (۲)

حارث بن عبد الله اعور همدانی گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «پدرم فدای فرزند برگزیده کنیزان - یعنی قائم فرزندان (عج) - که آنان را خوار می سازد و جام شرنگک به ایشان می نوشاند و به آنان جز شمشیر خونریز مرگ آفرین نخواهد داد، پس در این هنگام زشتکاران قریش آرزو می کنند که ای کاش دنیا و هر آنچه در آن است، از آن ایشان بود و آن را فدا می دادند تا گناهانشان

۱- بتریه: یک دسته از زیدییه هستند که به کثیرالنواء منسوبند و او معروف به اَبتر بوده است (ابوالفتح محمد بن عبدالکریم بن ابی بکر احمد شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۶۱).

۲- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۳۴-۲۳۵، ب ۱۳، ح ۱۱.

بخشوده شود ولی دست از ایشان برنخواهیم داشت تا آنکه خداوند راضی شود».

بررسی روایت

این روایت مهمل (۱) نیز می باشد، زیرا یکی از روات سند به نام قاسم بن ولید همدانی نه اسمش در کتب رجالی موجود است و نه ویژگی های وی، همچنین محمد بن حسن بن جمهور که بنابر نظر آیت الله خویی همان محمد بن جمهور است (۲)، شخصی فاسدالمذهب و ضعیف است. (۳)

۵-۳. روایات مرفوعه، مرسل و غیر مسند

دسته دیگری از این روایات ضعیف از احادیث مرفوع (۴)، مرسل (۵) و غیر مسند است که در اصطلاح برخی از این دسته احادیث، روایاتی هستند که از وسط یا آخر سلسله سند آن یک یا چند نفر از راویان افتاده باشند، ولی راوی تصریح به رفع نماید و برخی دیگر روایاتی هستند که در سند آنها الفاظ مبهمی چون عن رجل و ... به کار رفته است که اینها باعث ضعف این روایات گردیده و آنها را غیر قابل اعتماد می کند. اکنون به بیان و بررسی این روایات می پردازیم:

۱- مهمل: حدیثی است که در سلسله سند آن، نام برخی از راویان در کتب رجالی ذکر نشده باشند (کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص ۸۸).

۲- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، چاپ سوم، قم، مدینه العلم، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۵، ص ۱۷۸

۳- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۳۷.

۴- مرفوع: حدیثی که از وسط یا آخر سلسله سند آن یک یا چند نفر از راویان افتاده باشند لکن راوی تصریح به رفع نماید. (کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص ۵۸).

۵- مرسل: روایتی که در سند آن افتادگی بیش از یک نفر رخ داده باشد (کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص ۸۰).

۱-۵-۳. عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... فَيَكْذِبُ الْمُسْلِمُونَ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ، فَتَكُونُ كَالرَّمْلَةِ عَلَى نَشْرِهَا فَيَدْخُلُونَهَا، فَيَقْتُلُونَ بِهَا خَمْسَ مِائَةِ أَلْفِ مُقَاتِلٍ، وَيَقْتَسِمُونَ الْأَمْوَالَ، حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ فِي الْفَيْءِ شَيْئًا وَاحِدًا، لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ مِائَةُ أَلْفِ دِينَارٍ، وَمِائَةُ رَأْسٍ، مَا بَيْنَ جَارِيَةٍ وَغَلَامٍ؛ (۱)

... پس مسلمانان، سه تکبیر می گویند و مانند ریگ و شن های روانی که از بلندی ها فرو می ریزند، داخل [روم] می شوند و در آن جا، پانصد هزار جنگجو را می کشند و غنائم و اموال را به طور مساوی تقسیم می کنند، و به هر یک از آنان، صد هزار دینار و صد کنیز و یا غلام می رسد.

بررسی روایت

این روایت مرسل است. افزون بر مشکل سندی از نظر محتوا و مضمون نیز قابل اعتماد نیست. آشکار است که جاعلان اینگونه احادیث در خدمت حکومت های جائر بوده اند و برای توجیه پاره ای جنگ های پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قتل عام ها و کشتار های زیادی که انجام شد، این چنین مجعولاتی را به کتاب های روایی وارد کرده اند.

۲-۵-۳. وَ فِي حَدِيثِ مُقَاتِلٍ عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... يَا وَلَدِي، يَا عَلِيُّ! وَاللَّهِ لَا يَسْكُنُ دَمِي حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ الْمَهْدِيَّ فَيَقْتُلَ عَلِيَّ دَمِي مِنَ الْمُنَافِقِينَ الْكَفَرَةَ الْفَسَقَةَ سَبْعِينَ أَلْفًا. (۲)

۱- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو، چاپ اول، قم، مسجد مقدس جمکران - نصابیح، ۱۴۱۶ق، ص ۱۸۹-۱۹۱ ب ۹، ف ۱.

۲- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، چاپ اول، قم، علامه، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۸۵.

امام حسین علیه السلام به امام سجاد علیه السلام فرمودند: ای فرزندم ای علی جان! به خدا سوگند همانا خون من آرام نمی گیرد (همواره می جوشد) تا اینکه خدا مهدی (عج) را برانگیزد و به انتقام خون من هفت هزار نفر از منافقان کافر فاسق را بکشد.

بررسی روایت

این روایت نیز مرسل بوده و قابل اعتماد نیست.

۳-۵-۳. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ: لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا بَدَأَ بِالَّذِينَ يَنْتَحِلُونَ حُبَّنَا، فَيَضْرِبُ أَعْنَاقَهُمْ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر قائم علیه السلام قیام کند، ابتدا از کسانی شروع می کند که به دروغ ادعای محبت ما را دارند، پس گردن آنها را می زند.

بررسی روایت

این روایت نیز مرسل بوده و قابل اعتماد نیست.

۳-۵-۴. مَا رَوَيْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَى جَدِّي أَبِي جَعْفَرِ الطُّوسِيِّ عَنْ جَمَاعَةٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعُكَبَرِيِّ عَنِ ابْنِ هَمَّامٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ رِيَّاحٍ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ أَبَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَعْرُوفِ بِالسُّنْدِيِّ نَقَلْنَاهُ مِنْ أَصْلِهِ قَالَ... قَالَ (أَبَا عَبْدِ اللَّهِ): ... كَأَنِّي وَاللَّهِ صُفْرُ الْقَدَمَيْنِ خَمْسُ السَّاقَيْنِ ضَخْمُ الْبَطْنِ رَقِيقُ الْعُنُقِ ضَخْمُ الرَّأْسِ عَلَى هَذَا الرُّكْنِ وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ يَمْنَعُ النَّاسَ مِنَ الطَّوَافِ حَتَّى يَتَدَعَّرُوا مِنْهُ قَالَ ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ لَهُ رَجُلًا مِنِّي وَ أَشَارَ

۱- ازدی نیشابوری، ابو محمد فضل بن شاذان، الايضاح، چاپ اول، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۰۲ق، ص ۲۰۸-۲۰۹.

بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ فَيَقْتُلُهُ قَتْلَ عَادٍ وَ ثَمُودَ وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: پس خداوند مردی را از خاندان من بر می انگیزد (و با دستانش به سینه اش اشاره کرد) پس او را همچون کشتن قوم عاد و ثمود و فرعون دارنده میخ ها می کشد.

بررسی روایت

در سند این روایت لفظ مبهم «جماعه» وجود دارد که باعث ارسال و ضعف آن گردیده است، افزون بر آن احمد بن رباح در کتب رجال توصیف و توثیق نشده است؛ بنابراین این حدیث مجهول نیز می باشد.

۵-۳-۵. وَ بِهِ (حَدَّثَنَا أَبُو سُلَيْمَانَ أَحْمَدُ بْنُ هُوَذَةَ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ النَّهَائِنْدِيُّ) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ نَزَلَتْ سَيْفُ الْقِتَالِ عَلَى كُلِّ سَيْفٍ اسْمُ الرَّجُلِ وَ اسْمُ أَبِيهِ؛ (۲)

هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام می کند، شمشیرهای جنگی فرود می آید که بر هر شمشیر نام مردی معین و نام پدرش نوشته شده است.

بررسی روایت

این روایت افزون بر وجود علی بن ابی حمزه که ویژگی آن پیش از این آمده است، مرسل نیز می باشد؛ زیرا علی بن ابی حمزه بدون واسطه و به صورت مستقیم از امام صادق علیه السلام نقل روایت می کند در صورتیکه باید بین وی و امام صادق علیه السلام واسطه وجود داشته باشد.

۱- ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، تعلیق شیخ حسین اعلمی، چاپ اول، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۸۲.

۲- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۵۱-۲۵۲، ب ۱۳، ح ۴۵.

۳-۵-۶. ابو القاسم الشعرائی یَرْفَعُهُ عَنْ يُوسُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَتَى رَحْبَةَ الْكُوفَةِ فَقَالَ بِرَجْلِهِ هَكَذَا وَ أَوْ مَا يَبْدِيهِ إِلَى مَوْضِعٍ ثُمَّ قَالَ: اخْفِرُوا هَاهُنَا فَيَخْفِرُونَ فَيَسِيءُ تَخْرُجُونَ اثْنِي عَشَرَ أَلْفَ دِرْعٍ وَ اثْنِي عَشَرَ أَلْفَ سَيْفٍ وَ اثْنِي عَشَرَ أَلْفَ بَيْضَةٍ لِكُلِّ بَيْضَةٍ وَجْهَيْنِ ثُمَّ يَدْعُو اثْنِي عَشَرَ أَلْفَ رَجُلٍ مِنَ الْمَوَالِي مِنَ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ فَيُلْبِسُهُمْ ذَلِكَ ثُمَّ يَقُولُ مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ مِثْلُ مَا عَلَيْنَا فَاقْتُلُوهُ. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید: قائم (عج) هنگام قیام به محلی در کوفه به نام «رحبه» وارد می شود، با پا و دست خود به مکانی اشاره می کند و دستور می دهد آن جا را حفر نمایند. سپس از آن محل دوازده هزار زره و دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار کلاهخود که هر کلاهخودی دو رو دارد، بیرون می آورند، سپس دوازده هزار نفر از دوستان خود از عرب و عجم را فراخوانده و آن سلاحها را برای پوشیدن و حمل کردن به آنان تحویل می دهد؛ سپس می گوید: هر کس چنین پوششی نداشته باشد را، بکشید.

بررسی روایت

افزون بر اضطراب موجود در متن روایت و نامفهوم بودن آن، سند آن نیز از چند جهت ضعیف است؛ یکی اینکه ابوالقاسم شعرائی فردی ناشناخته است و نامی از وی در کتابهای رجالی نیامده است و دیگری یونس بن ظبیان است که فردی ضعیف، غالی (۲) و شخصی است که نجاشی در مورد وی گفته است: کل

۱- مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا، ص ۳۳۴.

۲- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۳۶۳.

آنچه که وی نوشته مختلط (۱) است. (۲) علاوه بر اینها ابوالقاسم شعرانی نیز بدون ذکر طریق، این روایت را از ابن ظبیان نقل کرده است و به اصطلاح حدیث مرفوعه یا منقطع می باشد.

۷-۵-۳. وَمِنْهَا (عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ): ... بِأَبِي ابْنِ خَيْرِهِ الْإِمَاءِ لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ هَرَجًا هَرَجًا مَوْضِعًا عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ حَتَّى تَقُولَ قَرِيْشُ: لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ لَرَحِمْنَا. (۳)

امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: پدرم به فدای فرزند برگزیده از کنیزان، به آنها جز شمشیر خونریز و با شدت نمی دهد، درحالی که شمشیرش را هشت ماه بر دوش می کشد تا اینکه قریش می گوید: اگر این شخص از فرزندان فاطمه بود قطعا بر ما رحم می کرد.

بررسی روایت

این روایت مرسل و غیر معتمد است.

۸-۵-۳. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ السَّعْدِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُوسَى الْخَشَّابُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ فُلَانِ الْكُرْحِيِّ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... قَالَ (أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ): وَكَذَلِكَ قَائِمًا أَهْلَ الْبَيْتِ لَمْ يَظْهَرُ أَبَدًا حَتَّى تَخْرُجَ وَدَائِعُ اللَّهِ؛ فَإِذَا خَرَجَتْ يَظْهَرُ عَلَى مَنْ يَظْهَرُ فَيَقْتُلُهُ. (۴)

امام صادق علیه السلام فرمودند: و همچنین است قائم ما اهل بیت، ظهور

۱- تخیل: آمیختن یک حدیث با حدیث دیگر. (محمد رضا، جدیدی نژاد، معجم مصطلحات الرجال و الدراییه، ص ۱۵۱).

۲- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۴۴۸.

۳- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۵۸.

۴- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۱۶.

نمی‌کند مگر اینکه امانت‌های الهی هویدا شوند؛ چنانچه این امانات آشکار شوند قائم (عج) ظهور کرده و بر هر کس که پیروز شود او را می‌کشد.

بررسی روایت

در سند این روایت چندین لفظ و عبارت مبهم وجود دارد که عبارتند از: «عن بعض اصحابه»، «فلان الکرخی»، «رجل»، که این عبارت‌های مبهم باعث ارسال سند و ضعف آن گشته است.

۹-۵-۳. جَاءَ مَرْفُوعًا عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... وَإِنَّ لَنَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى فَاَنْدَرْتُكُمْ نَارًا تَلْطَى (۱) قَالَ: هُوَ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ بِالْغَضَبِ وَيَقْتُلُ مِنْ كُلِّ أَلْفٍ تِسْعَ مَائَةٍ وَ تِسْعَةَ وَ تِسْعِينَ؛ (۲)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده اند: او همان قائم (عج) است و هنگامی که با غضب و ناراحتی قیام کند، از هر هزار نفر نهصد و نود و نه نفر را می‌کشد.

بررسی روایت

این روایت هم مرفوع و بی اعتبار است و هم راویان آن افراد ضعیفی هستند. یکی از راویان آن عمرو بن شمر است که بنابر گفته نجاشی بسیار ضعیف است. (۳) و راوی دیگر، جابر بن یزید است که او هم بنابر سخن نجاشی فردی مختلط بوده است. (۴)

۱- لیل (۹۲)، ۱۴.

۲- استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، جلد، چاپ اول، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۰۷، ح ۱.

۳- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۲۸۷.

۴- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۱۲۹.

۱۰-۵-۳. وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: سَأَلْتُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُشِيرَفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا (اسرا: ۳۳) قَالَ: ذَلِكَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ يَخْرُجُ فَيَقْتُلُ بِدَمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَوْ قَتَلَ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمْ يَكُنْ مُشْرِفًا وَ قَوْلُهُ فَلَا يُشِيرَفُ فِي الْقَتْلِ لَمْ يَكُنْ لِيَصْنَعْ شَيْئًا يَكُونُ سَرَفًا ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقْتُلُ وَ اللَّهُ ذَرَارِيَّ قَتَلَهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِفَعَالِ آبَائِهَا. (۱)

محمد بن سنان، از شخصی نقل نموده که وی گفت: از حضرت ابی عبدالله علیه السلام از تفسیر آیه شریفه: «وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُشِيرَفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا». پرسیدم، حضرت فرمودند: مقصود از «ولی» قائم آل محمد صلی الله علیه و آله بوده که خروج نموده پس به خون خواهی حضرت سید الشهداء علیه السلام شروع به کشتن می نماید به طوری که اگر همه اهل زمین را بکشد، اسراف نکرده است. و در ذیل این فقره از آیه «فَلَا يُشِيرَفُ فِي الْقَتْلِ» می فرماید: حضرت قائم (عج) اقدام به چیزی که اسراف محسوب شود، نمی کنند. سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم حضرت قائم (عج) اعقاب کشندگان سید الشهداء علیه السلام را به واسطه عمل آباء و اجدادشان خواهد کشت.

بررسی روایت

در سند روایت لفظ مبهم «عن رجل» وجود دارد که باعث ارسال سند شده

۱- ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق جواد قیومی، چاپ اول، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۳، ب ۱۸، ح ۵.

است، افزون بر آن محمد بن سنان کسی است که هم مدح آن آمده است و هم ضعیف شمرده شده است (۱) که بنابر قواعد رجالی و تعارض بین مدح و ذم، ضعف بر مدح مقدم می باشد.

۱۱-۵-۳. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! مَا تَقُولُ فِي حَدِيثِ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ قَتَلَ ذَرَارِيَّ قَتَلَهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِفِعَالٍ آبَائِهَا؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُوَ كَذَلِكَ. فَقُلْتُ: فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى مَا مَعْنَاهُ؟ فَقَالَ: صَدَقَ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَقْوَالِهِ لَكِنَّ ذَرَارِيَّ قَتَلَهُ الْحُسَيْنُ يَزُضُونَ أَفْعَالَ آبَائِهِمْ وَ يَفْتَحِرُونَ بِهَا وَمَنْ رَضِيَ شَيْئًا كَانَ كَمَنْ أَتَاهُ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قُتِلَ فِي الْمَشْرِقِ فَرَضِيَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ فِي الْمَغْرِبِ لَكَانَ الرَّاضِيَ عِنْدَ اللَّهِ شَرِيكَ الْقَاتِلِ وَ إِنَّمَا يَقْتُلُهُمُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ لِرِضَاهُمْ بِفِعَالٍ آبَائِهِمْ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: بِأَيِّ شَيْءٍ يَبْدَأُ الْقَائِمُ فِيهِمْ إِذَا قَامَ؟ قَالَ: يَبْدَأُ بِنِسْبَةِ شَيْبِهِ وَ يَقْطَعُ أَيْدِيَهُمْ لِأَنَّهُمْ سُرَّاقُ بَيْتِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. (۲)

احمد بن زیاد بن جعفر همدانی رضی الله عنها از علی بن ابراهیم، از پدرش، از عبدالسلام ابن صالح هروی، نقل می کند که وی می گوید: محضر مبارک حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! درباره روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده و آن حضرت فرمودند: هر گاه حضرت قائم (عج) خروج

۱- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۲۸.

۲- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۲۹، ۱۶۴، ح ۱.

کنند فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام را به دلیل کردار پدرانشان می کشد، چه می فرمایید؟ حضرت فرمودند: واقع همین است. عرض کردم: پس فرموده حقّ تعالی در قرآن: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى؛ هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نگیرد» معنایش چیست؟ حضرت فرمودند: خداوند در تمام اقوالش صادق است ولی با وجود این باید توجه داشته باشی که فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام به افعال و کردار پدرانشان راضی بوده و به آنها افتخار می کردند و به مقتضای «کسی که به چیزی راضی باشد، همچون شخصی است که آن چیز را انجام داده» آنها نیز همچون قاتلان سیدالشهداء می باشند. و اگر شخص در مشرق کشته شود و دیگری در مغرب راضی و خوشنود باشد راضی با قاتل نزد خدا شریک در قتل می باشد و چون این فرزندان به کردار پدرانشان راضی می باشند لاجرم حضرت قائم(عج) وقتی خروج نمودند، ایشان را می کشند. راوی می گوید محضرش عرضه داشتم: چرا وقتی حضرت قیام فرمودند، اول ایشان را می کشد؟ حضرت فرمودند: حضرت قائم(عج) ابتدا بنی شیبه را می کشند به این روش که دستهایشان را قطع می فرماید، زیرا آنها سارقان بیت الله عزّ و جلّ می باشند.

بررسی روایت

گرچه این حدیث در پی توضیح روایت و علت آن می باشد؛ اما از چند جهت مشکل دارد: اولاً: سند این روایت منقطع و ناشناخته است، زیرا احمد بن زیاد همدانی آن را از علی بن ابراهیم و او از پدرش (ابراهیم بن هاشم) و ابراهیم از عبدالسلام بن صالح هروی نقل نموده است درحالی که روایت باید بیش از چهار راوی داشته باشد تا به امام علیه السلام برسد، قطعاً افراد دیگری در زنجیره

سلسله سند بوده اند که اکنون معلوم نیست چه کسانی هستند. ثانیاً: مضمون روایت با محکمت قرآن، فقه اسلامی و عقل منافات دارد، زیرا مجازات یک شخص راضی به قتل، شرعاً و عقلاً قصاص وی نیست.

۱۲-۵-۳. قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عُبَيْدٍ مُعَنَّأً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَفُوا كُلَّ نَاصِبٍ [نَصَبَ] عَلَيْهِ فَإِنْ أَقْرَبَ بِالسَّلَامِ وَهُوَ [وَهِيَ] الْوَلَايَةَ وَالْأَضْرِبَتِ عَنْهُ أَوْ أَقْرَبَ بِالْجَزِيَةِ فَأَذَاهَا كَمَا يُؤَدِّي [يُؤَدُّونَ] أَهْلُ الذَّمِّه. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید: پس هنگامی که قائم (عج) قیام کند، افراد ناصبی را به حضور قائم (عج) می آورند؛ پس اگر به اسلام اقرار کند که همان ولایت ائمه است؛ رهايش می کند و گرنه گردنش زده می شود و یا از او مانند اهل ذمه جزیه می گیرد.

بررسی روایت

این روایت مرسل است زیرا راوی با حذف واسطه که معلوم نیست چه کسانی بوده اند، روایت را به امام صادق علیه السلام نسبت داده است.

۱۳-۵-۳. وَ يَأْتِيَنَاهُ (السَّيِّدُ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ فِي كِتَابِ الْغَيْبِ) إِلَى كِتَابِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ رَفَعَهُ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِتَّانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَقْتُلُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَبْلُغَ السُّوقَ. قَالَ: فَيَقُولُ لَهُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ أَبِيهِ إِنَّكَ لَتَجْفَلُ النَّاسَ إِجْفَالَ النَّعْمِ فَبِعَهْدٍ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوْ بِمَا ذَا قَالَ وَ لَيْسَ فِي النَّاسِ رَجُلٌ أَشَدَّ مِنْهُ بِأَسَأَ فَيَقُومُ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنَ الْمَوَالِي فَيَقُولُ لَهُ لَتَسْكُتَنَّ أَوْ لَأَضْرِبَنَّ عَنْقَكَ فَعِنْدَ ذَلِكَ

۱- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، قم، داوری، بی تا، ص ۲۹۲-۲۹۳، ح ۳۹۵.

يُخْرِجُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامَ عَهْدًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: قائم (عج) می کشد تا می رسد به بازار؛ سپس مردی از اولاد پدرش به او می گوید: تو با مردم مثل چهارپایان رفتار می کنی، آیا این برخورد به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد یا چیز دیگر؟ و در میان مردم مردی شدیدتر از او نیست، سپس مردی از موالی به سمت وی بلند می شود، پس به وی می گوید: ساکت می شوی یا گردنت را بزنم؛ سپس قائم (عج) در آن هنگام دستوری از پیامبر صلی الله علیه و آله را ارائه می دهد.

بررسی روایت

درباره سند این روایت نه از سند سید علی بن عبدالحمید (صاحب کتاب الغیبه) به کتاب فضل بن شاذان اطلاع درستی در دست است و نه از سند فضل بن شاذان به عبدالله بن سنان، بنابراین، این حدیث، مرسل و غیر قابل اعتماد است.

۱۴-۵-۳. وَ بِإِسْنَادِهِ (السَّيِّدُ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِالْحَمِيدِ فِي كِتَابِ الْغَيْبَةِ) عَنِ الْكَائِلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامَ قَالَ: يَقْتُلُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْأَجْفَرِ. (۲)

امام سجاد علیه السلام فرمودند: قائم (عج) آن قدر از اهل مدینه می کشد تا به محلی به نام اجفر می رسد.

۱- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیه السلام، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۸۷ ب ۲۷، ح ۲۰۳.

۲- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیه السلام، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۸۷ ب ۲۷، ح ۲۰۴.

از سند الغیبه سید علی بن عبدالحمید به کابلی اطلاعی در دست نیست و نمی توان به آن اعتماد کرد.

۱۵-۵-۳. وَ يَأْسِيَنَادِهِ (السَّيِّدِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِالْحَمِيدِ فِي كِتَابِ الْغَيْبَةِ) زَفَعَهُ إِلَى أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ إِلَى أَنْ قَالَ: وَيَنْهَزِمُ قَوْمٌ كَثِيرٌ مِنْ بَنِي أُمَّيَّةَ حَتَّى يَلْحَقُوا بِأَرْضِ الرُّومِ... فَيَبْعَثُ إِلَيْهِمُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ أَخْرَجُوا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَدْخَلْتُمُوهُمْ... فَإِذَا قَرَأَ عَلَيْهِمُ الْكِتَابَ وَ رَأَوْا هَذَا الشَّرْطَ لَازِمًا لَهُمْ أَخْرَجُوهُمْ إِلَيْهِ فَيَقْتُلُ الرِّجَالَ وَ يَبْقُرُ بَطُونَ الْحَبَالِيِّ. (۱)

امام باقر علیه السلام می فرماید: هنگام قیام قائم (عج) عده زیادی از بنی امیه فرار می کنند و به کشور روم پناه می برند... سپس قائم (عج) عده ای را همراه با دستور کتبی برای تحویل گرفتن آنها به آن کشور می فرستد که این کسانی را که به کشور خود راه داده اید، اخراج کنید... پس هنگامی که دستور را بر حاکم می خوانند، آن پناهندگان را اخراج می کنند، سپس قائم (عج) مردهای آنان را می کشد و شکم زنان آبستن را می درد.

از سند الغیبه به ابوبصیر اطلاعی در دست نیست، همچنین این روایت مرفوعه و ضعیف است، افزون بر ضعف سند متنی کاملاً مضطرب دارد، زیرا شکافتن و پاره کردن شکم زنان آبستن در هیچ حالتی حتی در حال جنگ جایز نیست.

۱- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دارإحياء التراث العربی، ۱۳۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۸۷، ب ۲۷، ح ۲۰۴.

۱۶-۵-۳. وَ يَأْسِي نَادِيهِ (السَّيِّدِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ فِي كِتَابِ الْغَيْبِ) رَفَعَهُ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْعَرَبِ وَ الْفُرْسِ إِلَّا السَّيْفُ لَأَ يَأْخُذَهَا إِلَّا بِالسَّيْفِ وَ لَأَ يُعْطِيهَا إِلَّا بِهِ. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید: هنگامی که قائم (عج) قیام کند، بین او و عرب و عجم جز شمشیر نخواهد بود، جز شمشیر از آنها نمی گیرد و جز شمشیر به آنها نمی دهد.

بررسی روایت

علامه مجلسی رحمه الله این روایت را از کتاب الغیبه بدون ذکر سند از عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که از سند کامل آن اطلاعی در دست نیست. همچنین متن روایت نیز دارای ضعف و اضطراب است، زیرا قرار دادن شمشیر یعنی زور و قدرت سلاح به عنوان ملاک حاکم نیز خلاف ضرورت دین و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد.

۱۷-۵-۳. وَ يَأْسِي نَادِيهِ (السَّيِّدِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ فِي كِتَابِ الْغَيْبِ) رَفَعَهُ إِلَى جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... وَ يَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دِينُ مُحَمَّدٍ؛ (۲)

... قائم (عج) آن قدر از مردم می کشد تا اینکه جز دین محمد باقی نماند.

بررسی روایت

سند این روایت نیز از الغیبه سید علی بن عبدالحمید می باشد که از سند آن تا

۱- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیه السلام، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۸۷، ب ۲۷، ح ۲۰۴.

۲- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیه السلام، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۸۷، ب ۲۷، ح ۲۰۴.

امام باقر علیه السلام اطلاعی در دست نیست و همچنین روایت مرفوعه نیز می باشد، بنابراین قابل اعتماد نیست.

۱۸-۵-۳. وَ رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَقَامَ خَمْسِمَائِهِ مِنْ قُرَيْشٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ ثُمَّ أَقَامَ خَمْسِمَائِهِ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ ثُمَّ أَقَامَ خَمْسِمَائِهِ أُخْرَى حَتَّى يَفْعَلَ ذَلِكَ سِتِّ مَرَّاتٍ. قُلْتُ: وَ يَبْلُغُ عَدْدُ هَؤُلَاءِ هَذَا؟ قَالَ: نَعَمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ مَوَالِيهِمْ؛ (۱)

آنگاه که قائم آل محمد (عج) قیام کند، پانصد تن از قریش را به پا دارد و گردنشان را بزند، سپس پانصد تن دیگر را به پا دارد و گردن زند، آنگاه پانصد تن دیگر تا شش بار (که روی هم سه هزار نفر شوند) گوید: من گفتم: شماره آنان به این حد رسد؟ فرمود: آری؛ خودشان و دوستانشان.

بررسی روایت

شیخ مفید نیز این روایت را بدون ذکر سند کامل بیان می کند و از سند آن اطلاعی در دست نیست و افزون بر مشکل سندی، متن روایت نیز دچار اضطراب است، بنابراین قابل اعتماد نیست.

۱۹-۵-۳. وَ ذَكَرَ الْإِمَامُ أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدِ الْكَسَائِيِّ، فِي قِصَصِ الْأَنْبِيَاءِ، قَالَ: قَالَ كَعْبُ الْأَحْبَارِ: يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ إِلَى بِلَادِ الرُّومِ، وَ جَيْشُهُ مِائَةُ أَلْفٍ، فَيَدْعُو مَلِكَ الرُّومِ إِلَى الْإِيمَانِ فَيَأْبَى، فَيَقْتَتِلَانِ شَهْرَيْنِ، فَيَنْصِيرَ اللَّهُ تَعَالَى الْمَهْدِيَّ، وَيَقْتُلَ مِنْ أَصْحَابِهِ خَلْقًا كَثِيرًا، وَيَنْهَزُهُمْ، وَيَدْخُلُ إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ فَيَنْزِلُ الْمَهْدِيُّ عَلَى بَابِهَا، وَلَهَا يَوْمَئِذٍ سَبْعَةُ أَسْوَارٍ، فَيَكْبُرُ الْمَهْدِيُّ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ، فَيَخْرُ كُلُّ سَوْرٍ

۱- مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ص ۳۶۴.

مِنْهَا، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَأْخُذُهَا الْمَهْدِيُّ، وَيَقْتُلُ مِنَ الرُّومِ خَلْقًا كَثِيرًا، وَيُسَلِّمُ عَلَى يَدِيهِ خَلْقٌ كَثِيرٌ؛^(۱)

مهدی(عج) به سوی سرزمین روم یورش می برد در حالی که سربازان وی صد هزار نفر می باشد، سپس پادشاه روم را به ایمان فرا می خواند ولی او سر باز می زند، سپس به مدت دو ماه با هم می جنگند و خداوند مهدی(عج) را یاری می کند و مهدی تعداد زیادی از اصحاب و یاران پادشاه روم را به قتل می رساند و به قسطنطنیه داخل می شود، پس مهدی(عج) به دروازه شهر وارد می شود در حالیکه دارای هفت دیوار است سپس مهدی(عج) هفت مرتبه تکبیر گفته، پس از آن همه دیوارهای شهر فرو می ریزد، سپس در آن هنگام مهدی(عج) شهر را در دست گرفته، تعداد زیادی از مردم آن جا را به قتل می رساند و به دست وی مردم زیادی به اسلام روی می آورند.

بررسی روایت

این حدیث از زبان کعب الاحبار است و چون به پیامبر(عج) اسناد داده نشده، موقوف^(۲) است و اعتباری ندارد، افزون بر این کعب الاحبار شخصیت قابل قبولی نیست، بنابراین نمی توان به این روایت اعتماد کرد.

۲۰-۵-۳. قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عُبَيْدٍ مُعَنَّأً عَنْ أَبِي عَبِيدٍ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى... وَ إِنَّ لَنَا لِلْآخِرَةِ وَ الْأُولَى فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلْظَى الْقَائِمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذَا قَامَ بِالْغَضَبِ فَقَتَلَ مِنْ كُلِّ أَلْفٍ

۱- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقدالدرر، ص ۲۷۳.

۲- موقوف: حدیثی است که توسط صحابی معصوم نقل شده بدون اینکه آن را به معصوم اسناد دهد. (کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص ۷۹).

تَسْعِمَانِهِ وَ تَسْعَهُ وَ تَسْعِينَ؛ (۱)

... قائم (عج) هنگامی که با غضب قیام کند، از هر هزار نفر نهصد و نود و نه نفر را می کشد.

بررسی روایت

این روایت مرسل می باشد، زیرا راوی با حذف واسطه که معلوم نیست چه کسانی بوده اند، روایت را به امام صادق علیه السلام نسبت داده است. افزون بر این محمد بن قاسم بن عبید فردی ناشناخته است.

۲۱-۵-۳. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ التَّمِيمِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يُوسُفَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: بَيْنَا الرَّجُلُ عَلِيَّ رَأْسِ الْقَائِمِ يَأْمُرُهُ وَ يَنْهَاهُ إِذْ قَالَ أَدِيرُوهُ فَيَدِيرُونَهُ إِلَى قَدَامِهِ فَيَأْمُرُ بِضَرْبِ عُنُقِهِ فَلَا يَبْقَى فِي الْخَافِقِينَ شَيْءٌ إِلَّا خَافَهُ؛ (۲)

... در آن میان که مردی بر بالین قائم (عج) ایستاده و امر و نهی می کند، ناگاه حضرت می فرماید: او را برگردانید، پس او را به پیش روی آن حضرت باز می گردانند و آن حضرت دستور می دهد گردن او زده شود، پس در خاور و باختر چیزی باقی نمی ماند مگر اینکه از او می ترسد.

بررسی روایت

در سند روایت افزون بر محمد بن علی کوفی که شرح حال او پیش از این بیان شد، همچنین علی بن حسن تیملی که طبق گفته آیت الله خویی همان

۱- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ص ۲۱۴.

۲- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۴۵-۲۴۶، ب ۱۳، ح ۳۲.

علی بن حسن بن علی بن فضال است (۱) شخصی فطحی (۲) مذهب می باشد. (۳) همچنین این روایت با توجه به عبارت مبهم (عن بعض رجاله) موجود در سند آن، مرسل است.

۳-۶. روایات متفرقه

اشاره

۱-۳-۶. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ الرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْكُوفِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أبا جَعْفَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا يَصْنَعُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ لِأَحَبِّ أَكْثَرِهِمْ أَلَّا يَرَوْهُ مِمَّا يَقْتُلُ مِنَ النَّاسِ أَمَا إِنَّهُ لَا يَبْدَأُ إِلَّا بِقَرِيْشٍ فَلَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفَ وَلَا يُعْطِيهَا إِلَّا السَّيْفَ حَتَّى يَقُولَ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ لَيْسَ هَذَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ كَانَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ لَرَحِمَ؛ (۴)

اگر مردم می دانستند هنگامی که قائم (عج) خروج کند چه خواهد کرد، بیشتر آنان دوست می داشتند او را ملاقات نکنند؛ بس که خواهد کشت، بدانید که او شروع نخواهد کرد مگر با قریش، و از آنان جز شمشیر دریافت نمی کند و به قریش جز شمشیر ارزانی نمی دارد (معامله او با قریش تنها با شمشیر است) تا آن جا که بیشتر مردمان گویند: این مرد از تبار محمد نیست که اگر از آل محمد بود، حتماً رحمت و دلسوزی می داشت.

۱- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۱، ص ۳۴۵.

۲- فطحیه: این گروه قائل به امامت دوازده امام همراه با عبدالله افطح پسر امام صادق علیه السلام هستند که او را میان امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام قرار می دهند (محمد رضا، جدیدی نژاد، معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ص ۱۱۴).

۳- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۲۵۸.

۴- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۳۸، ب ۱۳، ح ۱۸.

بررسی روایت

در سند این روایت محمد بن علی کوفی وجود دارد که وی فرد بسیار ضعیفی است و شرح حال او پیش از این بیان شد.

۲-۶-۳. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ لِي أَنْ أَقْتَلَ الْمُؤَلَّىَّ وَأُجْهَرَ عَلَى الْجَرِيحِ وَلَكِنِّي تَرَكْتُ ذَلِكَ لِلْعَاقِبَةِ مِنْ أَصْحَابِي إِنْ جُرِحُوا لَمْ يُقْتَلُوا وَالْقَائِمُ لَهُ أَنْ يَقْتَلَ الْمُؤَلَّىَّ وَيُجْهَرَ عَلَى الْجَرِيحِ؛ (۱)

ابو خدیجه از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: همانا علی علیه السلام فرمود: مرا چنین اختیاری بود که فراریان از جبهه جنگ را بکشم و کار مجروحان را یکسره سازم ولی من به ملاحظه آینده نگری برای یاران خود این کار را نکردم که چون مجروح شدند، کشته نشوند ولی برای امام قائم (عج) مقرر است که آنان را که از جنگ می گریزند، بکشد و کار زخمی ها را یکسره سازد.

بررسی روایت

این روایت نیز مانند سند پیشین است و در سند آن نیز محمد بن علی کوفی وجود دارد.

۳-۶-۳. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانِ الرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ صَلَاحٌ مِنَ الصَّالِحِينَ سَمَّهَ لِي أُرِيدُ

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۳۶، ب ۱۳، ح ۱۵.

الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . فَقَالَ: اسْمُهُ اسْمِي . قُلْتُ: أَيَسِيرُ بِسَيْرِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قَالَ: هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ يَا زُرَّارَهُ، مَا يَسِيرُ بِسَيْرِهِ . قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ لِمَ؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَارَ فِي أُمَّتِهِ بِالْمَنْ، كَانَ يَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَالْقَائِمُ يَسِيرُ بِالْقَتْلِ بِذَاكَ أَمْرٍ فِي الْكِتَابِ الَّذِي مَعَهُ أَنْ يَسِيرَ بِالْقَتْلِ وَلَا يَسْتَتِيبَ أَحَدًا؛ وَيَلُّ لِمَنْ نَاوَاهُ...؛(۱)

به آن حضرت عرض کردم: صالحی از صالحان را برایم نام ببر و منظوم حضرت قائم(عج) بود، پس فرمود: اسم او اسم من است، عرض کردم: آیا همچون رفتار محمد صلی الله علیه و آله رفتار می کند؟ فرمود: هرگز هرگز ای زراره؛ رفتار او را پیش نمی گیرد. عرض کردم: فدایت شوم برای چه؟ فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله در امت خود چنان رفتار می کرد که همراه با بخشش بود (مردم را عفو و مرهون منت خود می ساخت) و دل‌های مردم را به خود جذب می نمود؛ یعنی با مهر رفتار می کرد ولی رفتار قائم(عج) با خشونت و کشتار است، زیرا در کتابی که به همراه دارد مأمور شده است که با کشتار رفتار کند و از کسی توبه نپذیرد، وای بر کسی که با او دشمنی کند و به ستیز برخیزد.

بررسی روایت

در سند این نیز روایت محمد بن علی کوفی وجود دارد که فردی ضعیف است و توصیف آن قبلاً بیان شده، مضمون روایت نیز با روایات درستی که سیره حضرت مهدی(عج) را همان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله می داند، مخالفت دارد.

۴-۶-۳. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ بِقَمِّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانَ الرَّازِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۳۶، ب ۱۳، ح ۱۴.

الْكُوفِيُّ عَنْ مَعْمَرِ بْنِ خَلَّادٍ قَالَ: ذُكِرَ الْقَائِمُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: أَنْتُمْ الْيَوْمَ أَرْحَىٰ بَالًا مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ. قَالُوا: وَ كَيْفَ؟ قَالَ: لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلْقُ وَالْعَرَقُ وَالنُّومُ عَلَى الشَّرُوحِ وَ مَا لِبَاسِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا الْعَلِيطُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ؛ (۱)

معمر بن خلّاد گوید: نزد امام ابی الحسن الرضا علیه السلام از قائم (عج) یاد شد، پس فرمود: شما امروز آسوده تر از آن روز هستید، عرض کردند: چگونه؟ فرمود: اگر قائم ما علیه السلام خروج کند جز خون بسته شده و عرق و بر روی زین های اسبان خفتن چیزی در کار نخواهد بود و لباس قائم (عج) جز جامه خشن و خوراک او جز غذای ناگوار و نامطبوع نخواهد بود.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز محمد بن علی کوفی وجود دارد که شرح حالش بیان شد.

۵-۶-۳. عَنْهُ عَنْ صَالِحِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عُثَيْمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا تَمَنَّى أَحَدُكُمْ الْقَائِمَ فَلْيَتَمَنَّهْ فِي عَافِيَةٍ فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ رَحْمَةً وَ يَبْعَثُ الْقَائِمَ نَقْمَهُ؛ (۲)

معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت کند که آن حضرت فرمود: هرگاه یکی از شما آرزوی دیدار حضرت قائم (عج) را کند، باید آرزو کند که این دیدار در تندرستی و عافیت باشد (و

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۹۵-۲۹۶، ب ۱۵، ح ۵.

۲- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، تحقیق غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۳۳، ح ۳۰۶.

مشمول اصلاحات آن بزرگوار نگردد) زیرا خداوند محمد صلی الله علیه و آله را به مهر و عطوفت مبعوث فرمود، و حضرت قائم (عج) را برای انتقام برانگیزد.

بررسی روایت

در سند روایت محمد بن عبدالله بن مهران وجود دارد که این شخص فردی متهم به غلو و ضعیف است (۱)، همچنین این روایت مهمل نیز می باشد؛ زیرا در مورد دو تن از روایات این سند اطلاعی در کتاب های رجالی وجود ندارد، یکی عبدالملک بن بشیر و دیگری عیثم بن سلیمان.

۶-۶-۳. عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عِيَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ إِلَى أَنْ قَالَ: قُلْتُ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ (هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا لِإِخْدَى الْأَحْسِيَّتَيْنِ) (۲) قَالَ: إِمَّا مَوْتُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَوْ إِذْرَاكَ ظُهُورِ إِمَامٍ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِهِمْ مَعَ مَا نَحْنُ فِيهِ مِنَ الشَّدَّةِ أَنْ يُصِيبَهُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ. قَالَ: هُوَ الْمَسْحُحُ أَوْ بِأَيْدِينَا وَهُوَ الْقَتْلُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ وَالتَّرَبُّصُ أَنْتِظَارُ وَقُوعِ الْبَلَاءِ بِأَعْدَائِهِمْ؛ (۳)

(آن دو سرانجام نیک) یا مرگ در راه اطاعت خداست و یا درک ظهور امام، ولی ما در مورد آنها انتظار می بریم با این وضع سخت و ناهنجاری که داریم که خداوند از نزد خود عذابی بدانها بفرستد. فرمود که آن عذاب یا مسخ است یا به دست ما (آنها را عذاب

۱- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، چاپ سوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، ۱۳۷۳ش، ص ۳۹۱.

۲- توبه (۹)، ۵۲.

۳- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج ۸، ص ۲۸۵، ح ۴۳۱.

کند) که آن کشتن آنها است. خدای جلّ جلاله به پیامبرش فرمود: بگو منتظر باشید که ما نیز با شما از منتظران هستیم و مقصود انتظار وقوع بلا به دشمنان است.

بررسی روایت

در سند روایت علی بن عباس وجود دارد که وی به غلو و ضعف شخصیت متهم است. (۱) همچنین این روایت مهمل نیز می باشد؛ زیرا از حسن بن عبدالرحمن (حمانی) اطلاعاتی در کتابهای رجالی وجود ندارد.

۷-۶-۳. بِهَذَا الْأَسْنَادِ (عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عِيَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ (قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ)... قَالَ: وَ سَيُخْتَلَفُونَ فِي الْكِتَابِ الَّذِي مَعَ الْقَائِمِ الَّذِي يَأْتِيهِمْ بِهِ حَتَّى يُنْكِرَهُ نَاسٌ كَثِيرٌ فَيَقْدَمُهُمْ فَيَضْرِبُ أَعْنَاقَهُمْ؛ (۲)

محققاً در کتابی که با قائم (عج) است و برای آنها خواهد آورد، اختلاف خواهند کرد تا بدان حد که جمع زیادی آن را انکار می کنند، سپس قائم (عج) آنها را پیش آورده و گردن آنها را می زند.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز علی بن عباس و حسن بن عبدالرحمن (حمانی) وجود دارد که شرح حالشان پیش از این بیان شد.

۸-۶-۳. حَدَّثَنَا رِشْدِينُ، عَنِ ابْنِ لَهْيَعَةَ، عَنْ عَيَّاشِ بْنِ عَبَّاسِ الرَّزْقِيِّ،

۱- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۲۵۵.

۲- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج ۸، ص ۲۸۷، ح ۴۳۲.

عَنْ ابْنِ زُرَيْرٍ، عَنْ عَلِيٍّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: يُرْسِلُ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الشَّامِ مَنْ يُفَرِّقُ جَمَاعَتَهُمْ، حَتَّىٰ لَوْ قَاتَلَتْهُمْ الثَّعَالِبُ غَلَبَتْهُمْ، وَعِنْدَ ذَلِكَ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي ثَلَاثِ رَايَاتٍ، ..، أَمَّا تَهُمْ: أَمِتْ...؛(۱)

خداوند کسی را به سوی شام می فرستد که جماعت آنان را متفرق می سازد به طوریکه اگر گرگ ها به مقابله با آنان بیایند، آنها را شکست می دهند. در آن هنگام است مردی از خاندان من قیام می کند در قالب سه پرچم... شعار آنها بکش بکش است.

بررسی روایت

در سند روایت ابن لهیعه وجود دارد که وی فردی ضعیف است چنان که ابن معین در توصیف وی گفته است: «ضعیف لا یحتج به».(۲)

۳-۶-۹. حَدَّثَنَا ابْنُ وَهْبٍ، عَنْ ابْنِ لَهِيْعَةَ، عَنِ الْحَارِثِ بْنِ يَزِيدَ، سَمِعَ ابْنَ زُرَيْرٍ الْغُفَافِيَّ، سَمِعَ عَلِيًّا، يَقُولُ: ... لَمَا يَلْقَاهُ عِدُوٌّ إِلَّا هَزَمَهُمْ بِأَذْنِ اللَّهِ، شِعَارُهُمْ: أَمِتْ أَمِتْ؛(۳)

... قائم به دشمنی بر نمی خورد مگر اینکه به اذن خداوند او را شکست می دهد؛ شعار قائم (عج) و اصحابش بکش بکش است.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز ابن لهیعه وجود دارد که شرح حال وی گذشت.

۳-۶-۱۰. حَدَّثَنَا سُؤْيُدُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ أَبِي فَرْوَةَ، وَابْنَ شَابُورَ، جَمِيعًا عَنْ مَكْحُولٍ، عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

۱- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۴۹، ح ۱۰۰۷.

۲- ذهبی، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن أحمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۱۶۷.

۳- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۴۸، ح ۱۰۰۵.

قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ... ثُمَّ يَفْتَرِقُونَ وَيَخْتَبُونَ تَحْتَ كُلِّ شَجَرٍ وَحَجَرٍ، حَتَّى يَقُولَ الشَّجَرُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ يَا مُسْلِمًا! تَعَالَ، هَذَا يَهُودِيٌّ وَرَائِي فَاقْتُلْهُ؛(۱)

سپس پراکنده می شوند و زیر هر درخت و سنگی پنهان می گردند تا اینکه درخت می گوید: ای بنده خدا، ای مسلمان! بیا این جا، این یک یهودی است که پشت سر من است، پس او را بکش.

بررسی روایت

در سند روایت سوید بن عبد العزیز وجود دارد که نسائی در مورد وی گفته است او ثقه نیست و ضعیف است.(۲)

۱۱-۶-۳ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَيْهَلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَمَانٍ فِي الْأَسْلَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ لَا يَقْضَى فِيهِمَا أَحَدٌ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَمَاذَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَكَمَ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللَّهِ لَا يُرِيدُ عَلَيْهِمَا بَيْنَهُ الزَّانِي الْمُحْصَنُ يَرْجُمُهُ وَ مَا نَعِ الزَّكَاهِ يَضْرِبُ عُنُقَهُ؛(۳)

ابن شَمُّون گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: دو خون است که ریختن آنها از طرف خداوند حلال است، ولی تا قبل از قیام قائم(عج) اجازه آنها داده نشده است، پس هر گاه خداوند او را برانگیزد، بدون بینة قضاوت کرده (و اجازه ریختن آنها را خواهد

۱- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج ۲، ص ۵۶۸، ح ۱۵۹۱.

۲- عسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابو الفضل، تهذیب التهذیب، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۴۲.

۳- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج ۳، ص ۵۰۳، ح ۵.

داد) یکی خون زناکاری است که دارای همسر است و او را سنگسار می کنند و دیگری خون مانع الزکات است که حضرت گردن وی را می زند.

بررسی روایت

در سند این روایت افراد بسیار ضعیفی وجود دارد؛ یکی محمد بن حسن شمون که وی فردی غالی (۱)، واقفی مذهب، ضعیف و فاسد المذهب است (۲). دیگری عبدالله بن عبدالرحمن الاصم فردی ضعیف و غالی که از دروغسازان بصره بوده است. (۳)

نکته

همین روایت در کمال الدین نیز با سندی متفاوت نقل شده است که سند آن عبارت است از:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... (۴)

۱۲-۶-۳. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْمَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ تَغْلِبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ هَارُونَ بِيَّاعِ الْأَنْمَاطِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا فَسَأَلَهُ الْمُعَلَّى بْنُ خُنَيْسٍ أَيْسِرُ الْقَائِمِ إِذَا قَامَ بِخِلَافِ سِيرَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ نَعَمْ وَذَاكَ أَنَّ عَلِيًّا سَارَ بِالْمَنِّ وَالْكَفِّ لِأَنَّهُ عَلِمَ أَنَّ شِيعَتَهُ

۱- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۴۰۲.

۲- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۳۵.

۳- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۳۸.

۴- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۲۱.

سَيُظْهِرُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ سَارَ فِيهِمْ بِالسَّيْفِ وَ السَّبِيِّ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ شِيعَتَهُ لَمْ يُظْهِرْ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا؛ (۱)

حسن بن هارون نمدفروش گوید: نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم که معلی بن خنیس از آن حضرت پرسید: آیا وقتی امام قائم علیه السلام قیام نمود بر خلاف روش علی علیه السلام رفتار خواهد کرد؟ فرمود: آری، بدان جهت که علی با منت گذاشتن و دست برداشتن (از مردم و مخالفین) رفتار می نمود برای اینکه می دانست پس از او پیروانش به زودی مغلوب دشمنان خواهند شد و اینکه قائم (عج) چون قیام کند در میان ایشان با شمشیر و اسیر ساختن رفتار خواهد کرد، زیرا او می داند که شیعه او پس از او هرگز مغلوب دشمنان نمی شوند.

بررسی روایت

در سند این روایت محمد بن خالد وجود دارد که مرحوم آیت الله خویی وی را به نظر نجاشی مهمل دانسته است (۲)، همچنین حسن بن هارون نیز ناشناخته است. افزون بر اینها مضمون روایت نیز با روایتهای دیگری که سیره حضرت مهدی (عج) را همان سیره امیرالمومنین علیه السلام می داند، مخالف است؛ بنابراین نمی توان به آن اعتماد کرد.

۱۳-۶-۳. أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ رِزْقٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْعَلَاءِ الرَّازِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: يُنْجِي اللَّهُ تَعَالَى فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلًا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ يَسُوقُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَيَنْزِلُ السَّمَاءَ قَطْرَهَا وَ يُخْرِجُ

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۳۷، ب ۱۳، ح ۱۶.

۲- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۶، ص ۶۲.

الْأَرْضُ يَذَرُهَا وَتَأْمَنُ وَحُوشُهَا وَسِبَاعُهَا وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسِيًّا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَيَقْتُلُ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ: لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ ذُرِّيَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَرَحِمَهُ؛^(۱)

خداوند متعال در این امت مردی را به وجود می آورد که او از من است و من از او می باشم. خداوند به سبب وی برکات آسمانها و زمین را به پیش می راند، سپس آسمان باران خود را فرو می فرستد و زمین ثمره خود را آشکار می کند و حیوانات نا اهلی و وحشی قابل اعتماد می شوند، وی زمین را پر از عدل و داد می کند همانطور که از ظلم و جور پر شده است، و چنان می کشد که فرد جاهل می گوید: اگر این مرد از ذریه محمد بود قطعاً رحم می کرد.

بررسی روایت

در سند روایت احمد بن عثمان وجود دارد که وی فردی ناشناخته است، خود این روایت نیز مجهول است زیرا یکی از روای آن (علی بن فضل) مجهول الحال^(۲) می باشد.

۱۴-۶-۳ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عُيَيْسُ بْنُ هِشَامٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْمُغِيرَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَرِيكِ الْعَامِرِيِّ عَنْ بَشْرِ بْنِ غَالِبِ الْأَسَدِيِّ قَالَ: قَالَ لِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا بَشْرُ مَا بَقَاءُ قُرَيْشٍ إِذَا قَدَّمَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ مِنْهُمْ خَمْسَمَائِهِ رَجُلٍ فَضْرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا ثُمَّ قَدَّمَ خَمْسَمَائِهِ فَضْرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا ثُمَّ

۱- طوسی، محمد بن حسن، غیبت طوسی، ص ۱۸۸، ح ۱۴۹.

۲- مجهول الحال: راوی که توثیق نشده است (محمد رضا، جدیدی نژاد معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ص ۱۴۷).

خَمْسَ مِائَةٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: أَصِيلَحَكَ اللَّهُ أَيْبَلُغُونَ ذَلِكَ؟ فَقَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْهُمْ قَالَ فَقَالَ لِي بَشِيرُ بْنُ غَالِبٍ أَخُو بَشِيرِ بْنِ غَالِبٍ: أَشْهَدُ أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَيْدٌ عَلَى أَخِي سِتِّ عَدَاتٍ أَوْ قَالَ سِتِّ عَدَدَاتٍ عَلَى اخْتِلَافِ الرَّوَايَةِ؛ (۱)

بشر بن غالب اسدی گوید: حسین بن علی علیهما السلام به من فرمود: ای بشر، قریش را چه به جای می ماند هنگامی که قائم مهدی (عج) پانصد نفر از ایشان را پیش کشد و دست بسته گردن آنها را بزند، سپس پانصد نفر دیگر از ایشان را جملگی دست بسته گردنهایشان را بزند و دیگر بار پانصد نفر از آنان را دست بسته گردن بزند. راوی گوید: به آن حضرت عرض کردم: خداوند حال شما را اصلاح فرماید، آیا آنان بدان مقدار می رسند؟ پس حسین بن علی علیهما السلام فرمود: همانا هم پیمان و هم عقیده هر قوم جزئی از آنان محسوب می شود. راوی گوید: بشیر بن غالب برادر بشر بن غالب به من گفت: من گواهم که حسین بن علی علیهما السلام شش مرتبه برای برادرم بر شمرد- یا شش بار گفت- بر اساس اختلاف روایات.

بررسی روایت

در سند روایت قاسم بن محمد بن حسن بن حازم وجود دارد که وی فردی ناشناخته است و بشر بن غالب اسدی فردی است که ویژگی وی در کتب رجالی بیان نشده است و به اصطلاح حدیثی مجهول می باشد، مضمون روایات نیز با محکمت دینی و عقلی تطبیق نمی کند، به ویژه کشتن به شکل «صبراً» یعنی کشتن با بستن و در تنگنا قرار دادن مقتول.

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۴۰-۲۴۱، ب ۱۳، ح ۲۳.

۱۵-۶-۳. حَدَّثَنَا حَمَزَةُ بْنُ يَعْلَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضَائِلِ عَنِ الرَّبِيعِيِّ عَنْ زُرَيْدِ بْنِ مَوْلى أَبِي هُبَيْرَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! يَسِيرُ الْقَائِمُ بِسَيْرِهِ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فِي أَهْلِ السَّوَادِ؟ فَقَالَ: لَأَ، يَا زُرَيْدُ! إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ سَيَارَ فِي أَهْلِ السَّوَادِ بِمَا فِي الْجَفْرِ الْأَبْيَضِ وَإِنَّ الْقَائِمَ يَسِيرُ فِي الْعَرَبِ بِمَا فِي الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا الْجَفْرُ الْأَحْمَرُ؟ قَالَ: فَأَمَرَ إِيضًا إِلَى حَلْقِهِ فَقَالَ: هَكَذَا، يَعْنِي الذَّبْحُ... (۱)

رفید گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: یا بن رسول الله، آیا قائم (عج) مطابق سیره علی بن ابی طالب علیه السلام با مردم سواد (عراق) عمل می کند؟ فرمود: نه ای رفید! همانا علی بن ابی طالب با اهل سواد مطابق آنچه در جفر ابیض بود عمل می نمود، ولی قائم (عج) با اعراب مطابق آنچه در جفر احمر هست عمل خواهد کرد. پرسیدم: فدایت شوم جفر احمر چیست؟ رفید گفت: حضرت انگشت خود را به حلق خود کشید و فرمود: این چنین، یعنی ذبح.

بررسی روایت

جناب رفید در کتاب های رجالی توثیق نشده است، همچنین محمد بن فضیل فردی ضعیف (۲) و متهم به غلو است. (۳)

در توضیح جفر ابیض و جفر احمر از امام صادق علیه السلام روایتی وارد شده است که بدان اشاره می کنیم:

۱- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، تصحیح محسن بن عباسعلی کوچه باغی، چاپ دوم، قم، مکتبه آیةالله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۵۲، ب ۱۴، ح ۴.

۲- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۳۴۳.

۳- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۷، ص ۱۴۵، ش ۱۱۵۴۶.

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: سَمِعْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ عِنْدِي الْجُفْرَ الْأَبْيَضَ. قَالَ: قُلْتُ: فَأَيُّ شَيْءٍ فِيهِ؟ قَالَ: زُبُورُ دَاوُدَ وَتَوْرَاهُ مُوسَى وَانْجِيلُ عِيسَى وَصُحُفُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْحَلَالُ وَالْحَرَامُ وَمُصْحَفُ فَاطِمَةَ مَا أَرُغِمُ أَنْ فِيهِ قُرْآنًا وَفِيهِ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْنَا وَ لَا نَحْتَاجُ إِلَى أَحَدٍ حَتَّى فِيهِ الْجِلْدَةُ وَنَضِيفُ الْجِلْدَةَ وَرُبْعُ الْجِلْدَةِ وَ أَرَشُ الْخَدَشِ وَ عِنْدِي الْجُفْرُ الْأَحْمَرُ. قَالَ: قُلْتُ: وَ أَيُّ شَيْءٍ فِي الْجُفْرِ الْأَحْمَرِ؟ قَالَ: السَّلَاحُ وَ ذَلِكَ إِنَّمَا يُفْتَحُ لِلدَّمِ يَفْتَحُهُ صَاحِبُ السَّيْفِ لِلْقَتْلِ. فَقَالَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْغُورٍ: أَصِلِحَكَ اللَّهُ أَيْعْرِفُ هَذَا بِنُو الْحَسَنِ؟ فَقَالَ: إِي وَ اللَّهُ كَمَا يَعْرِفُونَ اللَّيْلَ أَنَّهُ لَيْلٌ وَ النَّهَارَ أَنَّهُ نَهَارٌ وَ لَكِنَّهُمْ يَحْمِلُهُمُ الْحَسِدُ وَ طَلَبُ الدُّنْيَا عَلَى الْجُحُودِ وَ الْإِنْكَارِ وَ لَوْ طَلَبُوا الْحَقَّ بِالْحَقِّ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ؛ (۱)

حسین بن ابی العلاء گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: همانا جفر سفید نزد من است. عرض کردم: در آن چیست؟ فرمود: زبور داود، تورات موسی، انجیل عیسی، صحف ابراهیم و حلال و حرام و مصحف فاطمه و معتقد نیستیم که در مصحف چیزی از قرآن باشد؛ در آن است آنچه مردم به ما احتیاج دارند و ما به کسی احتیاج نداریم، حتی مجازات یک تازیانه و نصف تازیانه و یک چهارم تازیانه و جریمه خراش در آن هست. و جفر سرخ هم نزد من است. عرض کردم: در جفر سرخ چیست؟ فرمود: اسلحه است و آن تنها برای خونخواهی گشوده می شود و صاحب شمشیر (امام قائم عج) آن را برای کشتن باز می کند. ابن ابی یغفور به حضرتش عرض کرد: اصلحک الله. پسران حسن او را می شناسند؟ فرمود:

آری، به خدا می شناسند؛ چنانکه روز و شب را می شناسند و تشخیص می دهند که این روز است و این شب، ولی حسد و دنیاطلبی ایشان را بر سرپیچی و انکار و امی دارد و اگر ایشان حق را از راه حق جویند، برایشان بهتر است.

۱۶-۶-۳. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ سَيِّدَانَ عَنْ رُفَيْدِ بْنِ مَوْلَى أَبِي هُبَيْرَةَ عَنْ أَبِي عَدِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِي: يَا رُفَيْدُ! كَيْفَ أَنْتَ إِذَا رَأَيْتَ أَصْحَابَ الْقَائِمِ قَدْ ضَرَبُوا فَسَاطِيطَهُمْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ ثُمَّ أَخْرَجَ الْمِثَالَ الْجَدِيدَ عَلَى الْعَرَبِ الشَّدِيدِ قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا هُوَ؟ قَالَ: الدَّبْحُ. قَالَ: قُلْتُ: بِأَيِّ شَيْءٍ يَسِيرُ فِيهِمْ بِمَا سَارَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فِي أَهْلِ السَّوَادِ؟ قَالَ: لَا يَا رُفَيْدُ! إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ سَارَ بِمَا فِي الْجَفْرِ الْأَبْيَضِ وَهُوَ الْكُفُّ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ سَيَظْهَرُ عَلَى شِيعَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ الْقَائِمَ يَسِيرُ بِمَا فِي الْجَفْرِ الْأَخْمَرِ وَهُوَ الدَّبْحُ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَظْهَرُ عَلَى شِيعَتِهِ؛(۱)

رفید گوید که امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای رفید! چگونه هستی وقتی اصحاب قائم (عج) را مشاهده کنی که خیمه های خود را در مسجد کوفه برپا می دارند، سپس قائم (عج) برنامه ای جدید را که برای اعراب شدید است، ارائه می دهد. رفید گفت: پرسیدم: فدایت شوم، آن برنامه چیست؟ حضرت فرمود: کشتن، گفتم به چه روشی عمل خواهد کرد در مورد آنان، آیا همچون سیره علی در مورد مردم سواد عمل خواهد کرد؟ فرمود: خیر ای رفید! همانا علی بن ابی طالب با جفر ابیض که همان گذشت و کف از دشمن است، عمل می کرد، زیرا او می دانست که در آینده نزدیکی شیعیانش مغلوب دشمنان می شوند؛ اما قائم (عج) مطابق با جفر

۱- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل صلی الله علیه و آله، ص ۱۵۵، ب ۱۴، ۱۳.

احمر که همان کشتن است، عمل می کند، زیرا او می داند که شیعیانش شکست نخواهند خورد.

بررسی روایت

در سند رفید وجود دارد که شرح وی در حدیث پیشین گذشت. همچنین ابن سنان نیز مشترک (۱) بین محمد و عبدالله است که محمد بن سنان در رجال نجاشی تضعیف شده است. (۲)

۱۷-۶-۳. عَنْ سَيِّدِ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَاناً- فَلَا يُشِيرُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً» (۳) قَالَ: هُوَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُتِلَ مَظْلُوماً وَنَحْنُ أَوْلِيَاؤُهُ، وَالْقَائِمُ مِمَّا إِذَا قَامَ مِنَّا طَلَبَ بِنَارِ الْحُسَيْنِ، فَيُقْتَلُ حَتَّى يُقَالَ: قَدْ أَسْرَفَ فِي الْقَتْلِ، وَقَالَ: . . . الْمَقْتُولُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَلِيُّهُ الْقَائِمُ، وَالْإِسْرَافُ فِي الْقَتْلِ - أَنْ يَقْتُلَ غَيْرَ قَاتِلِهِ؛ (۴)

از سلام بن مستنیر از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه بالا روایت است که فرمودند: همانا مقتول مظلوم حسین است و ما اولیاء وی هستیم و قائم (عج) که از ماست هنگامی که قیام کند خونخواهی حسین علیه السلام را خواهد نمود، پس چنان می کشد که گفته می شود در قتل و کشتار اسراف کرده است. . . همچنین فرمود: مقتول حسین است و ولی (خونخواه) وی قائم (عج) است و مراد از اسراف در قتل آن است که کسی غیر از قاتل او را می کشد.

۱- مشترک: حدیثی که یکی از رجال سند آن بین ثقه و غیر ثقه مشترک باشد. (کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص ۷۶).

۲- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۲۸.

۳- اسراء (۱۷)، ۳۳.

۴- عیاشی سلمی سمرقندی، محمد بن مسعود بن عیاش، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰، ح ۶۷.

راوی این حدیث سلام بن مستنیر می باشد که وی فردی است که در کتاب های رجالی توصیف و توثیق وی نیامده است، بنابراین به این حدیث نمی توان اعتماد کرد.

۱۸-۶-۳. وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ قُتَيْبَةَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَدَّافٍ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَرِيكَ فِي حَدِيثٍ لَهُ اخْتَصَرْنَاهُ قَالَ: مَرَّ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى حَلْقِهِ مِنْ بَنِي أُمِّيَّةَ وَ هُمْ جُلُوسٌ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ: أَمَا وَاللَّهِ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ مِنِّي رَجُلًا يَقْتُلُ مِنْكُمْ أَلْفًا وَ مَعَ الْأَلْفِ أَلْفًا وَ مَعَ الْأَلْفِ أَلْفًا. فَقُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ إِنْ هَؤُلَاءِ أَوْلَادُ كَذَا وَ كَذَا لَا يَبْلُغُونَ هَذَا فَقَالَ: وَيَحْكُكَ إِنْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يَكُونُ لِلرَّجُلِ مِنْ صُلْبِهِ كَذَا وَ كَذَا رَجُلًا وَ إِنْ مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؛ (۱)

عبدالله بن شریک گوید: امام حسین علیه السلام از کنار گروهی از بنی امیه که در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودند، گذشت، سپس فرمود: به خدا سوگند دنیا به پایان نمی رسد تا اینکه خداوند مردی که از من است را بر می انگیزد و از شما هزار و همراه هزار، هزار نفر و همچنین همراه هزار نفر، هزار نفر را می کشد، سپس گفتم: فدایت شوم همانا اینان فرزندان چنین و چنان به این تعداد نمی رسند، پس امام علیه السلام فرمود: وای بر تو، در آن زمان مرد از صلب وی چنین و چنان مرد است و همانا هم پیمان و هم عقیده هر قوم جزء آنان محسوب می شود.

در سند روایت عقبه بن یونس و عبیدالله بن شریک هر دو مجهول هستند و نامی از ایشان در کتاب های رجالی نیست.

۱۹-۶-۳. عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنِ الْأَحْوَلِ عَنِ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنَبِيرِ قَالَ: سَمِعْتُ أبا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُحَدِّثُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى كُلِّ نَاصِبٍ فَإِنْ دَخَلَ فِيهِ بِحَقِيقَتِهِ وَإِلَّا ضَرَبَ عُنُقَهُ أَوْ يُؤَدِّي الْجِزْيَةَ كَمَا يُؤَدِّيهَا الْيَوْمَ أَهْلُ الذَّمِّ وَ يَشُدُّ عَلَى وَسَطِهِ الْهَمِيَانَ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الْأَمْصَارِ إِلَى السَّوَادِ؛ (۱)

سلام بن مستنیر گوید: شنیدم از امام باقر علیه السلام که می فرمود: هنگامی که حضرت قائم (عج) ظهور کند، ایمان را بر هر شخص ناصبی عرضه کنند. پس اگر از روی حقیقت ایمان آورد که هیچ، و گر نه گردنش را می زنند یا باید جزیه پردازد چنانچه امروزه اهل ذمه (کافرانی که بر اساس شرایطی در پناه اسلام زندگی می کنند) آن را می پردازند، و همیانی به کمرشان می بندند و آنها را از شهرها بیرون کرده به روستاها می فرستند.

این روایت از سلام بن مستنیر نقل شده است و همانطور که پیش از این اشاره شد وی فردی مجهول است؛ بنابراین، این روایت ضعیف است و نمی توان به آن اعتماد کرد.

۲۰-۶-۳. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَالِكِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ سُوْرَةَ بْنِ كَلِيبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ سَقَطَتِ التَّقِيَةُ وَجَرَّدَ السَّيْفُ،

وَلَمْ يَأْخُذْ مِنَ النَّاسِ وَلَمْ يُعْطِهِمُ إِلَّا بِالسَّيْفِ؛ (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم (عج) قیام کند، تقیه باطل می شود و قائم (عج) شمشیرش را برهنه می کند و از مردم جز شمشیر نمی گیرد و به آنها جز شمشیر نمی دهد.

بررسی روایت

در سند روایت حسین بن احمد مالکی وجود دارد که وی فردی مجهول است و از مذهب وی اطلاعی در دست نیست.

پاسخی دیگر در نقد دیدگاه افراطی

اشاره

در پاسخ به وهابی ها و پیروان مکتب سقیفه که این روایات ضعیف را مستمسک قرار می دهند تا مردم را نسبت به حضرت مهدی (عج) بدبین نمایند، باید گفت چرا خود سری به پرونده خلفای سه گانه نمی زنند؟

حضرت مهدی (عج) برای اجرای عدالت، دنیا طلبان و زورمدارانی که تسلیم حق نمی شوند را از سر راه اسلام و مسلمانان برخواهد داشت؛ اما خلفای سه گانه برای رسیدن به چه هدفی مردم را قتل عام می کردند؟

در تاریخ ۲۵ ساله حکومت خلفای سه گانه، کشتارهایی در کشورهای همسایه انجام شده است که در طول تاریخ بشریت سابقه نداشته است. اکنون به چند نمونه از این کشتارها اشاره می کنیم:

الف) جنگ ذات العیون (سال دوازده ه.ق، زمان خلیفه اول ابوبکر)

۱. خالد بن ولید، همان کسی که اهل سنت از او با عنوان «سیف الله» یاد می کنند و دست راست خلیفه اول به شمار می آمد، در نبرد فتح الانبار، به

۱- ابن جحام، محمد بن عباس بزاز، تأویل ما نزل من القرآن الکریم فی النبی وآله، ص ۲۸۸، ح ۳۰۱.

تیر اندازان خود دستور داد که چشمان مردم را هدف بگیرند. آنان نیز در آن روز هزار نفر را کور کردند؛ تا آنجا که این جنگ به «ذات العیون» معروف گشت.

فَدِمَ خَالِدٌ عَلَى الْمُقَدَّمِ، فَطَافَ بِالْخَنْدَقِ وَأَنْشَبَ الْقِتَالَ، وَكَانَ قَلِيلَ الصَّبْرِ عِنْدَهُ إِذَا رَأَهُ أَوْ سَمِعَ بِهِ، وَتَقَدَّمَ إِلَى رُمَاتِهِ فَأَوْصَاهُمْ، وَقَالَ: إِنِّي أَرَى أَقْوَامًا لَا عِلْمَ لَهُمْ بِالْحَرْبِ، فَارْمُوا عُيُونَهُمْ وَلَا تَوَخُّوا غَيْرَهَا، فَرَمَوْا رَشْقًا وَاحِدًا ثُمَّ تَابَعُوا فَفَقِيَ أَلْفَ عَيْنٍ يَوْمَئِذٍ، فَسُمِّيَتْ تِلْكَ الْوَقْعَةُ ذَاتَ الْعُيُونِ، وَتَصَايَحُ الْقَوْمُ: ذَهَبَتْ عُيُونُ أَهْلِ الْأَنْبَارِ؛ (۱)

خالد، پیشاپیش لشکر آمد. اطراف خندق می چرخید و آتش جنگ را شعله ور می کرد. او هر وقت جنگی را می دید و یا می شنید، بسیار کم طاقت می شد، پیش تیراندازان رفت و به آن ها این چنین سفارش کرد: من می بینم که این مردم جنگیدن نمی دانند؛ پس چشمان آن ها را هدف تیر قرار دهید و جای دیگر هدر ندهید؛ سپس خودش یک تیر رها کرد و تیراندازان به دنبال او هزار چشم را در این روز هدف قرار دادند؛ از این رو، این روز به «ذات العیون» نام گرفت، مردم فریاد می زدند که چشمان مردم انبار کور شد.

۲. ابن اثیر در الکامل فی التاریخ می نویسد:

ذِكْرُ فَتْحِ الْأَنْبَارِ: ثُمَّ سَارَ خَالِدٌ عَلَى تَعْبِيَّتِهِ إِلَى الْأَنْبَارِ، وَأَنْمَا سَمِيَ الْأَنْبَارُ لِأَنَّ أَهْرَاءَ الطَّعَامِ كَانَتْ بِهَا أَنْبِيرٌ، وَعَلَى مَقْدَمَتِهِ الْأَفْرَعُ بِنِ حَابِسٍ. فَلَمَّا بَلَغَهَا أَطَافَ بِهَا، وَأَنْشَبَ الْقِتَالَ، وَكَانَ قَلِيلَ الصَّبْرِ عَنْهُ وَتَقَدَّمَ إِلَى رُمَاتِهِ أَنْ يَقْضُوا عُيُونَهُمْ فَرَمَوْا رَشْقًا وَاحِدًا،

۱- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسل والملوک (تاریخ الطبری)، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۲۳.

ثم تابعوا فأصابوا ألف عين، فسُميت تلك الواقعة ذات العيون؛ (۱)

وقتی که شهر انبار فتح شد، خالد مأمور سر و سامان دادن به آن شهر شد (این شهر به آن دلیل انبار نامیده می شد که محل ذخیره مواد غذایی بود). پیشاپیش لشکریان وی شخصی به نام اقرع بن جابس بود که به محض رسیدن به شهر، اطراف آن را محاصره کرد و آتش جنگ را شعله ور ساخت. او مردی کم صبر بود، تیر اندازان را جلوی لشکر گذاشت و دستور داد تا چشم های مردم را هدف بگیرند و خود او نیز اولین تیر را رها کرد و لشکریان به دنبال او، چشم های مردم را هدف قرار دادند که به هزار چشم برخورد کرد؛ از این رو، این نبرد «ذات العيون» نام گرفت.

۳. شهاب الدین نویری در نهاییه الأرب فی فنون الأدب می نویسد:

ذكر فتح الأنبار: قال: ثم سار خالد إلى الأنبار، وإنما سميت الأنبار، لأن أهراء الطعام كانت بها أنابيب، وكان على من بها من الجند شيرزاد صاحب سباط، فلما التقوا أمر خالد رامته برشق السهام، وأن يقصدوا عيونهم، فرشقوا رشقاً واحداً، ثم تابعوا، فأصابوا ألف عين، فسُميت هذه الواقعة ذات العيون؛ (۲)

داستان فتح الأنبار: سپس خالد به سوی الأنبار حرکت کرد، این شهر از آن رو انبار نامیده شده که محل نگهداری مواد غذایی بوده است، نگهبانان این شهر از لشکر شیرزاد صاحب سباط بوده است.

۱- جزری، عزالدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، تحقیق عبد الله القاضی، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۴۵.

۲- نویری، شهاب الدین أحمد بن عبد الوهاب، نهاییه الأرب فی فنون الأدب، تحقیق مفید قمحیه وجماعه، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق، ج ۱۹، ص ۷۰.

هنگامی که با خالد روبه رو شدند، خالد دستور داد که آن‌ها به سوی آنان تیراندازی کنند و چشمان آن‌ها را هدف بگیرند، نخست خودش تیری پرتاب کرد و لشکریان نیز از او پیروی کردند؛ پس تیرهای آنان به هزار چشم برخورد کرد، به همین دلیل، این نبرد را «ذات العیون» نامیده اند.

۴. ابن کثیر در البدایه و النهایه می گوید:

فتح خالد للأنبار، وتسمى هذه الغزوات ذات العیون ركب خالد فی جیوشه فسار حتی انتهى إلى الأنبار وعلیها رجل من أعقل الفرس وأسودهم فی أنفسهم، یقال له شیرزاد، فأحاط بها خالد وعلیها خندق وحوله أعراب من قومهم علی دینهم، واجتمع معهم أهل أرضهم، فمانعوا خالداً أن یصل إلى الخندق فضرب معهم رأساً، ولما تواجه الفریقان أمر خالد أصحابه فرشقوهم بالنبال حتی فقاؤا منهم ألف عین، فتصایح الناس، ذهب عیون أهل الأنبار، وسمیت هذه الغزوه ذات العیون؛(۱)

خالد، شهر انبار را فتح کرد و این جنگ‌ها «ذات العیون» نامیده شد. خالد سوار بر مرکب خود به انتهای شهر رفت و مردی از عاقل‌های فارس به نام «شیرزاد» همراه او بود. خالد شهر را محاصره کرد؛ ولی مردم در اطراف شهر خندق ایجاد کرده بودند. عده‌ای از مردان عرب زبان، اطراف خندق جمع شده بودند که به همراه صاحبان زمین‌ها مانع از نفوذ لشکر به داخل شهر شدند. خالد دستور داد سر یک نفر از آنان را جدا کنند. سپس فرمان داد که با تیر مردم را هدف قرار دهند تا این که چشم هزاران نفر از آنان

۱- ابن کثیر الدمشقی، إسماعیل بن عمر ابوالفداء القرشی، البدایه والنهایه، بیروت، مکتبه المعارف، بی تا، ج ۶، ص ۳۴۹.

کور شود. فریاد و ناله مردم سراسر آن جا را فرا گرفت که چشم های مردمان کور شد. بنابراین، این جنگ را «ذات العیون» نامیدند.

تذکر

اکنون جا دارد که از برادران اهل سنت پرسیم: خداوند در کجای قرآن گفته است که اگر کسی اسلام را قبول نکرد، چشمانش را کور کنید؟! آیا چنین کارهایی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله سابقه داشت یا از بدعت های خلیفه دوم بوده است؟

(ب) کشتار هفتاد هزار نفر برای یک قسم (سال دوازده ه.ق، زمان خلیفه اول ابوبکر)

ابن اثیر جزیری این مطلب را نقل کرده که خالد قسم خورد اگر به مشرکین دست پیدا کند، جوی خون راه بیندازد، به این ترتیب فقط برای یک قسم هفتاد هزار نفر را کشت:

واقتتلوا قتالا شديدا والمشركون يزيدهم كلبا وثبوتا توقعهم قدوم بهممن جاذويه فصابروا المسلمين فقال خالد: اللهم إن هزمتهم فعلى أن لا أستبقى منهم من أقدر عليه حتى أجزى من دمائهم نهرهم فانهمزمت فارس فنأدى منادى خالد الأسراء الأسراء إلا من امتنع فاقتلوه فأقبل بهم المسلمون أسراء ووكل بهم من يضرب أعناقهم يوما وليله. فقال له القعقاع وغيره لو قتلت أهل الأرض لم تجر دماؤهم فأرسل عليها الماء تبر يمينك ففعل وسمى نهر الدم... وبلغ عدد القتلى سبعين ألفاً؛(۱)

۱- جزیری، عزالدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۴۲.

جنگ شدیدی در گرفت، مشرکین ایستادگی و پایداری می کردند و منتظر آمدن بهمن جاذویه بودند، مسلمانان نیز مقاومت کردند؛ پس خالد گفت: خدایا اگر آن ها را شکست دادم، سوگند یاد می کنم هیچ یک از کسانی را که به آن ها دست یافتم باقی نگذارم؛ مگر اینکه رود خون به راه بیندازم. اهالی فارس شکست خوردند، شخصی از مأموران خالد فریاد می زد: اسراء را بگیرید و هر کس مقاومت کرد، بکشید؛ پس مسلمانان آن ها را اسیر کردند و افرادی را مأمور کردند که شبانه روز گردن آن ها را بزنند. قعقاع و دیگران به خالد گفتند: اگر تمام مردم روی زمین را نیز بکشی، جوی خون راه نخواهد افتاد، آب را بر خون ها جاری کنید، تا از دست سوگندی که یاد کرده اید، آزاد شوید؛ خالد همین کار را کرد و نام آن رود را «رود خون» گذاشت. در این روز تعداد کشته شدگان به هفتاد هزار نفر می رسید.

(پ) کشتار سی هزار نفر در یک روز (سال ۱۲ هجری قمری، زمان خلیفه اول ابوبکر)

ذکر وقعه الثنی: لما وصل کتاب هرمز الی أردشیر بنخبر خالد آمده بقارن بن قریانس فخرج قارن من المدائن ممد الهرمز فلما انتهى الی المذار لقیته المنهزمون فاجتمعوا ورجعوا ومعهم قباذ وأنوشجان ونزلوا الثنی وهو النهر وسار إلیهم خالد فلقیهم واقتتلوا فبرز قارن فقتله معقل بن الأعشی بن النباش وقتل عاصم أنوشجان وقتل عدی بن حاتم قباذ وکان شرف قارن قد انتهى ولم یقاتل المسلمون بعده أحدا انتهى شرفه فی الأعاجم وقتل من الفرس مقتله عظیمه یبلغون ثلاثین ألفا سوی من غرق ومنعت المیاه المسلمین من

طلبهم؛ (۱)

جنگ ثنی: وقتی نامه هرمز به اردشیر رسید و خبر خالد را برای او آورد، به قارن بن قریانس دستور داد که از مدائن به کمک هرمز برود. وقتی که به مذار رسید، شکست خوردگان به او رسیدند و همگی با هم جمع شدند و دوباره بازگشتند و در میان آنان قباد و انوشجان نیز بودند و در ثنی منزل گزیدند که نام نهری بود. خالد به سمت آنان رفت و جنگ کردند. قارن به جنگ آمد اما معقل بن اعشی بن نباش او را کشت؛ عاصم نیز انوشجان را کشت و عدی بن حاتم قباد را. و از ایرانیان گروه بسیاری کشته شدند که به سی هزار نفر می رسیدند! جدا از کسانی که در رود غرق شدند و آب مانع آن شد که مسلمانان بقیه ایرانیان را بگیرند!

(ت) کشتار یک صد هزار نفر را در یک روز (سال سیزده ه.ق، زمان خلیفه دوم عمر)

ابن اثیر درباره جنگ های خلیفه دوم با ایرانیان می نویسد:

فما كانت بين المسلمين والفرس وقعه أبقى رمة منها بقیت عظام القتلی دهرا طویلا وکانوا یحزرون القتلی مائه ألف؛ (۲)

هیچ جنگی بین مسلمانان و ایرانیان نبود که پس از آن جنازه ها مانند این جنگ بر جای بماند؛ استخوان کشته ها مدتی طولانی باقی ماند و کشته ها را یکصد هزار نفر می دانستند!

(د) کشتار چهل هزار نفر، در یک روز (سال ۱۴، زمان خلیفه دوم عمر)

۱. طبری در تاریخ خود می نویسد:

فأما المقترنون فإنهم جشعوا فتهافتوا فی العتیق فوخزهم المسلمون

۱- جزری، عزالدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۴۰.

۲- جزری، عزالدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۹۰.

برماحهم فما أفلت منهم مخبر وهم ثلاثون ألفا وأخذ ضرار بن الخطاب درفش کابیان... وقتلوا فی المعرکه عشره آلاف سوی من قتلوا فی الأيام قبله؛^(۱)

اما لشکر احتیاط، آنها فرار کرده و به صورت نامنظم در بیابان به راه افتادند؛ مسلمانان آنان را تیرباران کردند؛ به صورتی که حتی یک نفر از آنان زنده نماند و آنان سی هزار نفر بودند! پس از این ضرار بن خطاب پرچم کاویان را برداشت... و در جنگ ده هزار نفر کشته شد؛ جدا از کسانی که در روزهای بعد کشته شدند!

۲. ابن خلدون در مقدمه خود می نویسد:

فانهزم قلب المشرکین وقام الجالئوس علی الردم ونادی الفرس إلی العبور وتهافت المقترنون بالسلاسل فی العتیق وکانوا ثلاثین فهلکوا وأخذ ضرار بن الخطاب رایه الفرس العظیمه وهی درفش کابیان فعوض منها ثلاثین ألفا وکانت قیمتها ألف ألف ومائه ألف ألف وقتل ذلك الیوم من الأعاجم عشره آلاف فی المعرکه وقتل من المشرکین فی ذلك الیوم سته آلاف دفنوا بالخذق سوی ألفین وخمسائه قتلوا لیله الهیریر وجمع من الأسلاب والأموال ما لم یجمع قبله ولا بعده مثله؛^(۲)

قلب مشرکان شکست خورد، جالئوس بر بالای دیوار خرابه ای ایستاد و فریاد زد که فارس ها عبور کنند. لشکر احتیاط به صورت منظم و زنجیروار در بیابان به راه افتادند، آنان در آن روز سی هزار

۱- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسول والملوک (تاریخ الطبری)، ج ۲، ص ۲۴۲.

۲- ابن خلدون الحضرمی، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، چاپ پنجم، بیروت، دارالقلم، ۱۹۸۴م، ج ۲، ص ۵۳۵.

نفر بودند؛ پس همگی هلاک شدند. ضرار بن خطاب پرچم فارس ها را که پرچم بزرگ کابیان بود، برداشت... در این روز ده هزار نفر از فارس ها در میدان جنگ کشته شدند. شش هزار نفر از مشرکانی که این روز کشته شده بودند را داخل گودالی دفن کردند؛ غیر از دوهزار و پانصد نفری که در شب هریر کشته شده بودند. مال و اموال غارت شده در این جنگ به اندازه ای جمع شده بود که نه پیش از آن سابقه داشت و نه پس از آن جمع شد.

(ذ) جنگ برای آب و غذا و غنیمت (سال چهارده ه.ق، زمان خلیفه دوم عمر)

شمس الدین ذهبی در سیر اعلام النبلاء می نویسد:

لما كان يوم القادسية ذهب المغيرة بن شعبه في عشرة إلى صاحب فارس فقال: إنا قوم مجوس وإنا نكره قتلکم لأنکم تنجسون علينا أرضنا. فقال: إنا كنا نعبد الحجاره حتى بعث الله إلینا رسولا فاتبعناه ولم نجىء لطعام بل أمرنا بقتال عدونا فجئنا لنقتل مقاتلتکم ونسبی ذراریکم وأما ما ذكرت من الطعام فما نجد ما نشبع منه فجئنا فوجدنا فی أرضکم طعاما كثيرا وماء فلا نبرح حتى یكون لنا ولکم فقال العلیج: صدق. قال وأنت تفقأ عینک غدا ففقت عینه بسهم؛(۱)

زمانی که روز جنگ قادسیه شد مغیره بن شعبه (فرمانده مسلمانان) به سوی فرمانده سپاه فارس رفت، فرمانده سپاه فارس به او گفت: ما قومی مجوس هستیم و دوست نداریم با شما بجنگیم، شما سرزمین ما را (با آمدنتان) نجس کرده اید. مغیره به او گفت: ما قومی بودیم که سنگ می پرستیدیم تا اینکه خداوند برای ما پیامبرش را فرستاد و ما از ایشان پیروی کردیم و آیین آن پیامبر را پذیرفتیم، و برای غذا هم به سرزمین شما نیامدیم؛ بلکه به ما دستور

۱- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۲.

داده شده بود که با دشمنان بجنگیم؛ پس به هدف جنگ با شما و اسیر کردن فرزندانان به این دیار آمدیم؛ اما آنچه در مورد غذا گفتم: ما (در سرزمین خودمان) چیزی نیافتیم که سیرمان کند، وقتی به سرزمین شما آمدیم در این سرزمین آب و غذای فراوانی پیدا کردیم؛ بنابراین از این جا نمی رویم تا اینکه این مواد غذایی بین ما و شما تقسیم شود. علج گفت: راست می گوید.

(و فتح همدان و کشته های بی شمار (سال ۵۲۷ه.ق، زمان خلیفه سوم عثمان)

طبری در تاریخ خود می نویسد:

وحدثني ربيعة بن عثمان أن فتح همدان كان في جمادى الأولى على رأس سته أشهر من مقتل عمر بن الخطاب وكان أميرها المغيرة بن شعبه قال: ويقال كان فتح الري قبل وفاه عمر بستين ويقال قتل عمر وجيوشه عليها (رجع الحديث إلى حديث سيف) قال فبينما نعيم في مدينة همدان في توطئتها في اثني عشر ألفاً من الجند تكاتب الديلم وأهل الري وأهل أذربيجان ثم خرج موتا في الديلم حتى ينزل بواج روذ وأقبل الزينبي أبو الفرخان في أهل الري حتى انضم إليه وأقبل إسفندياذ أخو رستم في أهل أذربيجان حتى انضم إليه وتحصن أمراء مسالح دستبي وبعثوا إلى نعيم بالخبر فاستخلف يزيد بن قيس وخرج إليهم في الناس حتى نزل عليهم بواج الروذ فاقتلوا بها قتالا شديدا وكانت وقعه عظيمة تعدل نهاوند ولم تكن دونها وقتل من القوم مقتله عظيمة لا يحصون ولا تقصر ملحماتهم من الملاحم الكبار؛(۱)

۱- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسول والملوک (تاریخ الطبری)، ج ۲، ص ۵۳۶.

ربیعہ بن عثمان برایم نقل کرد که جنگ همدان در جمادی الأولى و شش ماه گذشته از کشته شدن عمر، اتفاق افتاد. فرمانده این جنگ مغیره بن شعبه بود. برخی گفته اند که فتح ری، دو سال پیش از کشته شدن عمر بوده و زمانی که عمر کشته شده، نیروهایش در آن جا ساکن بوده اند. سیف گفته است وقتی ما در همدان بودیم، مقدمه لشکر ایران دوازده هزار نفر بودند که به اهل دیلم و ری و آذربایجان نامه نوشتند، سپس همگی آماده برای جنگ به دیلم آمدند تا به و اجروود رسیدند. زینبی با اهل ری و اسفندیار برادر رستم نیز با اهل آذربایجان به کمک او آمدند. امرای لشکر عمر در قلعه گرد آمده، به نعیم خبر فرستادند. او یزید بن قیس را جانشین خود کرد و خود به سمت ایرانیان به راه افتاد تا به و اجروود رسید و در آن جا جنگ شدیدی کردند که مانند جنگ نهاوند بود. از ایرانیان گروهی بسیاری که قابل شمارش نبود، کشته شد و جنگ با آنان از جنگهای بزرگ چیزی کم نداشت!

(ه) پول بدهید، از شهرتان خارج می شویم (سال ۵۲۷. ق، زمان خلیفه سوم عثمان)

عبد الرحمن قرشی می نویسد:

وهرب جیش جرجیر فبث عبد الله بن سعد السرايا و فرقتها فأصابوا غنائم كثيرة فلما رأى ذلك رؤساء أهل أفریقیه طلبوا إلى عبد الله بن سعد أن يأخذ منهم مالا على أن يخرج من بلادهم فقبل منهم ذلك ورجع إلى مصر ولم يول عليهم أحدا ولم يتخذ بها قیروانا؛(۱)

لشکریان جرجیر فرار کردند. عبدالله بن سعد لشکریان او را شکست

۱- قرشی المصری، ابو القاسم عبد الرحمن بن عبد الله عبدالحکم بن أعین، فتوح مصر وأخبارها، تحقیق محمد الحجیری، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۱۲.

داد و آنها را متفرق نمود. آنان به غنائم زیادی دست پیدا نمودند، رؤسای اهل آفریقا وقتی با چنین صحنه ای روبه رو شدند، از عبدالله بن سعد درخواست کردند که در مقابل دریافت مالی از آنها از سرزمین آنها خارج شود، عبدالله این پیشنهاد را پذیرفت و (پس از گرفتن پول) به مصر بازگشت و هیچ کسی را به عنوان خلیفه برای آنها مشخص نکرد و از ایشان سوارکار (برای جنگ) نگرفت.

(ی) جنگ گرگان، همه را کشتند، جز یک نفر (سال سی ه.ق، زمان خلیفه سوم عثمان)

در این جنگ هم جنایت بزرگی اتفاق افتاد. غیر مسلمانان، از فرمانده به ظاهر مسلمان درخواست کردند که ما درهای شهر را بر روی شما می گشاییم، به شرطی که حتی یک نفر از ما کشته نشود؛ اما لشکریان خلیفه همه را جز یک نفر کشتند و گفتند ما گفته بودیم که یک نفر از شما را نمی کشیم.

محمد بن جریر طبری در تاریخ خود می نویسد:

فأتی جرجان فصالحوه علی مائتی ألف ثم أتی طمیسه وهی کلها من طبرستان متاخمه جرجان وهی مدینه علی ساحل البحر فقاتله أهلها فصلی صلاه الخوف أعلمه حدیفه کیفیتها وهم یقتلون وضرب سعید یومئذ رجلا بالسیف علی جبل عاتقه فخرج السیف من تحت مرفقه وحاصرهم فسألوا الأمان فأعطاهم علی أن لا یقتل منهم رجلا واحدا ففتحوا الحصن فقتلوا أجمعین إلا رجلا واحدا ففتحوا الحصن وحوی ما فی الحصن؛(۱)

۱- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسول والملوک (تاریخ الطبری)، ج ۲، ص ۳۲۳.

به گرگان وارد شدند و با گرفتن دویست هزار دینار با آنان مصالحه کردند. سپس به اطراف طمیس که شهری در کنار ساحل دریا و بعد از گرگان واقع و جزو مازندران بود، رفتند. با مردم آن جا جنگ کردند. نماز خوف که حذیفه که کیفیت خواندن آن را می دانست، خوانده شد و با آنان نیز به مقابله برخاستند و سعید با شمشیر بر سر مردم کوبید که از زیر بغل او درآمد و آنان را محاصره کردند. آنان درخواست امان کردند، به آنان این امان داده شد تا کسی از آنان را نکشند و لذا قلعه را باز کردند؛ ولی آنان همه را کشتند به جز یک مرد. سپس در قلعه را گشودند و آن چه که در قلعه بود غارت کردند.

۴. یک شبهه و پاسخ به آن

برخی ادعا کرده اند امام زمان ساخته امامیه با امام زمان راستین متفاوت است به طوریکه مهدی راستین، یاران پیامبر را گرامی می دارد، ایشان دعای خیر می کند و امهات المؤمنین را نیز دوست دارد و از آنها به نیکی یاد می کند؛ اما امام زمان ساخته روحانیت امامیه نه اینکه بر یاران رسول بغض می ورزند بلکه پیکرهای آنها را از قبرهایشان بیرون می آورد، آتش می زند. او حتی امهات المؤمنین را قصاص می کند و عایشه را حد می زند. این شبهه افکن مقصود خود از یاران رسول را شرح می دهد و می گوید: دو یار و خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله یعنی ابوبکر و عمر را از قبرهایشان بیرون می آورد و از همه ستم هایی که در دنیا، پیش و پس از آن ها رخ داده است، از ابوبکر و عمر انتقام می گیرد؛ از انتقام قتل هابیل و قابیل گرفته تا گناه برادران یوسف که او را به چاه انداختند و ظلم نمود که ابراهیم علیه السلام را به آتش انداخت و حتی انتقام گناه آتش پرستان را نیز از آن دو می گیرد.

ادعای این شبهه افکنان بر دو بخش است:

۱. امام زمان شیعه از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله انتقام می گیرد و پیکرهای آنها را آتش می زند.

۲. بر عایشه ام المؤمنین تازیانه می زند.

۱. ابتدا به بررسی بخش اول یعنی انتقام گرفتن و آتش زدن پیکر اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله می پردازیم. مستندات این ادعا چند روایت ضعیف و غیر قابل اعتماد است. همچنین روایات زیاد و متواتری که دلالت دارد حضرت مهدی به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می کند و خلق و خوی او همانند رسول اکرم صلی الله علیه و آله از رحمت و عطوفت نسبت به بندگان خدا سرشار است، با این روایت ضعیف تعارض و مخالفت کامل دارد که در این جا به بررسی و نقد این روایات می پردازیم تا حقیقت امر مشخص شود.

۱-۱. رُوِيَ فِي بَعْضِ مُؤَلَّفَاتِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ حَمْدَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ وَ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ عَنْ أَبِي شُعَيْبٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ نُصَيْرٍ عَنْ عَمْرِو (عمر) بن الْفَرَاتِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفَضَّلِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ (عن ابی عبدالله): . . . كُلَّ رَيْنٍ وَ خُبْثٍ وَ فَاحِشَةٍ وَ إِثْمٍ وَ ظُلْمٍ وَ جَوْرِ وَ غَشْمٍ مُنْذُ عَهْدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى وَقْتِ قِيَامِ قَائِمِنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ كُلُّ ذَلِكَ يُعِيدُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِمَا وَ يُلْزِمُهُمَا إِيَّاهُ فَيَعْتَرِفَانِ بِهِ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهِمَا فَيَقْتَصُّ مِنْهُمَا فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ بِمَظَالِمٍ مَنْ حَضَرَ ثُمَّ يَصِلُ بِهِمَا عَلَى الشَّجَرَةِ وَ يَأْمُرُ نَارًا تَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ فَتَحْرِقُهُمَا... لِيَقْتَصَّنَّ مِنْهُمَا لِجَمِيعِهِمْ حَتَّى إِنَّهُمَا لَيَقْتَلَانِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ أَلْفَ

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت مهدی پس از بیرون آوردن جنازه های ابوبکر و عمر از قبر و به دار آویختن آنها دستور می دهد آنها را با آتشی که از زمین بیرون می آید بسوزانند؛ سپس باد سیاهی می وزد و خاکستر آنها به دریا ریخته می شود و این کار در هرروز و هرشب هزار مرتبه تکرار می شود و نیز تمام گناهان خلاق از ابتدای عالم تا روز قیام مهدی به حساب ابوبکر و عمر می باشد و آنها باید عذاب همگی را تحمل کنند.

بررسی روایت

در سند روایت است که علامه مجلسی این روایت را از کتاب یکی از اصحاب نقل می کند که نام وی معلوم نیست. همچنین در سند روایت مفضل بن عمر وجود دارد که وی هم مدح شده و هم مورد طعن قرار گرفته است؛ شیخ مفید درباره وی گفته است: او از شیوخ اصحاب امام صادق علیه السلام و از ثقات فقهای صالح می باشد (۲)، ولی نجاشی درباره وی گفته است که او فردی فاسدالمذهب و مضطرب الروایه می باشد؛ (۳) اما بر اساس قاعده مورد قبول رجال در تعارض بین مدح و ذم، ذم مقدم است. اما در مورد دیگر راوی این روایت محمد بن نصیر شیخ طوسی در مورد وی آورده است: محمد بن نصیر مدعی رسالت و نبوت شد و به تناسخ و مدعی ربوبیت امام هادی علیه السلام قائل بود، و نکاح

۱- محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیه السلام، ج ۵۳، ص ۱۴، ب ۲۸.

۲- مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۲۱۶.

۳- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۴۱۶.

با محارم و همجنس بازی مردها را حلال می دانست. (۱) عمر بن فرات نیز فردی غالی است (۲)، حسین بن حمدان نیز فردی بسیار ضعیف و فاسدالمذهب می باشد (۳)، همچنین علی بن عبدالله حسنی فردی مجهول است، بنابراین در بی اعتباری این روایت و ضعف سندی آن هیچ شکی نیست و این روایت به هیچ وجه قابل قبول و اعتماد نیست.

۱-۲. وَ بِإِسْمِهِ نَادَاهُ إِلَى بَيْتِ التَّبَالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: هَلْ تَدْرِي أَوَّلَ مَا يَبْدَأُ بِهِ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ: يُخْرِجُ هَيْدِينَ رَطْبِينَ غَضَبِينَ فَيَحْرِقُهُمَا، وَيُذَرِيهِمَا فِي الرِّيحِ وَيَكْسِرُ الْمَسْجِدَ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله قَالَ: عَرِيشُ كَعْرِيشِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ذَكَرَ أَنْ مُقَدَّمِ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله كَانَ طِينًا وَ جَاتِبُهُ جَرِيدَ النَّخْلِ. (۴)

بررسی روایت

بشیر نبال که راوی این حدیث است توثیق نشده و علامه حلی درباره وی گفته است: من در روایت او متوقف هستم. (۵)

۱-۳. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الشَّيْبَانِيُّ (السناني) رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ الْأَدَمِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا فَقَالَ: ... الْقَائِمُ الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ

۱- طوسی، محمد بن حسن، غیبت طوسی، ص ۳۹۸.

۲- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۳۶۲.

۳- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۱۷.

۴- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليه السلام، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

۵- حسن بن یوسف، حلی، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۵.

حَيْلٌ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ وَيَمْلُؤُهَا عَيْدًا وَقَسِيطًا هُوَ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَادَتُهُ وَيَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ... خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ... فَإِذَا دَخَلَ الْمَدِينَةَ أَخْرَجَ اللَّاتَ وَالْعُزَّى فَاخْرَقَهُمَا؛ (۱)

عبدالعظیم حسنی به امام رضا علیه السلام می گوید: من امیدوارم تو همان قائم از اهل بیت محمد باشی که زمین را پس از اینکه پر از ظلم و جور شده است، از عدالت پر می کند. حضرت در جواب او فرمود: آن قائمی که زمین را از عدالت پر می کند، ولادت او مخفی است و سپس غایب می شود و ... هنگامی که ظاهر می شود... و وارد مدینه می گردد "لات" و "عزی" را می سوزاند. (روشن است که مراد از لات و عزی همان ابوبکر و عمر هستند)

نکته

دلیل بر اینکه همانا مراد از لات و عزی، ابوبکر و عمر هستند روایتی از بحار است که به بیان آن می پردازیم:

«عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ مِثْلَهُ بَيَانٌ يَعْنِي بِاللَّاتِ وَالْعُزَّى صَنَمَيْ قُرَيْشِ ابَا بَكْرٍ وَعُمَرَ». (۲)

بررسی روایت

در سند روایت محمد بن احمد سنانی وجود دارد که وی فردی مجهول است. همچنین محمد بن ابی عبدالله - که به نظر مرحوم آیت الله خویی همان محمد بن جعفر اسدی است - (۳) شخصی است که به گفته نجاشی از ضعف نقل

۱- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷-۳۷۸، ح ۲.

۲- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیه السلام، ج ۵۲، ص ۲۸۴.

۳- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۴، ص ۲۷۱.

کرده و به جبر و تشبیه قائل است. (۱)

۴-۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَائِدَادٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَلَالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمَّا أُشِيرَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَوْحَى إِلَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ... هَذَا الْقَائِمُ الَّذِي يُحَلِّلُ حَلَالِي وَ يُحَرِّمُ حَرَامِي وَ بِهِ أَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي... فَيُخْرِجُ اللَّاتَ وَ الْعُزَّى طَرَيْنِينَ فَيُخْرِقُهُمَا؛ (۲)

مفضل از امام صادق صلی الله علیه و آله از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است: هنگامی که به معراج برده شدم، خداوند به من مسائلی را وحی کرد... و از جمله اینکه: این قائم همان است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می کند و به دست او از دشمنان خود انتقام می گیرم... سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آنگاه "لات" و "عزی" را درحالی که تر و تازه هستند، خارج نموده و آنان را می سوزاند.

بررسی روایت

در سند روایت احمد بن هلال وجود دارد که شخصی غالی و متهم در دین شمرده می شود (۳)، همچنین علامه حلی (۴) و نجاشی درباره وی گفته اند: مذمت هایی درباره او از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است. (۵)

۱- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۷۳.

۲- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۲-۲۵۳، ح ۲.

۳- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۸۳.

۴- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۰۲.

۵- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۸۳.

۵-۱. وَ يَأْسِنَادِهِ (الغيبه سيد على بن عبد الحميد) عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... ثُمَّ يُخْرِجُهُمَا غَضَّيْنِ رَطْبَيْنِ فَيَلْعَنُهُمَا وَيَتَبَرَّأُ مِنْهُمَا وَيَصْلِبُهُمَا ثُمَّ يُنْزِلُهُمَا وَيُخْرِقُهُمَا ثُمَّ يُذْرِيهِمَا فِي الرِّيحِ؛ (۱)

اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند: ... سپس قائم (عج) آن دو نفر را در حالی که تر و تازه هستند، از قبر خارج می کند و مورد لعنت قرار می دهد و از آنان اظهار برائت می نماید و سپس آنان را به صلیب و دار می کشد و سپس پایین می آورد، می سوزاند و خاکستر آنان را در هوا پخش می کند.

بررسی روایت

این روایت را مرحوم مجلسی در بحار از کتاب غیبت سید علی بن عبد الحمید بدون ذکر سند از اسحاق بن عمار نقل می کند که اطلاعی از سند آن در دست نیست. در نتیجه این روایت مرسل است و نمی توان به آن اعتماد کرد.

۲. بخش دوم این شبهه درباره حد زدن بر عایشه به دست حضرت مهدی (عج) است. مستند این شبهه نیز یک روایت ضعیف است که به بیان و بررسی آن می پردازیم:

۲-۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مِاجِيلَوِيهِ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (البرقي) عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصَبِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا لَوْ قَامَ قَائِمُنَا لَقَدْتُ رُدَّتْ إِلَيْهِ الْحُمَيْرَاءُ حَتَّى يَجْلِدَهَا الْحَدَّ وَ حَتَّى يَنْتَقِمَ لِابْنِهِ مُحَمَّدٍ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْهَا. قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ لِمَ يَجْلِدُهَا الْحَدَّ

۱- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليه السلام، ج ۵۲، ص ۳۸۶، ح ۲۰۱.

؟ قَالَ لِفِرْيَتِهَا عَلَى أُمِّ إِبْرَاهِيمَ. قُلْتُ: فَكَيْفَ أَخَّرَهُ اللَّهُ لِلْقَائِمِ. فَقَالَ: لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَحْمَةً وَبَعَثَ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامَ نَقْمَهُ؛^(۱)

عبدالرحیم قصیر می گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: وقتی قائم ما قیام می کند، همانا حمیراء (یعنی عایشه) به او تحویل داده می شود تا حد بر او جاری شود و نیز انتقام فاطمه علیه السلام، دختر محمد صلی الله علیه و آله، از او گرفته شود. سپس می گوید: پرسیدم فدای شما کردم چرا حد بر عایشه جاری می شود؟ حضرت فرمود: برای اتهامی است که به ام ابراهیم [کنیزی به نام ماریه قبطیه که همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود] وارد کرد [و او را به زنا با مردی قبطی متهم نمود]. پرسیدم: چرا خداوند اجرای حد عایشه را تا زمان قائم (عج) تأخیر انداخت؟ حضرت در پاسخ فرمود: برای اینکه خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را برای رحمت جهانیان مبعوث کرد و قائم (عج) را برای نقتت یعنی انتقام و عذاب.

بررسی روایت

در سند روایت هست که ماجیلویه این روایت را از عمویش نقل کرده است. خود ماجیلویه فردی موثق است؛ اما عموی وی ناشناخته است، محمد بن سلیمان (بصری یا دیلمی) فردی متهم به غلو می باشد^(۲) و عبدالرحیم قصیر نیز توثیق نشده است. این روایت افزون بر ضعف سندی از نظر متنی نیز مخالف روایاتی است که حضرت مهدی (عج) را در خلق، ویژگی و سیره عملی همچون پیامبر

۱- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، چاپ اول، قم، داوری، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۶۷۹-۵۸۰، ح ۱۰.

۲- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۳۴۳.

اسلام صلی الله علیه و آله و پیامبران دیگری مانند ابراهیم علیه السلام، یوسف علیه السلام، ایوب علیه السلام، موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام معرفی می نماید.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بنا بر نصّ قرآن مجید "رحمه للعالمین" بود؛ چگونه آخرین خلیفه او به جای رحمت، نقتت برای جهانیان می باشد؟ افزون بر این، پیامبر رحمت در اجرای حدود الهی میان خویشاوندان خود و مسلمانان دیگر تفاوتی نمی گذاشت؛ و اگر عایشه شایسته حد می بود به طور قطع پیامبر صلی الله علیه و آله از اجرای آن کوتاهی نمی کرد.

بنابراین باید گفت شیعه هرگز به آنچه این شبهه بیان می دارد، معتقد نیست، بلکه حضرت مهدی (عج) را در رفتار و کردار هم خوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می داند.

نتیجه گیری

بنابر آنچه گذشت و پس از بررسی روایات مشخص شد روایاتی که درباره جنگ و کشتار وجود دارد، چند دسته هستند؛ تعدادی از این روایات به زمان پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) و تعدادی از آنها به زمان پس از اتمام حکومت حضرت مربوط است و هیچ ربطی به امام زمان (عج) ندارد و نباید آنها را به وی نسبت داد.

اما پس از بررسی دقیق مشخص شد که آن دسته از روایاتی که به ظهور حضرت مربوط می باشد و چهره قیام او را خشن و خونین و همراه با جنگ و کشتار بسیار زیاد جلوه می دهد، دچار مشکل سندی و متنی جدی هستند. این روایات از سوی افراد بسیار ضعیفی همچون محمد بن علی کوفی و ابو جارود و ... نقل شده است و بنابراین نمی توان برای این روایات اعتباری قائل بود و بر اساس آن چهره و عملکرد امام زمان (عج) را به هنگام قیام خونین و خشن دانست، بلکه

چنان که در فصل های بعدی به آن اشاره خواهد شد، سیره حضرت مهدی (عج) همان سیره جدّ بزرگوارشان، رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام است. آن چنان که امام مظهر «رحمه للعالمین» می باشد و با مردم با محبت و مهربانی رفتار می کند و تنها با دشمنان حقیقی خداوند که همچنان خواستار ظلم و ستم هستند و به هیچ وجه هدایت الهی را نمی پذیرند وارد جنگ می شود و آنها را از صحنه روزگار محو خواهد کرد.

فصل دوم: انقیاد تام خلاق بدون هیچگونه خونریزی و کشتار (دیدگاه تفریطی)

اشاره

در مقابل دیدگاه افراطی که در فصل پیشین آمد، یک دیدگاه دیگر به نام دیدگاه تفریطی وجود دارد که بنا بر آن امام زمان (عج) به هنگام ظهور از راه ولایت و تصرف تکوینی همه خلائق را مطیع و مستخر می کند و امور جهان را با اعجاز و به صورت غیر عادی انجام می دهد، بنابراین کشتار و اعدام خیلی اندک خواهد بود و حتی به اندازه خون حجامت هم خونی ریخته نخواهد شد.

برای روشن شدن این مطلب و دریافت پاسخ درست به احادیثی که در این باره وارد شده، می پردازیم. این احادیث به دو دسته تقسیم می شوند؛ یک دسته، آن احادیثی است که این دیدگاه را بیان و تقویت می کنند که به طور عمده این روایات دارای مشکل سندی جدی است و دسته دیگر احادیثی است که این دیدگاه را نادرست می داند و به بیان دیدگاه درست می پردازند.

۱. بیان و نقد روایاتی که این دیدگاه را بازگو و تقویت می کند

ابتدا روایاتی را بیان می کنیم که این دیدگاه را تقویت می کنند و در ادامه به بررسی و نقد آنها می پردازیم:

۱-۱. قَالَ الْوَلِيدُ: عَنْ أَبِي رَافِعٍ إِسْمَاعِيلَ بْنِ رَافِعٍ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّخْلَةُ يَعْسُوبُهَا، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا، حَتَّى يَكُونَ

النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلِ، لَا يُوقِظُ نَائِمًا وَلَا يُهْرِيقُ دَمًا؛ (۱)

امت وی به سوی او پناه می برند چنانچه زنبور عسل به ملکه اش پناه می برد، زمین را پر از عدل و داد می کند چنان که پر از ظلم و جور شده است تا اینکه مردم به حالت اولشان (امنیت) بازگردند. (به هنگام قیام او) هیچ در خواب فرو رفته ای را بیدار نمی کند و هیچ خون و خونریزی نمی کند.

بررسی روایت

این روایت ضعیف و غیر قابل اعتماد است؛ زیرا یحیی بن معین از رجالیون اهل سنت درباره اسماعیل بن رافع واژه ضعیف را به کار برده است. (۲) همچنین در سند، عبارت مبهم «عمّن» وجود دارد که باعث ارسال و ضعف سند شده است.

۱-۲. حَدَّثَنَا أَبُو يُوسُفَ، عَمْرُو بْنُ فِطْرِ بْنِ خَلِيفَةَ، عَمْرِو بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْعُكْلِيِّ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: يَبِيعُ الْمَهْدِيُّ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، لَا يُوقِظُ نَائِمًا، وَلَا يُهْرِيقُ دَمًا؛ (۳)

ابوهریره گوید: با مهدی (عج) بین رکن و مقام بیعت می شود، وی نه در خواب فرورفته ای را بیدار میکند و نه قطره ای خون می ریزد. (در قیام وی قطره ای خونریزی نمی شود).

بررسی روایت

اولاً- این روایت موقوف و غیر مسند به پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد؛ ثانیاً راوی آن ابوهریره است که وی فردی بسیار ضعیف است و شرح حال وی پیش از این بیان شد.

۱- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۵۸-۳۵۹، ح ۱۰۴۰.

۲- جرجانی، عبدالله بن عدی بن عبدالله بن محمد ابو احمد، الکامل فی ضعفاء الرجال، تحقیق یحیی مختار غزاوی، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۸۰، ش ۱۱۹.

۳- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۴۲-۳۴۳، ح ۹۹۱.

۱-۳. حَدَّثَنَا ابْنُ عَفَّانَ، حَدَّثَنَا قَاسِمٌ، حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زُهَيْرٍ، حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ، حَدَّثَنَا أَبُو هِلَالٍ، عَنْ قَتَادَةَ، قَالَ: يُجَاءُ إِلَى الْمَهْدِيِّ وَهُوَ فِي بَيْتِهِ وَالنَّاسُ فِي فِتْنَةٍ تُهْرَاقُ فِيهَا الدَّمَاءُ، فَيَقَالُ لَهُ: قُمْ عَلَيْنَا فَيَأْبَى حَتَّى يُخَوِّفَ بِالْقَتْلِ، فَإِذَا خُوفَ بِالْقَتْلِ قَامَ عَلَيْهِمْ، فَلَا يُهْرَاقُ فِي سَبَبِهِ مَجْجَمُهُ دَمٌ؛ (۱)

قتاده گوید: مردم به سوی مهدی (عج) می آیند درحالی که او در منزلش است و مردم در فتنه ای که در آن خونریزی شدیدی می شود، دچار هستند سپس به او گفته می شود که به سوی ما برخیز و قیام کن، سپس او ابا کرده و سر باز می زند تا اینکه از قتل خویش می هراسد، پس هنگامی که از قتل هراسید، به سوی مردم قیام می کند، سپس به هنگام قیام وی به سبب آن هیچ خونی ریخته نمی شود.

بررسی روایت

این روایت افزون بر اضطراب متن دچار ضعف سندی است؛ زیرا این روایت موقوف و غیر مسند به پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است و اعتباری ندارد.

۲. روایات متعارض و بیان دیدگاه صحیح

در این بخش به بیان روایاتی می پردازیم که این دیدگاه را نادرست می داند و سرانجام به بیان دیدگاه درست می پردازد:

۱-۲. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقَدَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ التَّمِيمِيُّ مِنْ كِتَابِهِ فِي صَفَرٍ سَنَةِ أَرْبَعٍ وَ سَبْعِينَ وَ مَائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَامِرِ بْنِ رَبَاحِ الثَّقَفِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ

۱- دانی، عثمان بن سعید، السنن الواردة فی الفتن، د. ضاء الله بن محمد إدريس المبارکفوری، چاپ اول، الرياض، دار العاصمة، ۱۴۱۶ق، ج، ۵، ص ۱۰۴۲، ح ۵۵۷.

بَشِيرِ النَّبَالِ وَ أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْبُنْدَنِيحِيُّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَلَوِيِّ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَيْفَوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ بَشِيرِ بْنِ أَبِي أَرَكَهَ النَّبَالِ وَ لَفْظُ الْحَدِيثِ عَلَى رِوَايَةِ ابْنِ عُقْدَةَ قَالَ: لَمَّا قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ انْتَهَيْتُ إِلَى مَنْزِلِ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهُ إِذَا كَانَ ذَلِكَ اسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ فَلَا يُهْرِيقُ مِحْجَمَهُ دَمٌ فَقَالَ كَلَّا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى نَمْسِحَ وَ أَنْتُمْ الْعَرَقَ وَ الْعَلَقَ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى جَبْهَتِهِ؛(۱)

بشیر بن ابی اراکه گوید: چون به مدینه رسیدم به خانه ابی جعفر علیه السلام گذرم افتاد. عرض کردم: آنان (مرجئه) می گویند: چون این کار روی دهد (ظهور رخ دهد)، همه کارها برای او درست شود و به اندازه خون یک حجامت هم خون ریخته نخواهد شد. فرمود: هرگز چنین نیست. سوگند به آن کسی که جانم به دست اوست، کار به آن جا خواهد کشید که ما و شما عرق و خون بسته را پاک کنیم و با دست خود به پیشانی خود اشاره کرد. (کنایه از برطرف کردن عرق پیشانی است).

نکته

علامه مجلسی در توضیح عبارت «مسح عرق و علق» گفته است که این عبارت کنایه از سختی ها و دشواری های جنگ و درگیری است که موجب پدید آمدن عرق و ایجاد زخم های خونین می شود.(۲)

۲-۲. مُوسَى بْنُ بَكْرِ الْوَأَسْطِيِّ عَنْ بَشِيرِ النَّبَالِ قَالَ: قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ وَ ذَكَرْتُ مِثْلَ الْحَدِيثِ الْمُتَقَدِّمِ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ لَمَّا قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَوْ قَامَ لَأَسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ عَفْوًا وَ

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۸۳، ب ۱۵، ح ۱.

۲- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵۷.

لَا يُهْرِيقُ مِخْجَمَهُ دَمَ فَقَالَ: كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ اسْتَقَامَتْ لِأَحَدٍ عَفْوًا لَأَسْتَقَامَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ أُدْمِيَتْ رَبَاعِيَّتُهُ وَشُجَّ فِي وَجْهِهِ؛ كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى نَمْسَحَ نَحْنُ وَ أَنْتُمْ الْعَرَقَ وَالْعَلَقَ ثُمَّ مَسَحَ جَبْهَتَهُ؛ (۱)

موسی بن بکر واسطی از بشیر نبال گوید: به مدینه رسیدم و همانند حدیث پیشین را ذکر کرد جز اینکه گوید: چون به مدینه رسیدم، به ابی جعفر علیه السلام عرض کردم: آنان می گویند که چون مهدی قیام کند، همه کارها از برای او به خودی خود درست شود و به اندازه حجامتی خون نمی ریزد. فرمود: هرگز چنین نیست. سوگند به آن کس که جان من به دست اوست، اگر کارها به خودی خود برای کسی درست می شد، هر آینه برای رسول خدا درست می شد آنگاه که دندان های جلوی آن حضرت شکست و صورت مبارکش زخم برداشت. نه، هرگز، سوگند به آن کس که جان من به دست اوست، کارها به آن جا می انجامد که ما و شما عرق و خون بسته را پاک کنیم، سپس پیشانی خود را پاک کرد.

۲-۳. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْبُنْدَنِي جِيُّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَلَوِيِّ الْعَبَّاسِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَيْسَى بْنِ سُلَيْمَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ ذَكَرَ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يَكُونَ أَمْرُهُ فِي سُهُولَةٍ فَقَالَ: لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى تَمْسَحُوا الْعَلَقَ وَالْعَرَقَ؛ (۲)

مفضل بن عمر گوید: ابا عبد الله علیه السلام از امام قائم (عج) یاد می کرد و من عرض کردم: من امیدوارم که کار او به آسانی انجام پذیرد

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۸۳، ب ۱۵، ح ۱.

۲- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۹۵، ب ۱۵، ح ۳.

شنیدم که فرمود: این کار صورت نمی پذیرد تا آنکه عرق و خون بسته را پاک کنید.

نتیجه گیری

با بررسی این روایات می بینیم آن طور نیست که همه کارها در زمان قیام قائم (عج)، به خودی خود و با اعجاز و تصرفات تکوینی انجام شود، هر چند در ولایت و تصرف تکوینی حضرت مهدی (عج) و امامان معصوم دیگر، هیچ گونه تردیدی وجود ندارد. بلکه کار، دشوارتر از آن چیزی است که افرادی چون مرجئه به آن اعتقاد دارند. بنابر روایات متعدد، نمی توانیم ادعا کنیم که در هنگام ظهور، هیچ قتل و کشتاری رخ نمی دهد؛ زیرا در آن دوران بحث از انتقام، اجرای حدود الهی و اقامه حکومت عدل جهانی است و مسلماً، این امر بزرگ بدون برطرف کردن خاها و سنگ های سر راه آن حضرت، میسر و محقق نمی شود.

از طرفی، تاریخ گواه است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم: سعی کردند، امور جهان را به طور عادی و در مسیر طبیعی خود انجام دهند، بنابر همین اصل است که دندان های پیشین حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ شکسته شد و زخم هایی در جنگ احد و ... بر ایشان وارد گشت. امیرالمومنین علیه السلام نیز در جنگ احد نود زخم برداشت. (۱) البته هم رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم اهل بیت او، به ویژه بقیه الله الاعظم (عج) بر تصرف تکوینی قدرت دارند و

۱- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیه السلام، ج ۲۰، ص ۵۴.

همواره معجزات و امدادهای غیبی و الهی، همراه آن حضرات و همچنین مؤمنان مخلص و ایثارگر مستضعفان بوده و خواهد بود. به هر حال، لزومی ندارد که ادعا کنیم امام زمان(عج) تمام کارها را از راه امور غیرعادی و به صورت اعجاز گونه انجام می دهد و هیچ خونی را نخواهد ریخت.

فصل سوم: همسانی سیره حکومتی مهدی موعود(عج) با سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (دیدگاه میانه)

اشاره

۱. وحدت رویه حضرت مهدی (عج) با رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام

احادیث صحیح و معتبری است که صریحاً روش حکومتی حضرت ولی عصر (عج) را همان روش حکومتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام معرفی می کند. چند نمونه از این روایات به شرح زیر است:

۱-۱. حَدَّثَنَا شَيْخُنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ حُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمٌ أَهْلُ بَيْتِي وَ مَهْدِي أُمَّتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَعْمَالِهِ؛ (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: نهمین فرزند وی امام حسین علیه السلام قائم اهل بیت من است و مهدی (عج) امت من شبیه ترین مردم نسبت به من در شمائل و گفتار و کردار است.

۱-۲. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ

۱- خزاز رازی، علی بن محمد، کفایه الاثر، تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمری قم، بیدار، ۱۴۰۱ق، ص ۱۰-۱۱.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينِ الْقَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أبا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْقَائِمِ عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ إِذَا قَامَ بِأَيِّ سَيْرِهِ يَسِيرُ فِي النَّاسِ فَقَالَ: بِسَيْرِهِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى يُظْهَرَ الْإِسْلَامَ؛ (۱)

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که می گوید: از ابو جعفر باقر علیه السلام درباره قائم (عج) پرسیدم و گفتم: هنگامی که قائم (عج) قیام کند، با چه روشی در میان مردم عمل خواهد کرد؟ حضرت فرمودند: با همان شیوه ای که پیامبر صلی الله علیه و آله در پیش گرفت در میان مردم عمل خواهد کرد، تا اسلام فراگیر و غالب شود.

۱-۳. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ قَالَ: سَأَلْتُ أبا جَعْفَرِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَيِّ سَيْرِهِ يَسِيرُ فِي النَّاسِ؟ فَقَالَ: يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً. (۲)

عبدالله بن عطاء گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: حضرت حجّت (عج) پس از ظهور، چه سیره و روشی در حکومت خواهند داشت؟ امام علیه السلام پاسخ می دهند: درست مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله، تمام آنچه را که به نام اسلام بر دنیا حاکم است، از بین خواهد برد و اسلام را از نو عرضه خواهد کرد.

۱- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تحقیق حسن الموسوی خراسان، چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۱۵۴.

۲- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ اول، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ق، ص ۲۳۲، ب ۱۳، ح ۱۷.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فرموده قرآن (۱) با نرمی و عدم خشونت، ماقبل خود را بی اعتبار کرد. پیامبر با همه مردم این چنین بود حتی با کافران هم این گونه رفتار می کرد و این رفتار وی به مسلمانها اختصاص نداشت. امام زمان (عج) نیز درباره کافران همان سیره را به کار خواهد بست؛ به طور مسلّم اگر امام با غیر مسلمانان با لطف و مهربانی رفتار کند، با مسلمانان مهربان تر خواهد بود.

۴-۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبُرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَزَّازِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: ... أَنْ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ لَبَسَ ثِيَابَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ سَارَ بِسِيرِهِ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ (۲)

هنگامی که حضرت مهدی (عج) ظهور کند، لباسی همچون جامه های علی علیه السلام بر تن می کند و دقیقاً به سیره امیرالمؤمنین علیه السلام عمل خواهد کرد.

مراد از «عده من اصحابنا» در سندس روایت علی بن ابراهیم و علی بن محمد بن عبد الله بن اذینه و احمد بن عبدالله بن امینه و علی بن حسن می باشند که همگی مورد اعتماد هستند (۳). سند این روایت درست است و هیچ شک و شبهه ای در آن وجود ندارد؛ چرا که روایانش یکی از دیگری بهتر است و متن آن نیز با سیره معصومین علیه السلام موافق است.

۱- آل عمران (۳)، ۱۵۹.

۲- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۴.

۳- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۷۲.

مدلول این روایات آن است که چون حضرت مهدی (عج) ظهور کند، همه مردم، از خرد و کلان و پیر و جوان به او عشق می ورزند و از صمیم قلب او را دوست دارند.

۵-۱. عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ فَضْلِ الْمَاعُورِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْخِزَّانِيِّ قَالَ: .. فَقَالَ (أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَا أَبَا عُبَيْدَةَ إِنَّهُ لَا يَمُوتُ مِنَّا مَيِّتٌ حَتَّى يُخَلَّفَ مِنْ بَعْدِهِ مَنْ يَعْمَلُ بِمِثْلِ عَمَلِهِ وَ يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ وَ يَدْعُو إِلَى مَا دَعَا إِلَيْهِ؛ (۱)

ای اباعبیده کسی از ما چشم از جهان فرو نمی بندد مگر اینکه پس از خود کسی را قرار می دهد که مانند او عمل می کند و به روش او رفتار می نماید و به آنچه او می خوانده، فرا می خواند.

نکته

بر اساس این روایت سیره هر امام لاحقی همچون سیره امام پیشین است، پس همه امامان معصوم: از سنت و سیرتی همگون برخوردارند و در نتیجه امام علی علیه السلام و امام مهدی (عج) سیرتی یکسان خواهند داشت.

۲. چگونگی رفتار امیر المومنین علی علیه السلام با دشمنان

اکنون که معلوم شد سیره امام مهدی (عج) همان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام است، باید ببینیم که سیره این بزرگواران در رویارویی با دشمنان چگونه بوده است تا آن روش را برای حضرت مهدی (عج) نیز قائل باشیم.

۱-۲. حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

۱- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱.

أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وُلِّيْتُ عَلَيْهِ؟ (۱)

آیا مرا فرمان می دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن در باره آن که والی او هستیم.

به طور یقین حضرت مهدی (عج) نیز از همین روش پیروی خواهد کرد، و امکان ندارد که بخواهد از راه ستم، حکومت بر مردم را به دست گیرد.

۲-۲. وَ سَيَأْتِيهِ (سَيَأْتِيهِ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَام) عَمَّا زُجَيْنَ دَخَلَ الْبَصِيرَةَ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا شَيْءٍ تَسِيرُ فِي هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: بِالْمَنْ وَالْعَفْوِ كَمَا سَارَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي أَهْلِ مَكَّةَ حِينَ افْتَتَحَهَا بِالْمَنْ وَالْعَفْوِ؛ (۲)

چون امام علی علیه السلام به بصره وارد شدند، عمار عرض کرد: ای امیر مؤمنان با اینها چگونه رفتار خواهی کرد؟ حضرت فرمود: با گذشت و رحمت، هم چنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چون مکه را فتح کرد، با گذشت و رحمت با آنها رفتار نمود.

۲-۳. یک نقل تاریخی

دغدغه و سیره امام علی علیه السلام درباره روشنگری، نمایان کردن حقیقت و چگونگی رویارویی با دشمنان را از نقل های تاریخی نیز آشکارا می توان دریافت. برای نمونه به یک نقل تاریخی اشاره می کنیم:

آن حضرت در پگاه روز یازدهم جمادی الاولی درحالی که در میمنه سپاه مالک اشتر و در میسره آن عمار یاسر حضور داشت و پرچم به دست فرزندش محمد حنفیه بود، به سمت سپاه جمل حرکت نمود. آنگاه حضرت بر جایگاهی

۱- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، چاپ اول، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق، ص ۱۸۳، خ ۱۲۶.

۲- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الاسلام، تحقیق آصف فیضی، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۳۹۴.

ایستادند و با صدای بلند خطاب به سپاه خود فرمود: شتاب نکنید تا بر آنها حجت اقامه کنم. پس ابن عباس را خواند و قرآنی به او داد و فرمود: این قرآن را به سوی طلحه، زبیر و عایشه ببر و آنها را به آنچه در آن است، فراخوان و به طلحه و زبیر بگو آیا شما با اختیار با من بیعت نکردید؟ پس چه چیز سبب شد بیعت مرا بشکنید درحالی که این قرآن میان من و شما حکم می کند. او می گوید: به خدا سوگند هنوز از جایم حرکت نکرده بودم که تیرهایشان همچون ملخ های پراکنده به سویم باریدن گرفت، به علی علیه السلام عرض کردم: ای امیر مؤمنان تا کی با ما چنین کنند؟! اجازه دهید از خود دفاع کنیم.

حضرت فرمود: بگذارید بار دیگر بر آنها حجت را تمام کنم. سپس فرمود: چه کسی این قرآن را می گیرد و آنها را به آن فرا می خواند و بداند که کشته می شود و من ضمانت بهشت او را از سوی خداوند برعهده می گیرم. هیچ کس از جای خود برنخواست جز جوانی کم سن از عبدالقیس که قبای سفیدی بر تن داشت و نامش مسلم بود. او گفت: ای امیر مؤمنان! من این کار را انجام می دهم و جان خود را به خاطر خدا بر این کار می گزارم.

حضرت از سر دلسوزی از او روی باز گرداند و فرمود: چه کسی این قرآن را می گیرد و بر آنها عرضه می کند و بداند که کشته می شود و بهشت برای اوست. مسلم دوباره سخن خود را تکرار کرد و گفت: من چنین می کنم. امام علیه السلام برای سومین بار سخن خود را تکرار کرد و غیر از آن جوان کسی به پا نخواست. علی علیه السلام قرآن را به او داد و فرمود: به سوی آنان برو و قرآن را بر آنها عرضه نما و به آن چه در قرآن است دعوتشان کن. او حرکت کرد و مقابل سپاه جمل ایستاد و قرآن را باز کرد و گفت: این کتاب خداست و امیر مؤمنان شما را به آن چه در آن است، فرا می خواند. عایشه گفت: خداوند صورتش را زشت کند با

نیزه بزیندش و آنها نیز بر نیزه زدن به او بر یکدگیر سبقت گرفتند و از هر سو نیزه اش زدند.

امام علیه السلام در این حال آماده نبرد شدند و پرچم را به فرزندشان محمد بن حنیفه دادند و در میان سپاه فریاد زدند: هیچ فراری را نکشید و مجروحی را از پا در نیاورید، پرده کسی را ندرید، زنی را نترسانید و کشته ای را مثله نکنید. آن حضرت در حال سفارش به لشکر بودند که مردی از اصحابشان کشته شد. آن حضرت با مشاهده این واقعه فرمودند: خدایا تو شاهد باش. (۱)

نکته

البته برخی از محققان بر این باورند که امام مهدی (عج) در رویارویی با خروج کنندگان بر آن حضرت روشی متفاوت با روش امام علی علیه السلام برخواهد گزید؛ یعنی حضرت مهدی (عج) به هنگام جنگ می تواند اموال آنها را به غنیمت بگیرد، خانواده آنان را به اسارت ببرد و اسیران، فراریان و مجروحانشان را از پای در آورد؛ ولی رفتار حضرت علی علیه السلام تقیه و مصلحت یاران پس از خود بود که مبادا گرفتار دشمن شوند و دشمن با آنها بد رفتاری کند؛ به همین دلیل بود که در جنگ ها فراریان و مجروحان دشمن را تعقیب نمی کرد و آنها را نمی کشت، ولی بنده با این قول موافق نیستم زیرا احادیثی که این نظر را بیان و تقویت می کنند از نظر سندی مشکل دارند و نمی توان به آنها اعتماد کرد. برای نمونه به یکی از این روایات اشاره می کنیم:

أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ

۱- مفید، محمد بن محمد، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، تحقیق علی میرشریفی، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳۶-۳۴۲.

قَالَ إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ لِي أَنْ أَقْتَلَ الْمُؤَلَّىَّ وَأُجْهَزَ عَلَيَّ الْجَرِيحُ وَ لَكِنِّي تَرَكْتُ ذَلِكَ لِلْعَاقِبَةِ مِنْ أَضِيحَابِي إِنْ جُرْحُوا لَمْ يُقْتَلُوا وَالْقَائِمُ لَهُ أَنْ يُقْتَلَ الْمُؤَلَّىَّ وَيُجْهَزَ عَلَيَّ الْجَرِيحُ؛ (۱)

مرا چنین حقی بود که فراریان از جبهه جنگ را بکشم و زخمی ها را کارشان یکسره کنم، ولی این کار را به ملاحظه آینده یاران نکردم، باشد که اگر آنان نیز زخمی شدند، کشته نشوند و از برای قائم (عج) است که فراریان را بکشد و کار زخمی را یکسره کند.

بررسی روایت

این روایت از سوی محمد بن علی الکوفی نقل شده است که وی فردی بد نام و دروغگوست و علمای رجال بر بی اعتباری روایات وی حکم کرده اند، شرح حال وی پیش از این به طور مفصل بررسی شد. (۲)

۳. چگونگی مقابله حضرت مهدی (عج) با دشمنان حقیقی

یقیناً، پیش از ظهور و مقارن با آن ستمگران خون ریزی بر دنیا حکومت می کنند که از هیچ جنایتی فرو نمی گذارند. حال، امامی که قیام می کند، در برابر این همه کج روی ها و بیدادگری ها باید چگونه برخورد کند تا جهان را پر از عدل و داد سازد؟ بی تردید، دشمنانی که دست شان به خون بشریت آلوده است، حق مردم را غصب کرده اند و یا پست و مقامشان به خطر افتاده است، در برابر حرکت اصلاح گرانه و نهضت امام ایستادگی می کنند. بنابراین، امامی که قیام می کند و مأموریت دارد حکومت جهانی اسلام را تشکیل دهد، باید برای برطرف کردن موانع خود، نقشه و برنامه داشته باشد. اکنون مروری بر این

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۳۷، ب ۱۳، ح ۱۵.

۲- رک: ص ۱۶.

برنامه ها خواهیم داشت.

امام عصر (عج) برای انتقام و خون خواهی از دشمنان اسلام، به ثمر رساندن انقلاب جهانی، اجرای حدود الهی و برقراری حکومت عدل جهانی ناگزیر از جنگ خواهد بود و در مقابل آن، دشمنان تا دندان مسلح و کج اندیشان دنیانگر، با در دست داشتن امکانات گسترده اقتصادی، برخورداری از فن آوری پیشرفته و سازماندهی ارتش های قدرت مند پرچم مخالفت بر می دارند و مانع مسیر اصلاح گرانه امام می شوند. از سوی دیگر پیش از قیام، جنگاوران دریا دل و دست یارانی توان مند و کارآمد با هدایت خاص و عام آن حضرت تربیت می شوند که تعداد آنان، در برخی روایات، سیصد و سیزده نفر (۱) و در برخی، ده هزار نفر و در تعدادی از آن ها، صد هزار نفر و ... بیان شده است.

اینک به نقل تعدادی از روایات می پردازیم که بیانگر رویارویی حضرت مهدی (عج) با دشمنان حقیقی و غلبه بر آنان است:

۱-۳. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ... قَالَ: وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى قَالَ: النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَّا أَهْلِ الْبَيْتِ، إِذَا قَامَ غَلَبَ دَوْلَتَهُ الْبَاطِلَ. (۲)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه می فرماید: او قائم اهل بیت است، هنگامی که قیام کرده و بر دولت باطل پیروز می شود.

۲-۳. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الشَّيْبَانِيُّ فِي «كَشْفِ الْبَيَانِ» قَالَ: رَوَى فِي أَخْبَارِنَا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ (وَ تُرِيدُ أَنْ

۱- رک: نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، صدوق، ص ۳۱۳.

۲- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۵.

نُمِّنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجَعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ - وَ تُمْكِنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ تُرَى فِرْعَوْنُ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ(۱) مخصوصه بصاحب الامر العزى يظهر في آخر الزمان و يبئد الجابرة و الفراعنه و يملك الأرض شرقاً و غرباً فيملأها عدلاً كما ملئت جوراً؛(۲)

از صادقین علیهما السلام روایت است که فرموده اند این آیه درباره صاحب الامر حضرت مهدی(عج) می باشد که وی در آخرالزمان ظهور کرده، ستمگران و فراعنه را نابود کرده، شرق و غرب را فتح کرده، زمین را همان طور که پر از ظلم و ستم شده، پر از عدل و داد می کند.

۳-۳. اَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... وَ يُؤَلَّوْنَ فَيَقْتُلُهُمْ حَتَّى يَدْخُلَهُمْ آيَاتُ الْكُوفَةِ وَ يُنَادِي مُنَادِيَهُ أَلَا لَا تَتَّبِعُوا مَوْلِيًّا وَ لَا تَجْهَرُوا عَلَى جَرِيحٍ وَ يَسِيرٌ بِهِمْ كَمَا سَارَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْبَصْرَةِ؛(۳)

امام صادق علیه السلام در روایتی با اشاره به درگیری سپاه امام مهدی(عج) با سپاه سفیانی می فرماید: ... و سپاه سفیانی می گریزند و امام مهدی(عج) آنها را می کشد تا اینکه می گریزند و به خانه های کوفه پناه می برند، منادی آن حضرت فریاد برمی آورد: هیچ فراری را تعقیب نکنید و مجروحی را از پا در نیاورید و با آنان همچون سیره امام علی علیه السلام در روز بصره رفتار می نماید.

۱- قصص (۲۸)، ۵-۶.

۲- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، حلیه الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار: چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۲۸۰.

۳- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، ج ۵۲، ص ۳۸۸.

نتیجه گیری نهایی

چنان که آمد روایاتی که به جنگ و کشتار بسیار زیاد اشاره می کند به سه دسته تقسیم می شوند که دو دسته از آنها یکی به زمان پیش از ظهور و دیگری به زمان پس از ظهور و حکومت حضرت مهدی (عج) مربوط است که نباید این دو دسته را به حکومت امام (عج) نسبت داد؛ و اما آن روایاتی که به زمان ظهور حضرت مربوط است و چهره قیام حضرت را بسیار خشن نشان می دهد، چنانچه بیان شد، از نظر سندی و متنی دچار مشکل جدی بودند که در این میان نقش پر رنگ غالیان و افراد ضعیفی همچون حسن بن علی بن ابی حمزه و پدرش و ... در نقل این روایات مشاهده گردید.

در برابر روایاتی که قیام امام زمان (عج) را بسیار خشن نشان می دهد، دسته ای روایات نشان می دهند که در هنگام ظهور امام هیچ جنگ و کشتاری رخ نمی دهد. پس از بررسی آنها مشخص شد این روایات نیز قابل اعتماد نیستند و افزون بر آن امامان معصوم: نیز با این دیدگاه به شدت مخالفت کرده اند.

بررسی دقیق این روایات نشان می دهد که همه کارها در زمان قیام قائم (عج)، به خودی خود و با اعجاز و تصرفات تکوینی انجام نمی شود، زیرا در آن دوران، بحث از انتقام، اجرای حدود الهی و اقامه حکومت عدل جهانی وجود دارد و مسلماً، این امر بزرگ بدون برطرف کردن خاها و سنگ های سر راه آن حضرت میسر و محقق نمی شود.

در پایان به این نتیجه می رسیم که با توجه به روایات درست، سیره امام زمان (عج) در رویارویی با دشمنان همان سیره جد بزرگوارشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام خواهد بود و اصولاً حضرت مهدی (عج) برای برقراری عدل،

که خواسته طبیعی و فطری انسان هاست، ظهور خواهد کرد، بنابراین هرگز رفتار او به گونه ای نیست که مردم آرزو کنند، ای کاش او را نبینند یا به دلیل بی رحمی هایی که انجام می دهد، او را از آل محمد صلی الله علیه و آله ندانند. در حقیقت حضرت مهدی (عج) ابتدا به روشنگری شریعت حق و آموزه های الهی برای دشمنان می پردازد و آنها را به سوی حق دعوت کند، سپس با کسانی که در واقعیت و حقیقت دشمن خدا و اهل بیت هستند و حتی پس از دعوت به حق نیز لجابت کرده، به ظلم و کارهای نابکارانه خود ادامه می دهند (سفیانی و...) وارد جنگ می شود و آنها را از بین می برند.

ص: ١٢١

ملحقات و ضمائم

فهرست روایات

صفحه

راوی

روایت

ردیف

٩٠

حماد بن عثمان

أَنَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ لَبَسَ ثِيَابَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١

٢٧

مفضل بن عمر

الْأَدْنَى غِلَاءُ السَّعْرِ، وَالْأَكْبَرُ الْمَهْدِيُّ بِالسَّيْفِ

٢

٤٨

معاوية بن عمار

إِذَا تَمَنَّى أَحَدُكُمْ الْقَائِمَ فَلْيَتَمَنَّهْ فِي عَافِيهِ

٣

٤١

عبدالله بن سنان

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَرَبِ

٤

١٧

ابوبصير

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَرَبِ وَقُرَيْشٍ إِلَّا السَّيْفُ

٥

١٦

ابوبصير

إِذَا خَرَجَ يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ

٦

٣٣

عبدالرحمن بن حجاج

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَتَى رَحْبَةَ الْكُوفَةِ

٧

٦٠

سلام بن مستنير

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى كُلِّ نَاصِبٍ

٨

٣٢

ابن ابي حمزه

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ نَزَلَتْ سُيُوفُ الْقِتَالِ

٩

٤٣

قاسم بن عبيد

إِذَا قَامَ بِالْغَضَبِ فَقَتَلَ مِنْ كُلِّ أَلْفٍ تِسْعِمَائَةٍ

١٠

٧٧

عبدالرحيم قصير

أَمَا لَوْ قَامَ قَائِمُنَا لَقَدْ رُدَّتْ إِلَيْهِ الْحَمِيرَاءُ

١١

ص: ١٢٣

صفحه

راوى

روايت

رديف

٤٨

ابوحمزہ ثمالی

إِمَّا مَوْتُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَوْ إِذْرَاكَ ظُهُورِ

١٢

١٤

رفاعه بن موسى

إِنَّ أَوْلَ مَنْ يَكْرَهُ إِلَى الدُّنْيَا الْحَسِينُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١٣

٥٧

حسين بن ابى علاء

إِنَّ عِنْدِي الْجَفْرَ الْأَبْيَضَ

١٤

٢٦

مفضل بن عمر

إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَيْنًا

١٥

٩٦

محمد بن حسن شيباني

أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ (وَأَنْ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى

١٦

٢٨

ابوجارود

أَنَّهُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ

١٧

٥٣

حسن بن هارون

أَيَسِيرُ الْقَائِمِ إِذَا قَامَ بِخِلَافِ سِيرِهِ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١٨

٣٤

مرسلا عن علي عليه السلام

بِأَبِي ابْنِ خَيْرِهِ الْإِمَاءِ لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ

١٩

٢٩

حارث اعور همداني

بِأَبِي ابْنِ خَيْرِهِ الْإِمَاءِ يَعْنِي الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٢٠

٩٢

عمار

بِالْمَنْ وَالْعَفْوِ كَمَا سَارَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٢١

٨٩

محمد بن مسلم

بِسِيرِهِ مَا سَارَ بِهِ - رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٢٢

١٠

اعلم ازدي

بَيْنَ يَدَيْ الْقَائِمِ مَوْتُ أَحْمَرَ وَ مَوْتُ أَيْضُ

٢٣

٤٤

سعدان بن مسلم

بَيْنَا الرَّجُلُ عَلَى رَأْسِ الْقَائِمِ يَأْمُرُهُ وَيَنْهَاهُ

٢٤

٨٨

عبدالله بن عباس

التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمٌ أَهْلُ بَيْتِي وَ مَهْدِي أُمِّي

ابوسعيد خدرى

تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّخْلَةُ يَعْسُوبَهَا

ابوالفرج ابان بن محمد

ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ لَهُ رَجُلًا مِّنِّي وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ فَيَقْتُلُهُ

ابوبصير

ثُمَّ يَتَوَجَّهُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَنْزِلُهَا

اسحاق بن عمار

ثُمَّ يُخْرِجُهُمَا غَضَبَيْنِ رَطْبَيْنِ

حذيفه بن يمان

ثُمَّ يَفْتَرِقُونَ وَيَحْتَبِئُونَ تَحْتَ كُلِّ شَجَرٍ وَحَجَرٍ

ص: ١٢٤

صفحه

راوى

روايت

رديف

٥١

ابان بن تغلب

دَمَانِ فِي الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ لَا يَقْضَى فِيهِمَا أَحَدٌ

٣١

٤٧

معمر بن خلاد

ذُكِرَ الْقَائِمُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا

٣٢

٣٥

مرسلا عن الصادق عليه السلام

ذَلِكَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ يَخْرُجُ فَيَقْتُلُ بِدَمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٣٣

١٠

ابوظيفيل عامر بن واثله

عُمَرُ وَقَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا تَقُولُ

٣٤

٣٨

محمد بن قاسم

فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَفُوا كُلَّ نَاصِبٍ [نَصَبَ] عَلَيْهِ

٣٥

٤١

سلام بن مستنير

فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا سَقَطَتِ التَّقِيَةُ

٣٦

٢٠

ابو بصير

فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُنُّنٌ مِنْ أَرْبَعَةِ أَنْبِيَاءَ

٣٧

١٤

جابر

فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رَبُّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ

٣٨

١٨

ابو بصير

فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ . . .

٣٩

٤٩

ابو حمزه

فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ (قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

٤٠

١٩

ابو بصير

فِي قَوْلِهِ (. . . أَمْهَلُهُمْ رُؤَيْدًا) لَوْ قَتِ بَعَثَ الْقَائِمِ

٤١

٢٧

ابو جارود

فَيَضَعُ السَّيْفَ فِيهِمْ عَلَى ظَهْرِ النَّجْفِ

٤٢

٣٠

مرسلا عن علي عليه السلام

فَيَكْبُرُ الْمُسْلِمُونَ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ،

٤٣

٧٥

عبدالعظيم حسنى

الْقَائِمِ الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأَرْضَ

قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَصْحَابِ

ص: ١٢٥

صفحه

راوى

روايت

رديف

٧

محمد بن ابى نصر

قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ قَتْلُ بِيْرُحٍ

٤٤

٧

سليمان بن خالد

قُدَّامَ الْقَائِمِ مَوْتَانِ مَوْتُ أَحْمَرَ وَ مَوْتُ أَبِيضُ

٤٧

٥٤

رفيد

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلْتُ فِدَاكَ

٤٨

٨

ابوبصير

قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَتَى خُرُوجُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٤٩

٤٦

زراره بن اعين

قُلْتُ لَهُ صَالِحٌ مِّنَ الصَّالِحِينَ سَمَّهِ لِي

٥٠

٤٥

ابو خديجه

كَانَ لِي أَنْ أَقْتَلَ الْمُؤَلَّى

٥١

٧٣

مفضل بن عمر

كُلُّ رَيْنٍ وَخُبْثٍ وَفَاحِشَةٍ وَإِثْمٍ

٥٢

٩

ابو بصير

لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سَنَّهُ يَجُوعُ

٥٣

٢٤

ابو هريره

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَعُودَ أَرْضُ الْعَرَبِ مُرُوجًا

٥٤

٢٢

ابوهريره

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّىٰ يَخْرُجَ عَلَيْهِمْ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي

٥٥

٢٣

ابوهريره

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّىٰ يُقَاتِلَ الْمُسْلِمُونَ الْيَهُودَ

٥٦

١٠

كيسان رواسى

لَا يَخْرُجُ الْمُهَدِيُّ حَتَّىٰ يُقْتَلَ ثَلَاثًا

٥٧

١١

ابوبصير

لَا يَقُومُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا عَلَىٰ خَوْفٍ سَدِيدٍ [شَدِيدٍ]

٥٨

٨٥

مفضل بن عمر

لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّىٰ تَمْسُحُوا الْعَلَقَ وَالْعَرَقَ

محمد بن مسلم

لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثَلَاثُ [ثَلَاثًا] النَّاسِ

ص: ١٢٦

صفحه

راوى

روايت

رديف

٥١

ابن زرير

لَا يَلْقَاهُ عَدُوٌّ إِلَّا هَزَمَهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ

٤١

٢٤

مفضل بن عمر

لَوْ قَامَ قَائِمُنَا بَدَأَ بِكَذِّابِي الشَّيْعَةِ

٤٢

٣١

مرسلا عن الباقر ع

لَوْ قَدَّ قَامَ قَائِمُنَا بَدَأَ بِالَّذِينَ يَنْتَحِلُونَ حُجُبَنَا

٤٣

٤٥

محمد بن مسلم

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا يَصْنَعُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ

٦٤

٢٥

مفضل بن عمر

مَا عَلَّمَهُ الْقَائِمُ

٦٥

٥٩

عبدالله بن شريك

مَرَّ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى حَلْقِهِ مِنْ بَنِي أُمِّيَّةَ

٦٦

٨

زراره بن اعين

النَّدَاءُ حَقٌّ قَالَ إِي وَ اللَّهِ

٦٧

٧٤

بشير نبال

هَلْ تَدْرِي أَوَّلَ مَا يَبْدَأُ بِهِ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٦٨

٥٩

سلام بن مستنير

هُوَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُتِلَ مَظْلُومًا

٦٩

٣٥

جابر بن يزيد

هُوَ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ بِالْغَضَبِ

٧٠

٩٥

محمد بن مسلم

وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى قَالَ النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ

٧١

٣٤

مرسلا عن الصادق عليه السلام

وَ كَذَلِكَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَمْ يَظْهَرُوا أَبَدًا حَتَّى

٧٢

٤١

جابر

وَ يَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دِينُ مُحَمَّدٍ

٧٣

٤٠

ابو بصير

وَ يَنْهَزِمُ قَوْمٌ كَثِيرٌ مِنْ بَنِي أُمِّيَّةٍ

٧٤

٩٤

فضل بن شادان

وَيُولُونَ فَيَقْتُلُهُمْ حَتَّى يَدْخُلَهُمْ أَيْبَاتِ الْكُوفَةِ

٧٥

٢٣

ابوهريره

وَيْلٌ لِلْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدِ اقْتَرَبَ

٧٦

٩١

ابوعبيده حداء

يَا ابا عُبَيْدَةَ إِنَّهُ لَا يَمُوتُ مَنَّا مَيِّتٌ حَتَّى

٧٧

٣٦

عبد السلام بن صالح

يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي حَدِيثِ

٧٨

٥٥

بشر بن غالب اسدى

يَا بَشْرُ مَا بَقَاءُ قُرَيْشٍ إِذَا قَدَّمَ الْقَائِمُ

ص: ١٢٧

صفحه

راوى

روايت

رديف

٥٨

رفيد

يَا رُفَيْدُ كَيْفَ أَنْتَ إِذَا رَأَيْتَ أَصْحَابَ الْقَائِمِ

٨٠

٣١

مقاتل

يَا وَلَدِي يَا عَلِيُّ وَاللَّهِ لَا يَسْكُنُ دَمِي

٨١

٨٢

ابوهريره

يُبَايِعُ الْمَهْدِيَّ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ

٨٢

١٣

اباقبيل

يَبْعَثُ السُّفْيَانِيَّ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ

٨٣

٨٢

قتاده

يُجَاءُ إِلَى الْمَهْدِيِّ وَهُوَ فِي بَيْتِهِ

٨٤

٢١

ابوبصير

يُجَرِّدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ

٨٥

١٢

عبدالله بن عباس

يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ فَيَقَاتِلُ حَتَّى يَبْقَرَ بَطُونَ النِّسَاءِ

٨٦

٤٢

كعب الاحبار

يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ إِلَى بِلَادِ الرُّومِ

٨٧

١٣

ارطاه

يَدْخُلُ السُّفْيَانِيُّ الْكُوفَةَ فَيَسْبِيهَا

٨٨

٥٠

ابن زرير

يُرْسِلُ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الشَّامِ مَنْ يُفَرِّقُ جَمَاعَتَهُمْ

٨٩

١١

عبدالله بن سنان

يَشْمَلُ النَّاسَ مَوْتٌ وَقَتْلٌ

٩٠

٢٣

ابوهريره

يُقْبِضُ الْعِلْمُ وَيُظْهِرُ الْفِتْنُ وَيَكْثُرُ الْهَرْجُ

٩١

١٣

ارطاه

يَقْتُلُ السُّفْيَانِيُّ كُلَّ مَنْ عَصَاهُ

٩٢

٣٨

عبدالله بن سنان

يَقْتُلُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامَ حَتَّى يَبْلُغَ السُّوقَ

٩٣

٣٩

كابلى

يَقْتُلُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ

٩٤

١٥

ابوبصير

يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ

٩٥

٥٤

يحيى بن علاء

يُنْتِجُ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلًا مَنِيًّا

٩٦

٨٩

عبدالله بن عطاء

يَهْدِي مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٩٧

١٢

ابوبصير

يَقُولُ لِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى

اسامی و شرح حال تفصیلی راویان

۱. ابان بن عثمان: وی در اصل اهل بصره و در کوفه ساکن بوده و مذهب وی ناووسی است. (۱)

۲. ابو هریره: درباره اسم وی اختلاف وجود دارد که برترین آن عبدالرحمن بن صخر است. یکی از مسائلی که بسیاری از علمای رجال اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند، این است که ابوهریره مدلس بوده و سخنی را که از دیگران می شنیده، به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت می داده است. ذهبی از بزرگترین رجالیون اهل سنت در شرح حال ابوهریره می نویسد: «قال يزيد بن هارون: سمعتُ شعبةً يقول: كانَ أبوهريره يدلسُ (۲)؛ ابوهریره تدلیس می کرد».

همچنین ابن ابی الحدید به نقل از استادش ابو جعفر اسکافی می نویسد: «عن علی أنه قال: ألا إن أكذب الناس - أو قال: أكذب الأحياء - علی رسول الله أبوهریره الدوسی؛ از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده است که فرمود: آگاه باشید که دروغگوترین مردم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوهریره می باشد (۳)».

۴. ابوالقاسم شعرانی: وی فردی مجهول است.

۵. احمد بن هلال عبرتایی: وی شخصی غالی و متهم در دین شمرده شده است (۴)، همچنین علامه حلی (۵) ونجاشی درباره وی گفته اند: «مذمت هایی درباره او

۱- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۳۵۲.

۲- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۶۰۸.

۳- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۶۸.

۴- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۸۳.

۵- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۰۲.

از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است»^(۱).

۶. اسماعیل بن رافع ابو رافع مدنی: یحیی بن معین از رجالیون اهل سنت درباره وی واژه ضعیف را به کار برده است^(۲).

۷. بشیر نبال: علامه حلّی درباره وی گفته است: «من در روایت او متوقف هستم»^(۳).

۸. جابر بن یزید: نجاشی گفته است که وی فردی مختلط بوده است^(۴).

۹. حسن بن عبدالرحمن (حمانی): وی فردی مجهول است.

۱۰. حسن بن علی بن ابی حمزه: وی شخصی بسیار ضعیف، دروغگو و غالی بوده^(۵) و علامه حلّی در خلاصه، وی را واقفی دانسته است^(۶).

۱۱. حسن بن هارون: وی فردی مجهول است.

۱۲. حسین بن احمد مالکی: وی فردی مجهول است.

۱۳. حسین بن حمدان: وی فردی بسیار ضعیف و فاسدالمذهب است^(۷).

۱۴. زیاد بن منذر: کنیه وی ابو جارود است. امام باقر علیه السلام به این فرد نسبت سرحوب را داده است، سرحوب نام شیطانی کور است که در دریا زندگی

۱- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۸۳.

۲- جرجانی، عبدالله بن عدی بن عبدالله بن محمد ابو أحمد، الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۱، ص ۲۸۰، ش ۱۱۹.

۳- حلّی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۵.

۴- حلّی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۱۲۹.

۵- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۴۴۳.

۶- حلّی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۱۳.

۷- حلّی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۱۷.

- می کند. (۱) همچنین مذهب او زیدیه است. (۲)
۱۵. سلام بن مستنیر: وی فردی مجهول است.
۱۶. در سند سوید بن عبد العزیز وجود دارد که نسائی درباره وی گفته است او ثقه نیست و ضعیف است. (۳)
۱۷. عبد الله بن لهیعه بن عقبه الحضرمی: وی فردی ضعیف است، چنان که ابن معین در توصیف وی گفته است: ضعیفٌ لا یحتجُ به. (۴)
۱۸. عبدالله بن عبدالرحمن الاصم: وی فردی ضعیف، غالی و از دروغ سازان بصره بوده است. (۵)
۱۹. عبدالملک بن بشیر: وی فردی مجهول است.
۲۰. عبیدالله بن شریک: وی فردی مجهول است.
۲۱. عقبه بن یونس: وی فردی مجهول است.
۲۲. علی بن ابی حمزه بطائنی: این شخص یکی از سران و بزرگان واقفیه است (۶). شیخ طوسی نیز به واقفی بودن وی اشاره کرده و (۷) ابن غضائری او را لعن

۱- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۲۲۹.

۲- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۰۴.

۳- عسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابو الفضل، تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۲۴۲.

۴- ذهبی، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن أحمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۴، ص ۱۶۷.

۵- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۳۸.

۶- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۲۵۰.

۷- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۸۳.

نموده است (۱).

۲۳. علی بن اسباط کوفی: وی ابتدا فردی فطحی بوده (۲) اما در اینکه آیا او از مذهب فطحی به سوی حق بازگشته یا خیر اختلاف وجود دارد.

۲۴. علی بن حسن تیملی: بنا بر گفته آیت الله خویی وی همان علی بن حسن بن علی بن فضال بوده (۳) که شخصی فطحی مذهب می باشد. (۴)

۲۵. علی بن عباس جرازینی رازی: وی شخصی متهم به غلو و ضعیف است. (۵)

۲۶. علی بن عبدالله حسنی: وی فردی مجهول است.

۲۷. عمر بن فرات: وی فردی غالی است. (۶)

۲۸. عمرو بن شمر ابو عبدالله جعفی: نجاشی گفته است که وی فردی بسیار ضعیف است. (۷)

۲۹. عیثم بن سلیمان: وی فردی مجهول است.

۳۰. قاسم بن محمد بن حسن بن حازم: وی فردی مجهول است.

۳۱. قاسم بن ولید همدانی: وی مجهول است.

۳۲. محمد بن ابی عبدالله: به نظر مرحوم آیت الله خویی وی همان

۱- واسطی بغدادی، احمد بن حسین، رجال ابن غضائری، ص ۸۳.

۲- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۶۲.

۳- موسوی خویی، ابوالقاسم، ج ۱۱، ص ۳۴۵.

۴- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۲۵۸.

۵- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۲۵۵.

۶- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۳۶۲.

۷- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۲۸۷.

محمد بن جعفر اسدی است (۱) که به گفته نجاشی وی شخصی است که روایت هایش را از ضعف نقل می کند و به جبر و تشبیه قائل است. (۲)

۳۳. محمد بن حسن بن جمهور: بنا بر نظر آیت الله خویی وی همان محمد بن جمهور است (۳) که فاسد المذهب و ضعیف است. (۴)

۳۴. محمد بن خالد: مرحوم آیت الله خویی نقل کرده است که به نظر نجاشی وی فردی مهمل است. (۵)

۳۵. محمد بن سلیمان (بصری یا دیلمی): وی فردی متهم به غلو است. (۶)

۳۶. محمد بن سنان: این فرد هم مدح شده و هم ضعیف به شمار می آید (۷) و بنا بر قاعده مورد قبول رجال در تعارض بین مدح و ذم، ذم مقدم می باشد. (۸)

۳۷. محمد بن عبدالله بن مهران: این شخص فردی متهم به غلو و ضعیف است. (۹)

۳۸. محمد بن علی کوفی: وی فردی بسیار بدنام و دروغگوست و علمای رجال بر بی اعتباری روایات وی حکم کرده اند. این شخص در زمان امام حسن عسکری علیه السلام می زیسته و از معاصران جناب فضل بن شاذان بوده است.

- ۱- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۴، ص ۲۷۱.
- ۲- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۷۳.
- ۳- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۵، ص ۱۷۸.
- ۴- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۳۷.
- ۵- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۶، ص ۶۲.
- ۶- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۳۴۳.
- ۷- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۲۸.
- ۸- شانه چی، کاظم، درایه الحدیث، ص ۱۱۷-۱۱۸.
- ۹- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۳۹۱.

فضل بن شاذان در وصف محمد بن علی کوفی می گوید: «رجلٌ كذابٌ: او مردی بسیار دروغگوست». همچنین فضل درباره وی گفته: «كِدْتُ أَقْنُتُ عليه: نزدیک بود در قنوت نماز لعن و نفرینش کنم».(۱)

۳۹. محمد بن فضیل ازدی: فردی ضعیف(۲) و متهم به غلو است.(۳)

۴۰. محمد بن قاسم بن عبید: وی فردی مجهول است.

۴۱. محمد بن حسن شمون: وی فردی غالی(۴)، واقفی مذهب و فاسد المذهب است.(۵)

۴۲. مفضل بن عمر ابو عبدالله: وی هم مدح شده و هم مورد طعن قرار گرفته است. شیخ مفید درباره وی می گوید: او از شیوخ اصحاب امام صادق علیه السلام و از ثقات فقهای صالح است(۶) ولی نجاشی درباره وی می گوید: او فردی فاسد المذهب و مضطرب الروایه می باشد.(۷) بنابر قاعده مورد قبول رجال در تعارض بین مدح و ذم، ذم مقدم است.(۸)

۴۳. یونس بن ظبیان: وی فردی ضعیف و غالی است؛(۹) همچنین نجاشی درباره وی می گوید که هر آنچه که وی نوشته، مختلط است.(۱۰)

۴۴. یونس بن کلیب: وی فردی مجهول است.

۱- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۴۶.

۲- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۳۴۳.

۳- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواهه، ج ۱۷، ص ۱۴۵، ش ۱۱۵۴۶.

۴- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۴۰۲.

۵- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۳۵.

۶- مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۲۱۶.

۷- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۴۱۶.

۸- شانه چی، کاظم، درایه الحدیث، ص ۱۱۷-۱۱۸.

۹- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۳۶۳.

۱۰- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۴۴۸.

حال رجال در یک نگاه

ردیف

نام راوی

غالی

ناووسی

فطحی

مجهول

زیدی

جارودی

مختلط

واقفی

ضعیف و غیره

۱

ابوهریره

*

۲

ابوالقاسم شعرانی

*

۳

احمد بن هلال

*

٤

اسماعيل بن رافع

*

٥

بشير بنال

*

٦

جابر بن يزيد

*

٧

حسن بن عبدالرحمن

*

٨

حسن بن علي بن ابي حمزه

*

*

*

٩

حسن بن هارون

*

١٠

حسين بن احمد مالكي

*

١١

حسين بن حمدان

*

١٢

زياد بن منذر

*

١٣

سلام بن مستنير

*

١٤

سويد بن عبدالعزيز

*

١٥

عبدالله بن لهيعة

*

عبدالله بن عبدالرحمن

*

ص: ۱۳۵

ردیف

نام راوی

غالی

ناووسی

فطحی

مجهول

زیدی

جارودی

مختلط

واقفی

ضعیف و غیره

۱۷

عبدالملک بن بشیر

*

۱۸

عبیدالله بن شریک

*

۱۹

عقبه بن یونس

*

٢٠

علی بن ابی حمزه

*

٢١

علی بن اسباط

*

٢٢

علی بن حسن تیملی

*

٢٣

علی بن عباس

*

٢٤

علی بن عبدالله حسنی

*

٢٥

عمر بن فرات

*

٢٦

عمرو بن شمر

*

٢٧

عيثم بن سليمان

*

٢٨

قاسم بن محمد بن حسن

*

٢٩

قاسم بن وليد

*

٣٠

محمد بن ابي عبدالله

*

٣١

محمد بن حسن بن جمهور

*

٣٢

محمد بن سليمان

*

۳۳

محمد بن سنان

*

۳۴

محمد بن عبدالله بن مهران

*

۳۵

محمد بن علی کوفی

*

ص: ۱۳۶

ردیف

نام راوی

غالی

ناووسی

فطحی

مجهول

زیدی

جارودی

مختلط

واقفی

ضعیف و غیره

۳۶

محمد بن فضیل

*

۳۷

محمد بن قاسم

*

۳۸

مفضل بن عمر

*

٣٩

محمد بن حسن شمون

*

*

٤٠

يونس بن ظبيان

*

*

٤١

يونس بن كليب

*

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، ۲ جلد، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، قم، مومنین، چ اول، ۱۳۸۰ ش.
۲. _____، کمال الدین و تمام النعمه، ۲ جلد، ترجمه منصور پهلوان، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دارالحدیث، چ اول، ۱۳۸۰ ش.
۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ۱ جلد، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، تهران، پیام حق، چ اول، ۱۳۷۷ ش.
۴. آیتی، نصرت الله، بررسی تطبیقی سیره امام علی علیه السلام و امام مهدی (عج) در رویارویی با اهل بغی، مجموعه مقالات همایش بین المللی دکتربین مهدویت، شماره ۴، ۱۳۸۸.
۵. جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، آفتاب مهر، ۲ جلد، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، چاپ یازدهم، ۱۳۹۰ ش.
۷. زبری قاینی، محمد حسن، فرهنگ اصطلاحات علم الحدیث، ۱ جلد، مشهد، آستان قدس رضوی، چ اول، ۱۳۸۹ ش.
۸. طبسی، نجم الدین؛ واعظی، سید حسن، درنگی در روایات قتل های آغازین دولت مهدی (عج)، مجله انتظار موعود، شماره ۶، ۱۳۸۱ ش، صفحه ۳۵۵.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الروضه من الکافی، ۲ جلد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، چ اول، ۱۳۶۴ ش.
۱۰. مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ۲ جلد، تهران، اسلامی، چ دوم، بی تا.

۱۱. منتظری، حسینعلی، موعود ادیان، ۱جلد، تهران، خردآوا، چ دوم، ۱۳۸۴ش.

۱۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ۱جلد، ترجمه احمد فهری زنجانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم، ۱۳۶۲ش.

۱۳. _____، الغیبه، ۱جلد، ترجمه محمد جواد غفاری، تهران، صدوق، چ دوم، ۱۳۷۶ش.

ب. منابع عربی

۱۴. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ۱۰جلد، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

۱۵. ابن ابی شیبہ، ابو بکر عبد الله بن محمد، المصنف فی الأحادیث والآثار، ۷جلد، تحقیق کمال یوسف الحوت، الرياض، مکتبه الرشید، چ اول، ۱۴۰۹ق.

۱۶. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، ۲جلد، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ق.

۱۷. _____، کمال الدین و تمام النعمه، ۱جلد، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ق.

۱۸. ابن جحام، محمد بن عباس بزاز، تاویل ما نزل من القرآن الکریم فی النبی وآله، ۱جلد، تحقیق فارس تبریزیان، قم، الهادی، چ اول، ۱۴۲۰ق.

۱۹. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، ۲جلد، تحقیق آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البیت، چ دوم، ۱۳۸۵ق.

۲۰. ابن خلدون الحضرمی، عبد الرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، بیروت، دارالقلم، چ پنجم، ۱۹۸۴م.

۲۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ۴جلد، قم، علامه، چ اول، ۱۳۷۹ق.

٢٢. ابن طاووس، علي بن موسى، اقبال الاعمال، ١ جلد، تعليق شيخ حسين اعلمى، بيروت، مؤسسه الاعلمى، چاپ اول، ١٤١٧ق.
٢٣. ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، ١ جلد، تحقيق جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر اسلامى، چ اول، ١٤١٧ق.
٢٤. ابن كثير الدمشقى، إسماعيل بن عمر ابوالفداء القرشى، البدايه والنهائيه، ١٤ جلد، بيروت، مكتبه المعارف، بى تا.
٢٥. اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواه، ٢ جلد، قم، مكتبه محمدی.
٢٦. ازدي نيشابورى، ابو محمد فضل بن شاذان، الايضاح، بيروت، مؤسسه الاعلمى، چ اول، ١٤٠٢ق.
٢٧. استرآبادى، على، تأويل الآيات الظاهره فى فضائل العتره الطاهره، ٢ جلد، قم، مدرسه امام مهدى، چ اول، ١٤٠٧ق.
٢٨. بحراني، سيد هاشم بن سليمان، حليه الأبرار فى احوال محمد و آله الأطهار، ٥ جلد، قم، مؤسسه المعارف الإسلاميه، چ اول، ١٤١١ق.
٢٩. تمیمی، ابى يعلى موصلى احمد بن على، مسند ابى يعلى، ١٣ جلد، تحقيق حسين سليم اسد، دمشق، دارالمأمون للتراث، چ اول، ١٤٠٤ق.
٣٠. جرجانى، عبدالله بن عدى بن عبدالله بن محمد ابو احمد، الكامل فى ضعفاء الرجال، ٧ جلد، تحقيق يحيى مختار غزاوى، بيروت، دار الفكر، چ سوم، ١٤٠٩ق-١٩٨٨م.
٣١. جزرى، عزالدين بن الأثير أبى الحسن على بن محمد، الكامل فى التاريخ، ٧ جلد، تحقيق عبد الله القاضى، بيروت، دارالكتب العلميه، چ دوم، ١٤١٥ق.
٣٢. حلى، حسن بن يوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ١ جلد، تصحيح سيد محمد صادق بحر العلوم، قم، مكتبه الرضى، چاپ دوم، ١٣٨١ق.

۳۳. حلی، عزالدین حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، ۱ جلد، نجف، الحیدریه، چاپ اول، ۱۳۷۰ق.
۳۴. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ۱ جلد، تحقیق موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۵. خزاززی، علی بن محمد، کفایه الاثر، ۱ جلد، تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمری قم، بیدار، ۱۴۰۱ق.
۳۶. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، ۱ جلد، بیروت، موسسه البلاغ، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۳۷. دانی، عثمان بن سعید، السنن الوارده فی الفتن، ۶ جلد، ضیاء الله بن محمد إدريس المبارکفوری، الرياض، دار العاصمة، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۳۸. ذهبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن أحمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ۸ جلد، تحقیق الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۵م.
۳۹. _____، سیر اعلام النبلاء، ۲۳ جلد، بیروت، موسسه الرساله، چاپ سوم، ۱۴۰۵ق.
۴۰. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، ۳ جلد، تصحیح موسسه امام مهدی، قم، موسسه امام مهدی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۴۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ۱ جلد، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۴۲. شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، ۶ جلد، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۴۳. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، ۱ جلد، تصحیح محسن بن عباسعلی کوجه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی،

چ دوم، ۱۴۰۴ق.

۴۴. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسول والملوک (تاریخ الطبری)، ۵ جلد، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ اول، ۱۴۰۷ق.

۴۵. _____، دلائل الامامه، ۱ جلد، قم، مکتبه الرضی، چ سوم، ۱۳۶۳ش.

۴۶. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ۱ جلد، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.

۴۷. _____، تهذیب الأحکام، ۱۰ جلد، تحقیق حسن الموسوی خراسان، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چ چهارم، ۱۴۰۷ق.

۴۸. _____، رجال طوسی، ۱ جلد، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش.

۴۹. _____، الغیبه، ۱ جلد، تحقیق عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چ اول، ۱۴۱۱ق.

۵۰. _____، الفهرست، ۱ جلد، تصحیح جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر الفقاهه، چ اول، ۱۴۱۷ق.

۵۱. عسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابو الفضل، تهذیب التهذیب، ۱۴ جلد، بیروت، دارالفکر، چ اول، ۱۴۰۴ق.

۵۲. عیاشی سلمی سمرقندی، محمد بن مسعود بن عیاش، تفسیر العیاشی، ۲ جلد، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.

۵۳. قرشی المصری، ابو القاسم عبد الرحمن بن عبد الله عبد الحکم بن أعین، فتوح مصر وأخبارها، ۱ جلد، تحقیق محمد الحجیری، بیروت، دارالفکر، چ اول، ۱۴۱۶ق ۱۹۹۶م.

۵۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ۲ جلد، تصحیح سید طیب موسوی

جزائری، قم، مکتبه العلامه، ۱۳۸۷ق.

۵۵. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ۱جلد، قم، داوری، بی تا.

۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ۸ جلد، تحقیق غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم، ۱۴۰۷ق.

۵۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیه السلام، ۱۱۱جلد، تحقیق جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ دوم، ۱۴۰۳ق.

۵۸. مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ۱جلد، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

۵۹. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، ۱جلد، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.

۶۰. _____، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، ۱جلد، تحقیق علی میرشریفی، قم، کنگره شیخ مفید، چ اول، ۱۴۱۳ق.

۶۱. _____، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ۲جلد، تصحیح مؤسسه آل البيت، قم، دارالمفید، ۱۴۱۳ق.

۶۲. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر، ۱جلد، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو، قم، مسجد مقدس جمکران - نصابیح، چ اول، ۱۴۱۶ق.

۶۳. موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ۲۳جلد، قم، مدینه العلم، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.

۶۴. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ۱جلد، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، چ ششم، ۱۳۶۵ش.

۶۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ۱جلد، تحقیق فارس حسون، قم،

انوارالهدی، چ اول، ۱۴۲۲ق.

۶۶. نویری، شهاب الدین أحمد بن عبد الوهاب، نهاییه الأرب فی فنون الأدب، ۳۳جلد، تحقیق مفید قمحیه وجماعه، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ اول، ۱۴۲۴ق-۲۰۰۴م.

۶۷. واسطی بغدادی، احمد بن حسین، رجال ابن غضائری، ۱جلد، تحقیق سید محمد رضا جلالی، قم، دارالحديث، چ اول، ۱۴۲۲ق.

۶۸. هیئت علمی موسسه معارف اسلامی، معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ۸ جلد، قم، موسسه معارف اسلامی، چ اول، ۱۴۲۸ق.

نرم افزارها:

۱. جامع الاحادیث نور، نسخه ۵/۳، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ۱۳۹۰ش.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹